

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مترجم	۱۷۹۹۷
شماره قسم	۷۹۹۷
مؤلف	محمد صادق ناطق حبزی
کتاب	گرفتار
نام	کتابخانه مجلس شورای اسلامی

خطی	مجلس شورای اسلامی
کتابخانه	مجلس شورای اسلامی
۱۷۹۹۷	

۱۷۹۹۷  
۲۰۹۱۵۷

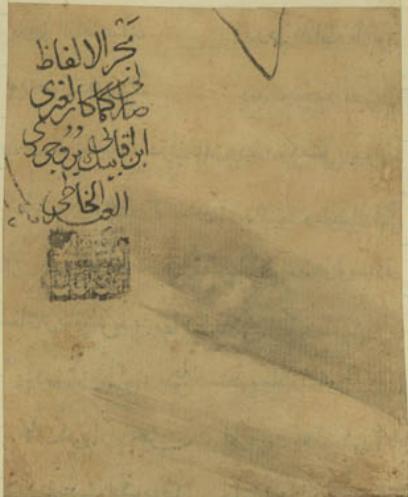


جزء الالفاظ  
صلی اللہ علیہ و آله و سلم  
ابن میشل بر جعفری  
الخطاط

لایتینگ  
نامه  
نواقف  
سبک  
لهم  
انزوا  
مارغونه  
بدشت  
در ساله  
کروید  
ختار  
دش  
بر دن  
شناقت  
غایم

١٧٩٩٨  
٢٠٩١٥٧

خطاب پیغما  
پلاس امنیت  
لایل اقان  
ساید سیفون  
برناظم  
افزونه  
مارکوپور  
پندت  
کرسال  
کروید  
ختار  
پشتی  
اتری



کتابخانه مجلس شورای اسلامی



شماره قفسه ۷۹۴

۴۰۹۱۵۷

سندویں کتاب

میرزا

۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

اینست کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

جزء الفاظ

اع نام فور حله الفاظ عيان

انوار توجون صور هر حرف

شرهیزین الفاظ و لغات و لطیفین کلمات و نکات ذکر مکتبی را روشن کنمی

سراست که بیلان حوش اوای السنه ضمای دلنش و طوطیان شکن خاعنا

بلغای سخن پر در رکستان وحدانیش باین جهات حوش صادر و منظم

و در بوستان فردانیش بدین مقاصدات دلکن ناطق و مکمل اندلیل آله

اع جوان ذکر صفات انسان اینجان اینچنان ایشیان راجا و دان ذکر صفات

جزیره صیف کالن کسی باری سخن

فلسان ایز کوئی نیت حرف در حله

در کلسلاها بخدمات طاپان هم کفت کو

دیبا باها بجهشت و حشیاه هم دا

نامروت ستاده دلقدی

جذب

فیض بخت ان حله از کان مخایث فیض  
بیهمانان حله در حله عطا بینه هما  
از نقطه کشته خود و کلام امایت  
حکت نام تو بیشد ناقوان ایوان  
لغت عام تو بخت دینو ایان ا لوا  
هم ها از سفره جو ت باید سعو  
هست ایوان قوچون پیاز هر حرف بید  
اصل و فرع و حیر و شر و زار و غور و کردن  
هریک یجیا و فعلی ای بخوبید  
و در و دن اعدمه و عیاث ناصد و رسول راشا بد و سیدی ریا بد کر رسالت  
رسالت بنام نامیش ختم پذیر فاعمه بتوت از طرای اسم سامیش نیش کی کر وید  
اعنی بحث کرد کار و فدرت آفرید کار رسدم رابین ایکار ابو الفاظ محمد محترم  
صلی الله علیه و آللہ لا اطهار الامیار **نظم لولانه**  
فخر بغير ان محمد آنکه خود خلقت که لخلاف آنکه از نو و متبران  
مید مد آنکه در مشارک هم خدا بعده حش شابق هم ملایکت بخود مغلق  
بدند و دوی ایکن و اکواه بسجود وی افسوس آفاق حمزه ایان بروش نام

درج حلم و آخر برج علم اند **لواف**<sup>شکوه</sup> انان که عشر را بود از قریان انان که پیچ خواه  
 بود اند قدر شانها هم ماه را ز طلعت ایشان بود ضریغ هم مرزا صورت شد  
 بود جنباً حضوراً افضل اولیاً اهل اوصیاً مطهوب هر طالب اسلامه طالب  
 ابو الحسین علی بن ابیطالب صلوات الله من الملك الواهب رحمانه اعلان  
 بالشهاب الثافت **الله** علی وی فابل کل غالب وصیتی فایق کل فایق  
 کفت و فریز الکی دل او بود خبر تحقیق عکس حنائی حکم فکار  
 بامر الہیت امر شرعاً بود کائف که وی فیر ابر  
 شفای او قدیث اد صوی رضاعی او خایان در حق  
 حلاقی بعرضی اور در حق پیحضرش اوصیا جمله طا  
 ملایک بوصیف اور برای پی خدمت اینجا حلمه طا  
 صفر ای بصیر اچ کهاد نجی را طیوان چکیده داد  
 نعصیر هاندیش جلد وند  
 رفتوی چنانچه جلد ایلاد کامیش جو بطفن کویی طیق  
 طیور شستکت افعاع زنار کشانید و ساز  
 با یونچون سهم آمد من اعم بیغوب چون جلد ایلاد  
 فرج داد ایلار اور ساز  
 بیونکه که در عالم که بیوس نظر کرد دینه سقا  
 رها کرد آنرا زخمی جمال

مکان در برش قام و شد قدسیان بالخنی و الاعدان حاکیان بالشیوه الاشراف  
 از پی خادمیش جلاشیا از پی خادمیش حمله قواف  
 مهتر اینست دل راحله شب معراج حوت تاکرده سوی نه طاق پیچ طاق  
 پل دکوه این بلند رواق حبیل آمد و برات آوره  
 چه بر اقچه بر فرویاندا شد سواره بی عجا کوش آسمان از محجه بت طاق  
 بخانش برای استیاق بر کاشی برای استیاق ادم رفع و بودن و ادی  
 اسحاق رسپرند کاد کام بکام ایسنا دند کاد ساق بند  
 کو وطن نه در اقدار زیارت حق رستاده برو رهوف  
 شد شباناً بالخیتم حوات کو دیپا به چون  
 که بیوی در ان طلاق کل طلاق غیر ای اخلاقی عیار اخلاقی المخلوق  
 غیر اسلام را نت آزار ز کنیه پدا و بود استکنا کنیه کو با و بود استکنا  
 ملطفن اندید و بدل ای مخفقش اندید و بدل شفاقت حوات اهل قران حق  
 ای خدا داشتند استیاق وصلوات با برکات و بمحبت زکیات بالک درست  
 آن بیکاره کایان و آن خلاصه موجودات که ای ادرا احفاد ای احمد شهربن کعبه

کشته  
علاداد این را به ق مقافی نیخن بنیان چون کش ملحق میخن با اتفاق حکم  
رکش امان یاد چون هم برگزون مکاحجه چون هم ط و حقیقی رسول ائمه  
که از هت های ز دیگر بالا ضمایر بکه جزوی کند پایلید و میریست  
بدینا و عقباً بامر و حکم هم بر قل این هم قوافی عبا حبیط مکثی ط  
بر صافیش طبقه کشته نا بوصیف اد کن چون بیشتر است تعریف اد چویست  
من وحد این هم طالب من و وصاف این هم معنویت ای کنم هم فرضیه ای هست  
دهم آنچه تو صیغه کشته است **امان** مطلب کلی از جهت این شاهد حسای این سخنه  
دلکش او مقصداً اصلی این بوده کتابی عذر از ای این بحیضه فرج افراد است که  
چون فحای سلف و بلای خلف در علم عرض مصیف بسیار فنا بینه شد  
نکاشته و کذاشتند لیکن در فن تاریخ کمالی اوق و بازار نظم را ازان رفته  
همه کاشتند و راین علم بینه اش بک آنقدر تدریت نداشتند چون این فن  
منی است سعب و دشوار و از ای اس آن صواب و قواعد در کار بود **هذا** احقر  
شعر و دانه نظایراند و این تحدی صادر المخلص بالاطلاق با پیشان حال و بستان  
حوال در مقام جمعیت این الفاظ این اندک تاریخ کویان را فتح احمد بن مشکل اس کرد و  
لنز

لغتی که معد خاصی داشته باشد در رای مناب بکار بین ده هر کاه الدده غایب است  
که مصیع تاریخی ایلیاس نظم در آورده که کلمه که موافق العد داشد در مقامش متعار  
غایبند و تا حال مورخان محاسبات و مهندسان که فراسان میدان نظر بوده اند  
بیچ کلام در هیچ ایام فرس نه کرد راین وادی این قسم نایقنتا خذله که عربی  
محیر چوت **شکان** از عبدالکریم الفناش کاشان که بین طلب زرداخند و بسیار اقا  
مساوی اهداد راجع ساخته و همچویه حضرت آن الفاظ را نیز در راین کتاب داشته بوده اند  
آن مدث پیغما اعنی این فکر دین و راین بجز رفیعین عوصر و عربی که بین اک  
الفاظ و لغات که در افلک بداریستی اند بنان الفعش متفرق و پریشان بود در این  
صحیفه چون عقد بروی دیگر اجمع نموده ایواب نقد و الفاظ و کلام رایر که  
مورخان محاسبات بکشود و چون هر قصیف و تائیف که مزین بالغاب پادشاه  
محمد بن اشلاجی و قابل مطالعه و مذاکره بوده و نخواهد بود کلام خامدی نبده  
شمشده جرات و حبارت نمود کدن و چون شاهد این دختر رایب و زینت بخود  
نکوه نام ناچور زیرا اسم سامی خان آسمان اسناد که از فحات همار بعد شد  
دلمای پیرو جوان غنچه اسختم و خدان و از شخان امداد و حاشیش که از طبق اینها

پی خدمت از خدابونعما میان چند ایکثان آسمان ازو شاد و حرم زمان فری  
 هم آباد و بضم مکان و گفین بعد دش چنان عالم لایک است که از عدل و داشتن گفت  
 دشتر زیان نکن که داشت بود مدیش آکه جلد چنان زیان را ملای زدنی شیر  
 ندان اکلامی زنکن دلبر کف و پیغ آن حزیر چشم نشان بود رفتاب و بود قشنه  
 ای چو بخت شاهی هذله ای توکوی ملک بر طلا کرد و چهار چو بخت یکان کشید  
 بود عیسی ملک شاهی به بیدام سه آسمانی همند بیچاره سده که کثاف کند  
 کن کن اکار چو ناز بیدان نکان اند آن دم بخات تکین چو پوشید زده بجه حقنه  
 زده چون شود شاهزاد بود بیغش حلقة قدر زده چو زلین چنان که داشت  
 بود مکش اور سده خوش کین مولکش بیرون پلا پوش بپای سند شرید مکا  
 سو و سه سانم بفرج زمان که کرده سنان در بیان دهد و بیان راجح او را  
 فر پرده داری بود و داشت عطاء دکن مهنتی منرش بقشر کند زده همچنان  
 بضرف کند آمنا بضری غلامیت هرام در تکش بود مشعری تاصی عکش  
 چو دیان در بیان ارشد رستیا کان یافت بر تتحمل زشاهان پیش بیش  
 زه چیز ایاث ای بو شیری بر از نده مخن و دلمیه دست طرانده هفت

خور و دکلان سنه ما زابر نهر زیان است امی شیر با عادل دل ملک اراده شاه  
 سکن در سکن دار اراده بیور یاری مرهن حسر حبیش دار نیک المؤیدین ایها  
 المظفر علی احمد ملاد البیاض معاز ای حکام السلطان بن السلطان راعف افغان بن  
 اخافان السلطان فتحعلی شاه قاجار لاز الایام جلال الدو ولشوشکن دار افالک الله  
 خدیج بخت هر زر دکار پناه شاه سایه کرد کار شه داد که داور را دکار  
 که هشت شه طلاق بور دکار جم عمد فتحعلی شاه آن که عادی محانت و شاه شاه  
 سر از از شاهی کصدار دعا بود در رکاب دعا دشوا سلطان طحان شاهی فتحعلی  
 خواهی فر لجا که خلاص شهاد که در هر چند شاه این  
 بلکه زرشی جاین بطریک همچند متش لکن داری اک بود داری داری داری  
 شدی عبد مدیان در بیان بعد میش اک بود نوشیو شهادی بدارش غیر از زوا  
 زروم در پیں بهرایج خراج دهدنی صریحت و دفعه دلیل  
 بود چو در بیان در زر دش بر پیار مغان تخته ایان دش افند  
 نعلد و زادش بیور نظم و ستم نداز خبر با یوان حسر و عیان چو  
 شهاده حسر و اراده بارانه مسد حسر و ککرش بور تبهه کرد

چو یزد میکارند  
سرمه شاه اقبال شاهزاده  
بیان شمی سرو زاده  
مند و ساند سپاه  
شیدجوب دسته  
کند تارده شنما فاختان  
شہاب الدش برقه و مکان  
محب پسیه ری شو آشما  
چو اید بیدان بر جای  
سینه کن رو ز کاشدان  
سینه بد و بیندیل و خان  
مکان چون کرند بای  
شود آذاف بچخ مکین  
تخلص اقد بیمه بلند  
بود زان کریز ای  
حواری جواری و غلائی  
جو آر بیک در صفوی  
دهد خاک بدیننا ز ای  
زندان هار است جادویز  
بله قوت ها آخون  
چو کیم ازان نیو ز هربار

مجسم جات حکم حما  
روان حکم حکم حما  
کنیزه بخت از ناج  
خداد او روز از شاه را  
ملک کاه شاه ملک کاه  
ز جواز کوون در شیده  
کرند و اونک و تاج و کلا  
برآوردن از جهان اون  
که از بد و تاج و تخت و بکن  
کم بیش و صفر و لاهت که  
بران صفت شاه طلاق است  
که از روصفت ملک دستان  
که صفت شاه طلاق شکه  
که احالم از کرنا هست که  
جم آین محمد علی صفو  
عین لخ زریج شاهنشه  
لخین کوه در جهان دی شاهنشه زاده که مادر  
چار شاهان و چار شاه  
تدیدات پیر حجله جو  
ملک بکاه و ملک جایکاه  
بود شهون در عصمه لوز کا  
زعدل شهان است زکم  
ز عدل شهان است انتهم  
ز داشان ایان دار شیر که  
ز دستان با هد و هد شیر  
ز دش دعل دل داش با ایم در طراف عالم به نوم و  
بدینه و هد دانه باز  
با هد و هد طهم شیر عزیز  
ز عدل و ز طائف ای خم  
جهد میشان اک و در شسته  
چو کیم راعطا ایان کثیم  
که دستش جات و جو  
چو عزیز

آب ایت **چادر** ج آب آبا با با پسخ حب حبیب بع نیای آداد آپا شاه آه هاب  
میدید ادا باج جما باج مجا احب باها هفت به به هبلا حیا حب مد او او و او دب دا  
اب عبیدا با داشت آذار ل ابو چوچ لها هب اهاب باه اهبا جمد مد اداج اداج  
آداب اند اور یا بادا ایاد دد آواره ده حب حب چوچ اه جاه چا هبا حاب  
بیوئین رب داد اذا داب او ب دبا با و اهبا اهاب احدا **حُبْحَبْحَبْ**  
او اب دودو حمز براز براز بان زاب زاب زاب زاب اوج دعا جادب **عَجَدَ**  
ده هاد حبیه چپه حبیه چپه **یان** هوفه اهباب حب ط بطرزه دن با  
ای دعا و دا دار و داد حب پوچ حوب بجو جاه بجاد باجه باجه هاج  
دبه دده دبه باز از اج **حِلْمَاج** **حِلْمَاج** **وَدَح** حدبی پ زه لور لور  
لور بدر حاج حب مد حب داد ناد ند اطاب طا آهه هووا واه حبde هبه  
آنبا با ده دابه و احیب او حب حواب چوپا احبا احزنا ابوب **بینه** احد احد  
جي زو آور بیا باب پای آبی ابی ابی حب وجد نبد بزد دود دهد  
آن زاد اب باز حب حب هوب رهب دواب احیج حمار جاده جا هد  
**حکار** طلدی مددی حای خود رمه وله همچو هفر آجی دود دود و ا

چو دیده ازان را می خواست  
از ان روی او راسته و لک بود بدی از آنها حلا  
که کجا لات آسنه کمال  
کمال از رقص پرسته  
بود سرخ از بختان کمال  
بود سرخ از بختان کمال  
رسخ چیز داشت با خبر  
رسخ طبقت رخش بزم بر آلتا پسرت زمامه  
عیادت نامه و حصل پسر  
بود شاه بخت و لذت شاه بزم شاه بخت  
ذرا طوق عاو زرخ آمن  
بود سه بین آمین اند که مقبول بزم  
مشکل طغیت بادنای واعی حضرت شاهناهی کرد و ها آشیخ فرمود  
لطف  
لهم انت املاک امکون این کتاب موسوم به الفاظ اکو دید و بحر الفاظ اذای خواست  
کاب شد در سن ۲۲۰۰ تا ۲۳۰۰ جوان الفاظ را کرد همچوں نه لطف شفند خیر الاما  
جو از الفاظ بخوبی بود و می تاریخ کتم بحر الفاظ اذای خواست در آخر کتاب  
مرقوم می کرد و قصاید و قطعات عام تاریخ کرد ای احمد فاریون بر شیوه تقطیع  
لهم از آهار ارباب خیر نوشتم ازان مجلد صدیه عالم تاریخ کرد برای ذرا ندو  
تبه منوره مقدسه حضرت مصصوم علیها السلام و متما بقیه مجدهای  
در اعاده از ازاد دست و هجدہ مرقوم است بنظرها جان بصیرت میرسد و میر  
العجمه وال توفیق و الله على ما يفوق دکیل علیکم اعد و دوب سر با ما آب  
از

بیکن بیکن پیچا های حاجز حجان ایجاد درده یاره هبود هنرا **لست** تدقیق مخد نیز بیچ جز  
دیماج بایمیچ هیچ هیچ حتی دیرو اینا زنیا پیان بازی ایطخ طبا طبا طاح دلی  
هاری دایه و دیده یاده طبا طبا و جمه پرمه پونه بندید جحب پچه هنر  
اوامه از هنرا **لست** طب طب طب طب نیدزید نیز زدی زیب سین  
زدود هرمه هبید حاین زایخ دلی و دلی روحه هدایا سیدا ملاده  
**لست و ده** کب کب بک حدی زهی هزی یاهی واهی یاهی یاهی جیب  
ازد زاید زاید ازید اطب ایجان خدود حاجی هبودا بید پوید چید  
بادید پایاده ازدواج **لست سه** چک کچ کچ بک بک بک بک زی زی هه  
طبیب یاب دیده دوچه بوری بوری بیوه هبوب جوید جوید و بوط  
رهید آزانی یاچ **لست هار** کد کد و می یوچ طوط چاک کاچ آچ  
کا آچ بیچ اهوا جاوید هبوب و میهه هدیه دیده دیده هنراه طبا طبا  
**لست بیخ** کد که که هبود جبن کاب کاوارطی حاوی اویلی اهوی  
جمیز جزیه طبید هبایا درندی ایدی جبها ندایا پیاپی بیاب بیجاده  
دیباچه **لست شش** کوکو هاک کاک کاک آک آک بک کد اکلا جاک

ازد بزه بزه بزادن بزاد واهب و هاب ایاب حداد احمد واحد حاج  
حباب هجای آحاد درجا حاده دواج رضاچ بدبود داده احبا  
**لست و ده** هی هرج هود دهه یاد بیچ جیب جمه احمد حبید چی دزد  
حوا آید شاذ بوز داود دداد آواز ازاو و هفاج اهوج حاج طبیع  
جهه بیاب بیای **لست و ده** آید حجه زرچ جزد وی بدیع زهد زده  
خط بید های وطا باند بایج پیچا بایی حجاز حبجه چچهه هداد  
لدیان پایاب **لست** زی طبا هجهاج حدی جدی بیچ چید و جوب  
هی زود دوز وزد هزب پیه و ای آقی ابدی بیدا پیدا ادیب  
بادی بوده زاهد انهد زهاد حوجه بزاز حوزا هباز حداد پاید  
باید باید دینا ناده آزده اهان بزره ایجاد احلاح حوج دیده  
**لست** زنرب طوبای بوی بوی بوی هیچ هیچ جی هودچ جوده  
جمود دایخ دید پاید زنده حاده درج هدده زولد وارد آزاده  
ازدها بدهمها هوز حبوب آبادی **لست و ده** طی طاط طود و طد هدجد  
زیب حیا هدی دهی طب خط بخط بین وجود واحد ایوب ایا  
بیجا

کوکه کمای اکید کاری آجال الما بیال بابل بیال مکون کاروه پاکناد کیا  
**سی و شش** دل لو آله اهل هلا کو کوی کویی دلب کاه کاهی کاهه  
 حاب جمال بابل در کاه چاکی الاب اور بک **سی هشت** اذل لوا آکو کارول  
 جمل جلد جلد هبل طلب بفیل بله پله دابل نالد بدل لا کبد کوی میکه  
 آکاهی چکید نزک نیک **سی هشت** حل چله جله چمل جمل بول بول بول  
 ازل خبه هبال دجال حلال دامح حمال باله لامه ولا محیی انداز بیکاه  
 بکی ابله آبله الوا زک ایکی **نه** طل لط حال لامح جلو چلو جلو چلو  
 لوح دهل هلد اهاب دابل اجله امجه جاهم جمال ومال کدیه حابک **ک**  
 ادلاج احلاد بلو و چوک طوطی کن اراده **اعلام چمل** بیل ل دول دلوله دوله  
 بکی حلب چمل جمل بلع طلا کویید نابل بوب جمل جلوها چلا لاده واله اده  
 دلها حلاه ببدل کاهید جانکاه زیبایی بظایی **چمل بک** ام امر مطلب  
 طبل طوهول لامح لای بایل کیوه آکو دهال دولا لاله بلوج بلده  
 هاله کنید کنید در دکاه بنیدی **چمل دو** واله سی محمد نله بیل  
 پیل هزره بک کک چاچله طاب طلاب طلاب بطال باطل اجله هیله

اکیاب جزوی حدید حوزه مجید زولید بدیهه هویبا رایجه جایزه زدو  
 بیوجه بیمهده بیحاب با بوبه **پست هفت** ذک کون کار کوکه که که بلکه  
 چکد طوب وزید **خن** دمته آماه جوچ چبی پایید پایید هارمه نیاز  
 پایزده دولنده نزیاده از دیاد پایید **پست هشت** حک کاز راک رکا که کچه  
 اکداب کوب وکب بولک بکو دیدی فجد حایط ویژه جبار زولید زینه  
 جمودی حرایج بازیچه باز دید **پست آنده** کاخ دعواج کوچ دکه کده بنز  
 باک دو دیده زاویه آرینه پچید پاکاه **اعداد سی** بیت کی کور دوک دوک  
 کور از بک کاده طایف اکواب بکوب خنک طیهو جزیی الطی کابه پایین  
**سی هشت آن دل** لا که کور کیا بطلک زندی زندید اکداد کاده دیده  
 بیوجه وطوات **سی هشت دو** تبل پل بل الا آلا بیت پیل کب کره کاره  
 کاره کاهو کبود کوبید بیکو کدان حیطه پیغیز کاده زایید ازدی هاهای  
 بیجهوده **سی سی** بطل چل بخ بال بایل بکچ کوز کوش حکه کجی ابل طهونج  
 پاکی کپاسی **چهار** دل جلا اجل کید دیک طوطی کاچی بالا پاکه پیغیده  
 بیوجه بکجا سی **سی** بکه بخل جمل حلب چبل بلع دال دلا لاد کی دیا  
 کوکه

فی بدل پایله دلخ بادام ماز الماح هایل الپهی کوینه یاوه کو پالوده **چله**  
بزم مهد مده دمه هدم دم موج ماج حا لایح حایل المتن جاده  
چانه ماج مداد دادم کوچک طم دهی حیول کاک هیلاج حاک کلکه  
الهام ایجاد ریسیا میز نرم **اعدا** پیشان کل کل کل ملک هم رمی یم محب دم  
جزم کیک جزیل ادم هادم مهدا آمده ماده حماد ولید پالینز کوک کدو  
ملوح مواج میزان بازم امداد اماد حواله خادو هیکارک نایلی چارط  
الخطب اهاج **پیجا** و **ریک** ان آن ناما ایی مرد دزم کل لک کال بیحال  
اک دم جم  
آمده هایله طولان لواطه ابوطالب **پیجا** و **ریک** بن بن جلد مرح مرح  
هرنم مفع کلب پلک بکل آمیانا انا طلحه کلاه مزاد واه هوم ایما ایام  
جمیا حمام مودب موبد موند والهی طالبی مدنطا مواجب یم هیولا  
بیطال بالیده دژ آسود با امداد ایلیا **پیجا** و **رس** سجن ابن بنا بنا بن  
پان دزن چکل چکل بچک احمد حامد مارح متاح کلاب کلاب کابل بالک  
پیام پیما کجیه طلیه چله او هام چچه زیلو ککه محوب و محی ماجرج

چله چله نموج حلاج او کاد چکیده بلاده بارله بکودی بدکوی کواهی کدا **چله**  
**چله** و سه مجم بام ما جلیوب گلک جلی جله زلوز رطبی حدول  
ژله هر لک چجه اهول چلوا چلبو ابطال زاکیه الماح دلاب پولاد پالوده **چله**  
**چله** مد دم دم دم لوح حله و حل حام ماج ماج امح الدیاب طله جمل  
دب طوطک دولد کیدی زول زالو جدول جلوه بیب چھلو چلکه الماح  
بلایا پلا ایله طباطبایی **چله** پیچ مدد دم هم طول لوط طاو آدم  
آمد دام نحل هیل نلدا اهل لوح حلو چلی آماج دھلو نلاب بایی  
الوجه باکنہ جواله جواله کاھیده کایده **چله** شش مو مو هام هام وی  
لیو ویل طلبه چله هر لاج هایل لایر ایله بید ل بید بید والدہ کوئی  
کنیده چلپا چیبال ایغیل بیچل الوده زانال الواح اهوا جماله **چله**  
**ھفت** مجد مجد والل ولاجاه ولای لایی اولی یم لیز کلک صدما کاک  
کلک مباد محب جام جلدی بلهی بالید من کویای باطله ایچل  
**چله** شش **ھم** مدد دم دم بوم مبوم بچل هیچ هیچ هم مجد احمد  
دماج ماجد حامد حاد کک ازیل زایل باهم طلاح طانع چله ادیا  
ج.

ان عود هایم صایه بی مدزه باد ای دل او بین پناه و نه محمدی خنادهن دهن  
هند بند و نه نده طن بن حای حاجی چون جون طیم فتاب با تو جه  
میده بی ده محمدی بنی دادن داده ازان محمدی جویم پنه کالع کلام  
کمال اکمل موجود موهوب کوپال آبادان میداد **اعلام شست** زنج فی کم کم  
کم کم کم کل لبک بلک کل  
جان دانه دهان انده نهاد نبان پارن اینجا پنجه پنجه دیم صیاط بند  
دیاه مایده هیمه مویده طویله طان افبا باد پیما **شست** بلک سا  
آس کام کام ماک کا اکم مطلب زدن زند زند زند زند نای این این بنا  
هون لال لال بطن طبن آید دوان بنده ندبه دنبه میوه مویه و هیم  
جیم جیم کار لک جویب پوچه هزید میزه زدیم در می اهلا منیح  
ماجی پیغاه یکایک اینا زینا زینا زینا زینا زینا زینا زینا زینا  
سب بی بی بی بین بین آسا اسا بک جناح بناح اجن این هارن  
هون بعد بورن بیلک لبک کلی اکما نازه نادن نزاد نزاد آرند طبا  
طیان باطن صدیح حید محمده طیم هیزم صیره چوپان حباب باغه بالک

دولابی **پناه و نه** **امیل** حکب دن نه جان بنا ایخ دیم صید دی محو دک  
لک اینا اینا موجه موجه هیوم لوچی ایچ جایی مواهب ماوز آمن  
احاد ایچی واویلا **پناه و نه** نه نه ده کله کله کله کله کله کله کله کله دان ندا  
ناد دن احزم میه هی حب حب جن بحب بحب مجیب امید دایم ادمی  
آدمی نادم آدمی چلاک دلاک طویل و طیل بازمه طلبید حوالی طلایه  
دهلوی جلا پی ابیطالب **پناه و شش** فی ون بند پند ندب مدن کلو دک  
کول کول منیج مویج مویی بیم هان آهن مبدی ادنا دانا اینج بیا  
ایه امیه های ماهی مهیا مایه حات جان هلاک کلاه هلاک کل  
مزده ده لین امیجه منیج حانه **پز و پناه و هفت** زن زن مجید جند چد  
فا نار پعن نهی بنه بنه کول محظ طلم حمید چید محیی حبیب مزی  
بدان بدان ماوی اها دحمد کلبه چیدم دکال الکو صادی کلیاد کالبد  
اجات الماک اهلک داهر ایهام بدمناج منیج **پناه و هشت** کل ناز زا  
نزا لخی حب دند پناه پهنا موجه دیدم دیدم دیدم بمحی موزه کلبو  
بلوک حطام محاط زکمال اینه اینه اون آمیز اینان آینان حبیب هارعه  
لغزه

یز زین زین زین زین زین ساو جنید چند خلیب آدمی ناد ماک طناز بخراج جلاجل  
 جمنده بخط حلیم فنای بینه بیناد بینه بینه ملکیخ حیده بطانه مطابعه  
 به دانه محظوظ طحن شفعت خوش حکم حکم حین حین بوس سبوسا  
 سر پاھ حل ساجد سجاد محبی بنوی موک ذلال ذدید دیدن چکه  
 چینه رکام هنور گیین دهنده صیدید دیدم دلدل بیان زان زان  
 نازی ازین ایوان اوان اندوز انداره نظاح طحان بدیاطن بیامیر طلکه  
 ناید بادنیا محبی شفت و نه سبن طین سده سده پشک پوزن زنیب  
 نوجه حلال حلال حاکم حکام حکا سداد دیمیم حویم موک روابی بدیوا  
 چنید بلبله دونده بازان پازنده پائزده بناح پای بند بیبان ایادانی  
 اعداد هفتاد دین طاس مل مل لعلم سی کن کن بیل کلک حسب حسن  
 مکن کی ساقح ساده بیان موکد کامجی الحال آینده آدمیه ناهید فونید  
 دلله بینیه مکوب طبا پندر اماح فنواره اواین هلهل مرجح بدغواز  
 هفتاد پاک آلم الممال لام ملا ملا امل امل لام کاردام هوس سیو سو  
 آسود سواد سودا ارس سبیط سبط طبس سایی پاس یاس انک کا

هلاکو لا بویم پیوید هندبا انجاز واجب الوجه شفت و سراس پاس  
 اسپ سبابا با چین چین جنی بجنی وزن حرم حل نایب بان بیان  
 بینا بنای ایم کراپ هانه مویز مویز نایب آزموده اندان انجاخ بطا  
 دصیده صیدهد کلاب کابی پالک دادند ملایح ملایح احمدی مارجی شفت  
 چهار توح ناجی جانی سد دین دین دف ندی مکت سب بخواساج  
 مکد جلال ببلیل بکلد کلید هدنده دهنده بین ناثر لوزار زافوزان کاج  
 حابنان اینیا نایاب پایان اینوه بادن پاشند پایزمه پیزمه کلچه بیچاره  
 پیچ سه اسد دام حزن حزن وطن مکه لله هنی هین مطوعی زبون  
 دیان دینا وان نادی بخیب جین بخین بیخن کلید کله هیکل کدام دلال  
 دلال دژند هنفع هندو لهنود احلال لبلاب لباب ملباب زبانه اوزان ازو  
 میطیبد دایحی جاودان ببهان شفت شفت الله ادیان سوسها بیو زوی  
 جوزن سبید طفر مکو زنده زنده هلال الله وکیل کول ناهی هان بقید  
 بینده کاه اسباب اندوه ناده اهند اداق اچپی بیجان پیچان هزاره  
 بیدکل بیمان بیمان شفت و هفت سوا حد سبیر نک کنم مکو سداب  
 یز

بنگاه مکاید جاویدان جاوید چپیدت **هفتاد شا** ویس یوس سوکه ویس عبد  
لعد بعد نوک کون کون نوک کون ونک میکو مکی سیاه پسید کاه  
کاه کاهن آهن کاه ناکه اعدا ادعه واسط اویسط طاویس سایه کند  
میندل سبوح آتبه آسیه هال ماله آمله لول وساده آسوده آبینه  
سبوح هله کاهی طودان بیدین دیوانه دیوبند کاهکل کاهه **هفتاد مر**  
**هفت** دعاب عابد عباد عباد بعد عن حبد مولا فنک کفرنک لر عوا  
عوا ایدی سوای سوزد کجند کجد چکند ناکاه عجاج دملع کزک ناک  
اویک اویست المام اهمال اهمال لوال جیون ولوله ونین زابنده **هفتاد**  
**هشت** عدد دعد زنوجیه اعر علام ملع حل کم محل حل از نک حنک  
نازک حکیم لازم ماذل حسود طوح جله مجله سدید سیچ سیچ کجه  
نکوب اندیع ابعاد بنازی زکان اموله جوینه زینده المخاط **هفتاد نه**  
بیست غرب وچع جوع عوج عهد عده ناخ ناخ سیاح حامل حال ملاح  
مالع مانع تمام مجال معلل ملاح سیده سبزی کنده آنکن میده  
النام از نام رازله لازال پچیدن طاجنه **اعلار هشت** کرسکن سک کنی ملث

لوله کمه کالک کالک لیال لایل سره سحاب حساب حاسب ساحب نایی  
آین هیون هزون دیوان پچون هلاهل کفردم کای پابوس آماجهه جزو  
بلین آکوکی یویه دیدن **هفتاد و دو** بليل بع سیب یلس پیس بلین بیه  
سیی نکن نکن بنث کبت حد حدیس ساده آسیا سبات باسط لول آمال  
آل املا حظه برسد رسید سخده نینه بیک بیکی پیشده یوندان پیوند پیوند  
پاینده پزبان نزد ده آدمی زاده **هفتاد و سه** کنج کنج جلت چنک چنک سوز  
عبا جل جلم برسه آسیب جلیل حاسد بانک چنی حوط ملاج صبال بالم  
یابس دبای سیچ طاول سجاده نایره سبصد سبات بنایی بزیند  
**هفتاد و چهار** دع عدد سید سید دکن کند کند کند دنک دلیل  
دم دلم عاج طلبا جمال جمال جمال تمام حلول سبزه یونجه مکد کاماب  
آنچه نایمه نایمه پاکان **هفتاد و پیش** عجب عجب بچ طویں وسط سوط نک  
کند کند هنک هنک سیه سیه چین دعا عدا عاد داع هلم محل اند  
دکان دانک کادن حواس حسب سجر مالد ملا دکھل سوده ساید  
بسیچ حزین حزف دبور حیوان نوامی اجلال ذوبین زوف دکایل  
بوزکاه

عطاکینی محلب کودن محجز جزع و عدو عدوه میل ضل کنه کیا  
لیلے مولد چکان اعداد حجه به احوال هیله بوزینه خدیله بناندازه جانانکا  
**هشادویل** عبط عطی طبع ام مطلب مطلب مطلب کان کیان کامس  
نال دبیط طبی مایل الیم آملی موله کوند کونه واسطه کیهایا **هشاد** سخایه  
عاجز کلال سویدا اعاده لیلی کاهنه فاف سپیده امیدکاه **هشاد** ورد  
عیب بیج پت کب سک سبک لبی نبل امام ما طباع بنکی ملد پیسی  
ادعاء اعواد احجان مطالب اقامه که هان جنگو مبارله بوسید پوسید  
**هشادرس** جف فی باف لبی نوع اعزمه حمله تجهی ملاحد کاسپ **هشاد**  
چکن چکیه چکیه چکیه باع بیاع عایب جیل حیله کابین پیکان کوزن  
زرنک کوز دملوح مبارله بیال بنال بنان بیلایی **هشاد** چهار  
دف عید الخ مد مد جات جنا جنا چوب چینی جام حاج کنید کندی  
کنید عمدہ لطیه مجھول پلان پایعال هزبه حامله طواحين اموحاج **لیم**  
**هشاد** پیغ محمد هم سک کینه کهین طوع ندا عیود و عدده مدام بلبان **چهار**  
نالد لادن کاد کاسد داعی عاید عادی عجیب پیچ اهبا موله کوند  
بلکده

نیکوی نکوی زحاف راحف هنام داینال همچوچ یاده **فودهشت** زمن هرگز  
زئم واقع کعبه هنین ضرور سوال اموں اوچ عیز بدنام عاند بدم هاما  
حالا امامت **فودهشت** غاز مناز نام ازمن زمان صح صد صها صوب  
وصب جیقه فایز حفی حیف خس سلیم هجتنم هیچکن طاخ طبلم  
دلواز عباناد مکح مکح میدمد دمدی محود **فودرن** اسارب عمنظ بخو  
صواب اصوب یونا حاف سابل ساخ سلاح سلاح حساحابویں زینیل  
رعنده زعنده ازان بخان منهاج آمدند حاجی جلبندی طیف **اعداد صد**  
ایوم الکحد صن صن سُم کفت کفت فک صحیع بنین بیم منی سبل لیس  
کل کل لک لک لک فوطه اصحا اطلس ملل ملیک کلیم کلیم ملکی لک لک  
کلکل طایف نمود فدری فایده یعنی هدان مانده نامده ناجی اباذه راویه  
منی لاهیجان **صد دیک** اسم سما مسما امس سام کاف کفا اذک لاع عال  
ملان ان کان انکل انکل انکل نکال نایی میتا مانی میانا میان نایم نیام  
نیام این آین این این صاحب حسبا صباح صباح ملادیک مالکی ملکی  
کلای کاچی کاچی ملال سلاک سایل سایل مه ف دعاوی محبوب هنند چیا

سال لای **نایل** هوه کلام کال کامل مالک ملاک مالک کاوله کوسه  
سنه کاه اطفا فراد مججه عجونه مججه عجاین زندیک کزیدن نزدیک کر بیند  
آفاده ولدان الوند اکلیل افواج یاف سودایی **فودهود** ایان ایام ایاما  
محمد بنیل نصب کسی سبل سلب لبس کعب امامی مولوی عطیط  
بیکس طبایع نواله املاک امال دیناله **فودسه** جن چن مجن بخ منیخ  
صبا فوز و فرز جلس سجل سلیم هنام لباس پلاس پلاس لابس باسل سا  
بنا بالین نزول مجین افواه دمدمه محمدام مدحه بامن مناب **فودچا**  
عطوط صد مند نام مند من مند فندی ایتم چان جانم عزین زغم و فار  
زوفا عطیه لدلت لذی عبدي هفده جیلن لاچین الجیل تاجیل احفاد  
جاسس حاصه پیلوان مجین کوز همدم طوف **فونیخ** افزای طوف عکد  
سهل سله لحس صاد صداصه منه هضم پیشم نصف کسیه کلیله ملکه  
کله لکه محلک انجام احلاس نالید نادم نامد ماند دمان دامن مد  
آمدن مناد کوینده **فودش** عرف یوپت دوم عن ملوک طوف نامه امده  
همان هان اندام دامن دامن ناکم کیسو بلندی صندل ویس سول محلا  
بنکوی

نامهند **هدفت به هق واق** فرقا عزل عن زمین مرتبا نداد ایوان مسجد  
صحاح دیاول رسایل بدنای دلسوز جاماب اعفونج و امامدکه لطایله  
**صد شش** چیز حق صح قاز بوق تده حکم عزال اعزل کاف اقا سما  
سلیح منج پهنان رصایا اوصیا ساجد **میزان** ذمای باسهه مواساد میله  
بگاله بوئینه ایوان **صلو** قط حقا احت حاق سلطانی جوی قریح الطع  
طلع خان جنوت محوس بخوب صلاح کناح زنبنا موزون مدینه موازنده  
دنداخ جعاله دل سیه نازان دوارزه امام **صلو** صد **رد** صد **عم** مع علیه بحق  
قتع غلک کنم کنم مکن مکن طالع عاطل سیری مسی سیم سیم سن فرد سلت  
کمل کل کیف طاق طاق عدل چاق مدلول یعنی عین عین سه ایمانه  
سیله دسوم دموس مسوود سودم تویید دویید دویین محبس اسماح جانانه  
مه جانین عید کاه میزانیان بوالهوس هدایت دل سیاه بی عاز **صلو** دیارزه  
رجانان خطب طبق طبق اطاق انس انس انس انس ناس سنا سان دنا  
کاف ادموس ورقی عام خال لاف الف الف آفل فلا هلویغ ترند علیه  
اعلی علیا عیال عایل سایی سیما سیما و سمه کان کان مکان کام کونه اینی

محبان کوهان دیوانکی آسود که تردیکی طبیعه **صلو** واق لعب لعب بدل بدم  
ناصیه بیص میین میین بیم کلین بکل پلت اکفا منه سیل سلے  
بلیس اعلا اسما آساس ایاس اصحاب ماه فوجی ایان اماق ایان نامه  
هومن هامون میزه زبخیل **صلو** بقا باق قاب آنچ هیم سمع جعل  
جعل عمل جلم جلیس سخیل مکله صایب بنان چینی چکل جنکل زنه  
ازمه لاعب لاعب بسام سیلاب ابلیس بالک حدان پیمان پالین بار **صلو**  
**چهار** قدرت مذک حموی جان چان چید چاق مدلل یخوم علاج عالی  
جاعل اهل ندیم مدت عذری مسبت مسد ایان اینان دنکل چنال  
مکول الهرام عدل لدع بلند پایه **صلو** بینی که که که سهم همی  
عادل اعدل احاق جانان بنه مهین هین مهین هین منی منوط سواحل صا  
قباب طوفی طایفه سهیل سیله مساد عزوه میدان میدان منادی  
ماندی نامدی میدان نیامد دامن دو دهان مدهاهنده اجسم دلایل **صلو**  
**شش** قوق علو سبو عاھل کفر فرن وصی صبور همان دوکل میو ملو  
ناصیه طوایف صحابه جیان میانه منایی هیان نادان انکله ملایکه دیان  
نایم

کون کاریه فوجون نقط ملو ملوم عتو عاده صحیح هنامه سجان محبوس  
محب محاسبه چیان پاپی عالیه علیها اسناد خاوند نادان ناصیده  
قواده جولاکاه **صد و هفت** مفرع عزم دعم قحط زلف زلف فاز حدته  
عوام الوف اول لف سجد سبند ملزم مخداسته فاطمه یوان میسرط  
سوالک ما یوس مساوی مساوی ماسویه موییه. جوان پناه درزیل طهمه  
کیاوس بد سکال بد کان **صد و هجده** ویت هن حن حن حلف محل میخ  
جهد جیه حین حین قسط قددید عازم محل ملام منکوب بولیل هن  
غیران زیان محمود زنکله بخانمه **هزار** طفل لطف لطف طمع ا  
حن خاس ساخ حنا عده معده زیب آبیوس کارچه ناسله ناسله ناسله  
عبدله فلاح حلاف افعی خاف ططا **پیش** فم عن مت مکس سمات علک  
ذیل لیت غل نک سینی سینی مطاع طاع طاع طاع طاع طاع مود  
عهد پیغ کیفی کیفی کیفی کیفی کیفی کیفی کیفی کیفی کیفی  
بالبلند **صد و بیت و بیت** اصل صلا فام انسیس سینا ساس الیف عبا اعلی  
مای ممال نالم بقیطی طبیعتی سمال سمال سجان الطاف الطاف الطاف علی

قواد رسیله بوق مخزون هیون اطلاع باد بجان بیانک محاب محاب بطلیم  
ایینی اینی صباحی صباحی سالک کامل سکال **صد و وارزه** احقارب  
فتح فتح حقد آسان ذب میتب میتب ولیع امداد طلاق قتاب طلاق  
آلاف اماکن ناکام امکان زندان اعمال اسایی خواکه زنکله بعلم دمساز  
هایون نادران فرمایه فوزدم هولناک حمابان وطن الله دلنازک آبد  
**صد و سیزده** عجم جمع جبن بجن سجن سنج فیض فیض جلف فیض  
بات قابی انب جین چین جیم حادق قادح قدح صیده طیم محل کلین  
جنکله بیانکه دیوان بکه سیاب بوران محمد مرکم متزیی حدنه اطلاع  
اطلاق **صد و هزار** سند سند عدم عدم قید فایح افیح جانا جوته  
حاج جاج عدیل لریع احلاق احلاق دننانه کند کند سلطنه حکم  
والجی حبنده **صد و پانزده** طوق فوط طاقه فرج سنه پنه قدره  
طلوع محب مجده احیاع قاید اجناس اجناس ملام محل معاد عاد مدعا  
عدا مسوده و روح علیه سین **صد و نزده** فروی فروی یوق قوه مویی و سین  
سیوم طبقه معبد مبدع علی عویل عیا هل پسند سپند وسی سک  
کون

**هـ** حين حين صلح حصل بناء ا نوع اعوان فاليز صنادل عزائم مـ<sup>نه</sup>  
معايهه معيوب بوسيلك مركب مكتبات مولانا برقانه **صلـدـوـپـتـ وـنـهـ**  
طلع طعن عطن طبف طفيف طفيف طفيف حاصل صالح صلح  
طبع معطى كنده كنده منکوحة نکاهان قمهچي ولداننا واپین **اعـلـاـ**  
**صلـدـوـپـتـ** فـنـ فـنـ قـلـ اـنـ اـلـ سـنـتـ لـكـسـ مـلـلـجـاـيـاهـ فـلـكـ فـلـكـ كـنـلـ  
كلـنـ كـلـنـ لـسـ سـلـمـ سـلـمـ مـلـسـ عـيـنـ يـنـيـ عـيـنـ عـيـنـ عـيـنـ مـلـمـ سـلـمـ  
عنـوـ طـاعـنـ جـاـسـوـسـ مـطـافـ قـطـامـ طـاطـيـنـ اـصـلـاـحـ **صلـدـوـپـتـ** سـالـيـسـ  
ماـمـنـ لـقـاقـ لـأـفـ نـافـ اـفـ مـاـنـ اـصـيـلـ اـيـلـ عـيـانـ نـاجـيـ عـيـانـ اـعـيـنـ  
سلام سلام سالم الام ملام ملام لسا کامل کلاف ساکن سکنا  
سكنان سکان کان کاسن ناکی هموم نیکان یلان وصله بـ لـفـ نـیـسـ  
مالـکـ کـلـکـونـهـ کـلـیـسـ غـامـ مـنـامـ **صلـدـوـپـتـ وـرـوـ** قـلـ قـلـ اـبـ قـلـ قـلـ مـنـلـسـ  
سبـعـ عـلـبـ لـایـامـ اـسـلـامـ اـمـاسـ اـسـالـ حـلـیـبـ مـصـیـبـ دـبـلـ وـصـوـلـ اـیـصـاـلـ  
نانـ اـعـيـانـ عـلـلـ مـعـاوـیـهـ تـحـبـزـادـهـ الـتـ سـجـنـهـ اـذـلـ اـذـلـ **صلـدـ**  
**صلـدـوـپـتـ** سـبـعـ جـنـ فـيـخـ جـلـیـ چـلـ قـبـلـ بـقـالـ قـالـ اـبـ قـلـ قـلـ بـقـلـ

سـیـمـاـ کـلـدـسـ بـکـالـ فـوـلـادـ تـابـعـ هـنـاـمـ هـمـایـهـ موـبـیـهـ مـکـاـبـیـلـ هـنـدـوـلـهـ  
**صلـدـوـپـتـ وـرـوـ** صـلـبـ بـصـلـ عـبـ اـسـاـسـ مـکـبـ حـنـبـ پـیـنـ مـعـبـودـ اـنـاـمـ مـنـلـهـ  
سوـهـانـ سـازـنـدـ اـسـاـكـ مـحـبـلـ اـصـلـ بـطـالـ زـنـلـانـ کـوـسـالـهـ سـبـاـدـهـ دـمـیـهـ  
نـاـکـیـ **صلـدـوـپـتـ** بـیـعـ عـجـیـ سـوـزـنـ عـنـابـ مـسـکـاـبـ فـیـحـ سـجـنـ طـنـهـ  
حدـاقـ قـدـحـیـ مـغـلـ مـلـزـمـ کـلـبـانـکـ اـبـنـاـطـ آـلـجـدـ **صلـدـوـپـتـ** دـدـکـ  
عـدـنـ سـدـسـ مـعـیدـ عـیدـ مـعـدـیـ مـدـیـ عـدـیـ عـدـیـ طـعـهـ مـنـدـلـ سـنـجـ  
سـاـخـهـ کـنـدـ کـنـدـ وـلـیـفـ اـفـلـیـجـ طـلـیـعـهـ هـنـدـسـهـ مـسـکـاـجـ سـوـزـانـ سـلـیـانـ  
مـوـسـیـهـ اـعـنـابـ **صلـدـوـپـتـ وـرـوـ** فـمـمـ عـهـنـ صـلـهـ صـهـلـ عـنـادـ سـکـدـ کـمـهـ شـیـهـ  
سـیـنـهـ سـنـیـهـ سـوـانـخـ خـنـکـ مـجـوـهـ کـیـنـهـ اـطـعـهـ طـاـیـهـ کـنـدـنـ مـیـعـدـ کـنـاـ  
عـلـاـیـنـ **صلـدـوـپـتـ وـشـشـ** وـصـلـ عـوـتـ فـوـعـ قـوـمـ کـلـکـونـ یـوـنـسـ سـوـنـ کـوـنـ  
کـوـنـ مـلـوـنـ کـانـهـ مـوـعـودـ سـلـالـهـ مـاـسـکـهـ مـسـکـوـ جـسـکـاهـ بـیـعـدـیـلـ حـنـآـبـ  
کـلـدـنـاـکـ سـیـرـهـ بـیـوـنـانـ **صلـدـوـپـتـ** مـسـطـحـ زـلـهـ وـصـالـ وـاصـلـ اـصـوـلـ  
دـیـاـصـلـ مـنـزـلـ حـدـیـقـهـ اـکـوـنـ کـاـنـوـنـ مـعـزـیـ عـوـانـ مـاـوـفـ مـسـوـکـ مـسـکـارـ  
مـوـالـ اـفـامـ اـسـاـسـهـ سـانـدـهـ لـوـآـیـنـ عـلـیـجـهـ نـاـکـانـ زـعـنـ بـیـعـ **صلـدـ**  
**هـ**

مقدم **لله رب العالمين** حمد علم على علم فم سمي دينه فني بين دنی ملیس  
کنیل سکین طلاق طلاق خطاں ساطع المان ممل تلاوہ للمل عینی **صلوچل**

**بل** اسف فنا محجاں مناں نافی فان صائم صائم عامل عالم اعلم عالم  
عال عالا عمال علام لایع معاد آری سایی علیی مام مام ماما ملیں  
مسایل قلوہ لسان السن مصباح مصاحب لایق قابل قابل بمحاصل اطلاف بکسا  
کاسن کاسی ناکی ناکیں کنیں کنیں کاسیں عباں بیاد ساہله اصطکاں  
عیان قابچہ **صلوچل در** نصب نصب بقلم بقلم اقا قبیل تبی سبل بمند  
عبد الله مصیب محمد اعمال اعلام لاکھان مالکان رندکان مدنگ **صلوچل**  
**سنه** سفی سفی ناصل صناب صناب حلقہ فریون قلچ جنم عباری سور  
رسوایی پیاس قابل قابل قابچی بقابل قابچی قابل قابل **صلوچل وجہار**  
قدم قدم سعدی سعید عزیز الجود دین دین دین دین دین دین دین  
عذت سجاف چاف المجن معالج افزون **صلوچل پنج** سعد قادم اتمد  
قدما فاسد اسد فاد تغیر تغیر لبکه میند میند افسدی کنیسہ  
سلیمه مسیله کلندام ملله **صلوچل شش** قوم صون وسیع سمجھل علو

ساج سباع مجلس سجل عجیں سکنی محظہ مخ سونف رسواں رسارس  
سابیں سنک پا پاسنک عنابی افلاع ملحدان **صلوچل حجہار** سعد عدیں  
بائل دلق دفن ندف فند لخان صمد مسید چاق چاق حصول عذری  
عذری عدف عیند طعنہ مدنس ابیال الثاب لابقا مجلس صندیل  
لقدم اواد **صلوچل صدر پنج** تلد ساعد اسعد خیم ناذن نقاد ندف  
اذن سکنہ سکنہ الغایح عیند صوبیت حنی فاطہ حوصل مسہل  
**صلوچل وشش** قول ناذن صوم رسع مومن سکون کلفدہ عیون رسیلے  
محکم کوین طاغون سکاہن حلولک لامسہ مسلہ سلامہ مکالمہ **صلو**  
**سی هفت** ساویں عزیز رلق لرق واسع اوسع سویع بله مون  
رسویہ بضم قول اول صبح وصالیک باب اللم آسکون اکون کیقاد  
محجوف عابدین بعناند **صلوچل هشت** مسلوب محمود حلن تقوی قبول قاہ  
قابلہ لراف عبوس بیفع زنگ فارن کچنہ سکنہ **صلو**  
**سی و نہ** ظلن هضط هطف جو سنک جونک لحق الحق ملان صدمہ  
حوالہ چتا له اسبیع عبوسا مسلط طلس مطلس حقا طفیلہ نڈجاه  
نمذہ

سند صند فذك مفید ماجه بصوچ افزون **صلد پیجاو** هنق نقه عقه  
داغ دفع دفع نداد نداد مطوف سفنه یمه عنادل عنده قطامه  
اکند کذلان صدیان صیلان **صلد پیجاو** یوست موش قیوم ناهق ناهه  
عوم عالمه قایه ناصیه عفو عوف ملکوک سهان بوق نفق مقوی موی  
**صلد پیجاو** هفت فیع و لف فواف ذوق فقهه قبه ناویں ماوس مالوف  
فایم مطابله سایاده طلیبوں ہداق صیان بند **صلد پیجاو** هشت حسن حسین  
محمل ملحت منجی اویاق منسوب کجفه چین صابون پز ابوالحسن **صلد**  
**پیجاو** رنه نلق قلن فقط عطف نقدہ ملطف زبق ناحی هناق وقه  
خاسن حاصل ملاحت هفلاح مقاچه سبک محسنس کندہ احیی جینیا  
کرتبین صابون اعداد **صلد** و شصت ناطق محبت علی معن فم فرقی فرود  
دهستان عسل لسع سفك نیم منسی سینین قطان نقاط بطاو  
فوجان دافعه عیم معدوم عاییده سینے صلاتین سلطان طلیبان ملٹا  
لاین **صلد** و شصت و بیک ساق سقا عصانیا سفاک ادی سنان مانع  
غان ناعم اننم انتاق بلان نائل قاین اصلم نایم رایمن بوحنینه ملحد

علامه طوفان السنه اندام صحیح موسم سوم مکوفی مسکوک میمون مخصوص  
بدعل مصطبه تقایه سیمان میرای **صلد** و هفت معزل قول و امق ایون  
عوامل عالم قیله معلمه قولی باضد علی وال **صلد** **صلد** هشت حسن حسن  
محیص عیسی حسن حسیب اقام محیث حق حق سفید بوط **صلد** **صلد** و  
سفاح مقط نهاد ناسخ اهنی حماق حماق سطح مطلع مطلع معطل لفسد میان  
دینه بخون معابجه فلیف اعاده **صلد** **پیجاو** کفن کفن فذک مکیف  
من سمن سمن علن لعن لعل فیم فیم قی عکس معیل علیم علی علی علی  
ماقط علی عینک قدم سیف مکن مکن مکن سلطان مطالع طیوار  
نحو **صلد** **پیجاو** و بیک قیام تقاضنا ناق معا مقابع مطبق خاف اکن  
لاعن لاعن علایی معایل علایی سیاف سایفت نمونه جلووره بیلاق سیلا  
لایف **صلد** **پیجاو** دو نقب قب نقب قان نصیب و صون بیکن آسمان  
صطابق نواصه موسوم نایابن سامان مژلکه او لاوط **صلد** **پیجاو** و سه  
محی حیت محبت ذوق شتاب نسبتا پتان جمع صیان مناسب منبع حیفه  
معزول **صلد** **پیجاو** و چیبا قد سفید نقد دفع سد کیس دیگم جناق اجناد  
تمدن

سینان علیین قدوس صعور مکن عیل علیه لین ممالین دهاین  
دهقان اسحاق سلم **صله هفتاد و بیست** آنکه آنکه صفا حاف عاق  
تاج سایق صاف مناف عاری سایق قیاس سائل سطمال اسل صفو  
عنان دخنار مفهوم زنداق هنگام سامع اسماعیل معانی طلاق  
اصطلام مطلع مسکن **لنسا** خیان سینان **صله هفتاد و بیست** مطلب مقبل  
عصب عقب اقا یاسات امداد اسلام ایلاس قبیس آنسی نقی  
صله هفتاد و سه بقاع عتاب بقاع عاق خردی منانع مقابل ماقبل  
قلبه طالبا **صله هفتاد و بیست** تبع عقد صد ضدل مدفن  
مقدار قدسی مدوس صدیع صعید اعکاب سندس معاجین **صله هفتاد و سه**  
صفه ضداد صفاد لهر سلطه اذیسی عاطلوس مسله ساظه مدعاوس  
مساعد عقد ضداد فیله مطعون نقطوی **صله هفتاد و بیست** صوف صوف  
و رفع عوق طاویں ساوف سون دنوں صهبا مویع عروس مقامه ملاوه  
معنوی مسکون مفلوک معاول سواتطه ملقطه ملطنون معانیه ملاوه  
سهمنا **صله هفتاد و هفت** واحد و صاف و ایمه و تاج قائم ذلم بعقد

عامل **صله هفتاد و هشت** **سبق سبق** قلیس عصب نیب اسقا منج نقاره  
آقام انعم امعان ادان اقلال ابوحنیه سکل **صله هفتاد و هشت** **سبق**  
باست ابیق حقه جنیه اطباق ابن عین قله کاه **صله هفتاد و هشت** قدس  
نقطه معدن اصعب ملحوظ مخصوص قدسیه قدیمی ابن یامین بلیان  
صله **صله هفتاد و هشت** **سبق** اقدس لا الہ الا الله صد  
صانع عطوف معادن قوط نقوط ناطقه سلطانیه سنان قناری نهاده  
نکدان **صله هفتاد و هشت** **سبق** قوس سوق قطوان فاکین ابن بیلم سکف  
سک سکما ترقد هالک علی علاینه علیون نعامه مسلول نامله فارده نول  
کسوف عنیوت عنده بیل موصل نکدان مکنون پیشکون قطزک الغیان نهیه  
**صله هفتاد و هشت** **سبق** زراف جامیات قددید مصلوب نازن  
لر اهل زنادقه **صله هفتاد و هشت** **سبق** زراف جامیات قددید مصلوب نازن  
سابقه محصل **صله هفتاد و هشت** **سبق** جفوت سقط سقط طقس قطین قطینه ارب  
اسحق میلکیه میخون سدقه اعلاد **صله هفتاد و هشت** **سبق** حض قلم مقل سلف طلس  
سفل ساقط حیل میخون معانیه میخه میخع نیم قلیس سمع طبل سیهیت  
بنی

عنویں نعمیں صافیہ مقام فون ممنون صموم معلم ابن التیل معاملہ  
 کاسد لیں بدغفل سیکون **صد و هشتاد هفت** وفا فون واقف و قایم و قبی  
**نخاج صد و هشتاد هشت** صاحبونا منصب حق حبیت قیخ ضمیح بقیع  
 اوف فیض مقبیل **صد و هشتاد هشتم** ملاجیح فطیح فطن طفیق مقدار نابون حسما  
 ضاح فناح صاحبین مقدمہ مفسدہ عینہ قولیج **اعلام صد و هفت** قسم  
 نفس دنسن سفن عسیں سان مدقک مفکن مقیم قیق صیف سندکن  
 سکبی **صد و هشتاد و بیک** سیلان کلیان کنان دنسا وصیفه علوونہ منان  
 نفاس افسن سفان فاف فایق معاد **صد و هشتاد و دو** متفق ضب و موق  
 ضب افاس سبعین افیا سلبیل علی الدائم **صد و هشتاد و سیم** معزال الدائم  
 سلاب حیجید فصیحہ منابت حساب **صد و هشتاد و پنجم** مسحوج مفسدی  
 صدق صدق سخن مسدنین تدبیل **صد و هشتاد و پنجم** کھیص صادق صداق  
 صاد صدقی فیته صقاد اسخن اسفناح قنادیل بنی عباس سکبین  
**صد و هشتاد و شش** بدپسن ملعون کیمکال مسون نعمیں منانہ علوچ  
 علاء الدین نباشه قافیہ عکومیں مکوس **صد و هشتاد هفت** افسون اسنادہ پاری

**حکیمہ صلوان عنوان فلینیا افلاطون مصلحہ صد و هشتاد هشت** صحن حصن  
 مقبول مقابلہ صحیح ملحق محتلی صحیح صد و هشتاد و نہ فطح صحن افعیح  
 فصحا عقدہ سعیط ملائیح ملاحق مطلق مطلق خلداد ابوصل کلمہ **اعلام**  
**هشتاد و هشتاد هشت** قفت صحنی صیف صنم علف فعل نقل لقن سیمیح قاطح  
 قطاع اقطع قاعدہ سفیل سفل معلم معم مسعود تعود قدوع قدوع صفائح  
 قیسی بوقبیس صوبجان مدفن مسکین آصفجاہ **صد و هشتاد و کاف**  
 افق خناق فعال ناعل علاف العفت ناقل شکار نقال صاف مناص تمام  
 کاف فناس فبلولہ سیلان افیم مسامیع مسامیع مسامی قاعد معاالم  
 معامل ماسین سلامل مساکن **صد و هشتاد و دنیا** آفاق و قوع مصببے  
 بقیع افعال ابقاع واقعہ اوصفہ طالب علم سبعین افیم اصیا صد  
**هشتاد و سیم** زلقع مناصب صفحہ قرنیق **صد و هشتاد و چار** فقد مقنم مقنم  
 مفسد طمعہ اصلاب عاسیج حلقوم فلابان **صد و هشتاد و سیم** مسکین فضہ  
 خاقد فعلہ علضد عقاید سلسلہ فذینہ مسامی معلمہ **صد و هشتاد و شش**  
 نون فوف و فق خاقد افته فتحہ بعوی عیوق و صیف صوفی صفوی  
 عنویں

درای رواح حریا انجار جریب حوبہ بروز بزو زبور بزور بارہ **نہا**  
 طاھرا طاھر طاھر بزوج ارزیز قبیله عظیله عقبیله بدیع البیان  
 بیم الجھد ضیله **دویت و شان** مغلوب ریو روی ویر روی طرف  
 محمد برید برید برید پرید دبیر بردی بارہ رهوه رهوه درود درود  
 بدروه طوار پروزان ارجاح اطھار زبرجد بخارہ محور بروح فائل ایا  
 روزدار هزار پا ادارجہ **دویت و هفت** عراقیل طرح جزیہ جانیہ زیرین  
 رزہو زہو هریز یاور راوی ورای واری طراز ریاط را بطہ احوال  
 بیدار باحور ربیہ پیرہ بیرہ قوانین قاونین **دویت و بیست** جبر صحبت  
 زایر ناری زایر زیرا آذربیزونہ پیرو جوہ چوہ آذرب طلاح ایا  
 ایوار باحولا باروط رلیبہ پابلاد حبیق چماردہ جواح **دویت و بیست و نیزہ**  
 طیب طی طری طری و دیقتہ ریاح رایح حاری مقطعہ مقطوع جاریہ حاتیق  
 دیدار بیز زیب زیب پیزیر بیزیر بیزیر بیز زیب زیب **دویت و بیست و سیم**  
 رک کر کر کر عنق لقع دوری صفت صفت لصفت لصفت  
 طایر طاری طیار طیور و رطہ طبیعت نافل بیدرد کوسندر دایری

آری یار بار ریا رطب رطب طرب ربط طبر مجرم مجرم حج حج حارب  
 رهاب رایح ریاح براح بیبار بارج حربا صاف صنا صناع ہور درز  
 نزد بزد پرده بزدہ بدرہ دارو دارو اردو وادد دوار آرہ  
 آرہ اطری ریح بروج بروج جراز راجز حزاڑ ارادہ بازار پارچہ  
 مصال مصالا صومعہ معابی علابی اسمیل **دویت و دویلہ** معقب بری پری  
 بری بری بری رب بیو پیو ریاط ریوو دیبور زیب دروب زرہ طڑ  
 والہ آرای یارا جاروب حراج رایح حراج زهر هریز دراز پعتعل  
**دویت و بیزہ** معقاب معافت اطلاب زور زور زور زور زور آواہ  
 جبر چبر جبری بیچ باری باری ابری یاری باری پیبار هزار زهل ازہر  
 چھم باور جباریہ قوقل **دویت** بیب حور روح درود درود دیر دیر  
 پرید دیری دیر طرہ نظار آریز ارزو جاری جاری اجی اجی  
 رایح راجی جوہر حارہ دھن هنیب و ران پریا زریا حقہ مقد  
 مقد عذہ اذہار دفیق چلوار چدریا **دویت و پارہ** طور طور و طور حمزہ  
 رہی هری دھور رودہ دودہ دیار دیار دیار دیار دیار دیار دیاری  
 درای

تفاق موغان دنبه قبز قاص متوان حماص عبد الله **صدرووده**  
مُنْعَنْ مُنْعَنْ نَسِيْيَيْ كَلَنْ بَكَوْيَيْ صَاحِبَكَدَ حَسِيْسَيْ قَوْسَيْ آنَدِينْ **صدرووده**  
صاحب زمان معطف منطق منقط فلین ظيف صدمة عبد الحمد محان  
**اعلاد دریت** عَنْفَ عَنْفَ شَعْنَ قَسْمَ قَسْمَ عَقْلَ عَلَقَ لَعْنَ حَضْلَ صَلَفَ سُقْمَ  
شَعْنَ مَكْنَ الْجَعْدَ مَلَعْدَهَ كَلَدَرَوْمَهَ نَفِيْسَ عَلَلَ حَطَايَنَ قَنَ **دریت**  
نافع انفع قاسم قسام مسام فاق عاقل فائع تافع عقال عامم فايس  
منظب ملامين عاليين سنان **دریت** آرا رب رب برب برب پرق  
عالبيان آناهي بلقيس انسام **دریت** سه ابار بار بار بار بار بار  
بار بار بار بار بار پار ريا براج ريج حنجه **دریت** پچا ابار بار  
در در رفدين بير آجر اجر ارج جار جار رجا راج چها صدقه صدقه  
كلقد منقدم منقه **دریت** بير هر درا درا درا داد دار دار آرد  
ارد داد هر جبر رجب چور برج جرب جرب ارجا اجر آجر بيار باب  
رباب رباب پراك فلمع علاقه فضاید منطق منقوط معطف نامید  
**اهليان دریت** در در هار راه رها بدار پدر و پدر بدار درب درب  
لد.

بر ببر ببر ببر اره دارا جبار جابر چبار بجا ارباب ضول عقول غله  
علقة سهوي ناصله مصنون منوع بچاق فوق لجلند **دریت هفت** فر رز  
هوب هبر درج درج حجز چو بوه بوه بوه دوا دوا دار آور بار آز  
دوا دبار بار دبار دريا چبار چبارا صوامع قانون **دریت هشت** بخت هر  
زار زان آز ازز درد درد درد چهر چهر هبر هبر بور بور بور  
دراج حرب چادر چادر حبار باهه هار طار براه ابه باره باره  
راهب هارب اويا اديار داراب **دریت ونه** راج راج حار حرج ده  
هدر زبر بز بز بز بز دره رضا احر رهدا اهرب سماق ابا هر  
باره بروا اذار اذار ابره ابره پاره پاره چاره چاره هاجر دارد  
در دريا مختنده مقتسط خصيده ادر ارج بار بدر بدار مسقط **دریت وري**  
ردد ردد رود رود در در دادار شمع عقى ربح هرج هرب بوج  
جزه زبر رجز هجر قفل فلت هنت مقيم قيم قيمى قيمى جوار اجر  
دعاج احارة ارده دهار بارز بارز ابو سمنان مصف فضم غلوق عقيل  
عقيل قابي فقيل فقيل حضلي مقلس مقم غلاني **دریت ديار** راي راي آري

چهار جیوه مقاطع معمود عقیم عجیب مغل روایج دوست و پست و پل  
اصطناع صنایع عصیان کار راک امرک اک عناق منقا قاف لفهان ملائی  
بن آزار بازاری پچاره مقال دنناس جزایر طیب سمنان رویه رو  
داری دیوار لاصق دوست و پست و دو بک بک بک بک بک بک بک  
ارک اکار زیور بزه هنری دریجه جیده چردیده طبریز موصوف نهاد  
الصالح جیبار جوانی درازی رهاوی مغل ساحل العالاف کلبنا احصار  
علی و فی الله حیدر دوست و پست تجیر چک چک بکار اکر راک  
بارک باک رکاب رکاب رسنی زیور وزیر عالی دب روپیه دروازه  
پیوای بیخور دوست و پست و دارک درک درک کرد کرد کرد چک  
طیه رویه هری رویی اریه رایه پرهیز پریناد جوهی سنتین  
صاصاغه بیجاور اکار اکار پاکار دوست و پست چربک طیور کهر که  
که که که قلندر مقطوع دراک اردک کارد جنیه زیر پروین  
پیوز پیوز دوست و پست و شمشکوف سعوف کور کور کور رک  
رورک کها کها اکه موقف موقف قوسین موسیقی صنوف مغل  
لله ایش

نهایی داریلی ناساعد ایا بکر محی جهتی نکسان حنین دوست و پست و پل  
دکن کور بزکه کوبه کاره اکاه موافق موافق بیداری روایی صفاهاه  
اصفهان فرنگ بن عله دوست و پست مختص حسنه حقیق این مله پرایه  
**شت** که ایل باکره هررا کا زر رکان دوست و پست و **له** مصطفی الماء حق المقطوعی بزک  
دادکه بادکاه درکه کرده کرده کرده کون بزک دوست و پست صاحب الہمان مغقول  
دادکار فتحی صیقل حزیره چارکاه درکاه لر کیم کیم ریک کیم کیم کوکه کوکه  
دوست و پست و پل آبیکو نفاف بدکه کوکه کوکه کوکه کوکه کوکه کوکه  
کاری ملاین دوست و پست و **کیم** بکه بکه کرده هرکه هرکه هرکه هرکه هرکه  
در پیونه و پر زنده دوست و پست **مه** بجل بجل کوچی چکی پیکار بیکار بایکار بیکار  
کاپر کبیر اکبر اکبر دایمی **دوست و پست و چه** راجل رجال خفت بوبلو  
کیم  
فقهه زرکوب بزرک مصلات مقامد چارکاه ضدان قلندر عبدالحسین زین  
مصطفوی دوست و پست و **شتر** لور دلیل پر دل کوریه و پلک دل ایل کایه کوکه  
یادکار بیلار دوست و پست **هفت** روز لرز زیور کنیز کنیز دل ریا ملاده کیوه کیوه کیوه

آورده کاه کوده ز دوست و سی و هشت  
ارزد چلدار لک کاهواره حکم دار دوست و سی و هشت  
ارازد لاروب دوست و چهل دم هر مه که که که که  
نقش معلق مفضل مفضل عضل شیخ مقصود دوست و چهل دم هر آن دام  
ایم آرم صلصال دلاور قائم ناصیت کریوه ملاعنه ملاعنه منافع منافع  
لغان دوست و چهل دم پنجم پنجم پنجم اهل آنام ایام نوزه لاھور هر کیم  
که بین دوست و چهل دم جم جم جم جم  
پیجل لاریب دل آنار دوست و چهل دم مرد مادر دم مادر دم دم دم  
دلبو چام ماچ مچ مچ مچ مچ مچ مچ مچ  
هر مه  
مرداد آرم آرم ارم ارم اجرا ماجل پیجل جبریل پیغم عصیمه میر  
دوست و چهل و شش روم روم روم روم مرد مرد ماھر محار حل رهام  
ملادا مخصوص ملادا مخصوص ملادا مخصوص دلبو دلبو دلبو دلبو دلبو  
چهل هفت روم روم هر زن هر زن امور هر زن هر زن هر زن هر زن هر زن  
پیغم دوست و چاه پیغم هن رهن هن چه بیخ ناد ناد آنک از دن درنا

بدانم اصنیانک اندیل دلیابی دوست و چهل هشت  
حقیق مدراچ خرام دصلیل مجده جده جده دوست و چهل هشت  
حصار خرام خرام رام خاره دله هدم درهم خرد دل دل دل دل دل  
ایرین زیل بخاچر خصارچ خدام خرج خرج خضرع دوست و چاه  
رمی میر مخوه هیلو مدقوقه مووند مووند مووند مووند دوزم طام طام مطرام  
ریکه هیازز  
پیچاه پیچاه نار زان ایم میار طلسه زمز مطرب موه معج بخس ضغاع فاتح  
خیاب مچا همه امود اعطای لزند خباری خبور کیانی نار دوست و چاه  
دو ایار هریت بیم بیم بیم هر زن هر زن زن دزنه پرکل برکل آن آن آن آن  
هیوار اریما سلیم الطبع افستان دوست و چاه دوست و چاه  
این بیان پران بینا بیان هیاز هیاز هیاز هیاز هیاز  
هر زن کیت صنیع دوست و چاه تند نه خبور آنچ مطر مهی مهی مهی  
مرید مرید امروز بیان اینار هیاون هیبور مویجه چورمه هیار چار چار  
پیغم دوست و چاه پیغم هن رهن هن چه بیخ ناد ناد آنک از دن درنا

عجز داریم مردمی هر چو در ناچار حیثیت میخواهیم **دست و پیغام** لوز فر را مطری  
 خوار راهن میند برند بمند بمند بمند روحی موری بیدم بارمه  
 طمار مصنوع ملسو ر ملاصفه مراجبه محابیه ففع هم آوره کل دری دست  
**پیغام و هفت** محور افوار فوار فوار روان نوز بناور مطلع اخبار اها  
 ناهار بجهد پیشان پاییزه هربوط مطوب عنقاون آب اهان ارسی زی  
 مه و بدر علی والی دست و پیغام **هشت** خوش یحیم حرمیم صبح بروان نویز رهان  
 برهان بنیان نزار نزار رخده جعیه کلزار افوار ناروا میزنا هموز و روزه  
**ابراهیم دست و پیغام و هشت** زیر بزن زنده آددند طیں چون رصیده  
 هجران هنجار ارزان حرایی مطهه مردود حیرا **دست و هشت** کوم کرم کرم کرم  
 مرک مکر مکر سر مس ریش کیزد نیز نزد درون نزد نادره دریند  
 نزی پیغوه چنیج اجاوز بیشم قلیش کیکن لعلی قلقل شیمی منصف  
 محابیه آب ریان **دست و هشت و بیک** ناس رس سار ارس ماک کار مکا  
 کرام اگرم محیان حیر ریان نایر هریک نایر هریک نایر دیوار نادر  
 پرند نزدی منعن ردمیر امیری تلقائی هرایی **دست و هشت و دو**  
 بیک

پسر پسر پسر پس بیس سریب بیک حکب مرک سالا بین پنیر برف  
 ایوان بیان بجهنه اکام چرنه اندرز اندرز ایوان روحان آمرزید ایبدار زردا  
**دارا** یهودا **دست و هشت** جهیم جس سرچ چهیم رجیم روزن نوزن پاره  
 سپار اسریب سلاب صارت مراک آب کنم بیان پیان راهن دینده قلباک  
 اینه دار رفوار کلهه والاکهه بجایی معاصر **دست و هشت** سراج سراج  
 رسد رسد دریں رسه مدراک مدراک کرم پارسا حربک حربن صخد  
 اینه هریان پرمانه پرمانه نوهر هنریان زنبار خاونه **دست و هشت و پنج**  
 رسه رسه رسه که کره مکه رهین بزه دینه رونده و دینه هریان  
 پرچین برجین دیبار مریخ هریں طهان زنبر **دست و هشت و شش** سور سو  
 سر سر ساره هریں نوزی بمنور بمنور نایه مکر سوی پسند سپه  
 صاعده مکاره کاره کاره پسیدن بسیدن حجه مناصه بدهله فیلسوف  
 هرامزاده **دست و هشت و هفت** زین زین هرگز افری ویان اساده سهم  
 طیور بزیه پیوهن آبیه آدامکه بای چنان کاواری سقوینا امر زیله **دست**  
**هشت و هشت** سحر سحر سرچ حرس پرین پرین کام ریا ایوان نادیان

روزنه هجری سهیل مرکب کنوار مکاپه آنکاه **دیت و هفتاد** ساعت  
سروح سخار حارس سطر طرس سده روز بیان حیران نوروز روزنی هرچهار  
سراهه بزین پیوند ارزان کیازار بازنده والاکهه نایابیار **دیت و هفتاد**  
محبین عمر دیر سیر سیر زین ریچی رکن رنگ مکر رنگ کیم کرمی مکری مرکی  
مکی میرک کیم دوس سرود دروس اسحاق طبله نجفی مغل جاریس  
مسبقل دارینما بکفی علیقه مبارکار مقاطلین **دیت و هفتاد** مقاب  
غار اسر سایر سایر سایری فیار ساری دوسر دستال مناق هلهیه پره  
کار کران کران نکار کثار مکاری مکاری کرابی کننا انکو سطبر کل کار  
کل کار مکرمه **دیت و هفتاد** دیعوب دیع رب دیع رب سک برکن پسر  
انکار اشکان اشکار کلبرک سواره بمعکی بکرم ایان طبیوه سپهدار پرلهه  
سهو اقلم امیدواری سنان ادن دیت و هفتاد **ه** هرج رجع رایع ادیع پاری  
بیار سراب چکن کوانه هرگز نیمناد نظاری سُنج برآسو ناضاف  
وق المؤمنین کی بلایی **دیت و هفتاد** هیمار رعد درع اعرج راج عارج  
درنک رنک کردن کردن نکرد نکرد اعلیاب اعلیاب رسید سری  
**دیت و هفتاد**

دریچی رانیله دیین بیس ازغا لامدانه لاجم کریم نورده نایکار حمکاه  
دویت و هفتاد **ه** سهلر ادریس بچلیس کیان کیان ادرنک دکان ارعاع  
روهان فی رهار حلمان سراواه پریون بزین دارای چهات **دیت و هفتاد**  
**شش** ساطور ارسطه عور رفع درع بدع نوکی سواع روسی هیچس سیا  
کاره آنکو رویین دلام شنیهار هیون کاردان اردکان عالمان کرامه  
دیاندار **دیت و هفتاد** زرع اعور عجه رنک کون رکن زنک انکو اند  
رومال سواری سپهی ساوری پرکه دیاف بازند **دیت و هفتاد**  
کنور سهیج رایع عور ججه مجل سهی رایه ارثک حمسن  
زنگار کاروان ناکار ایوانی ماه پیک دارچینی **دیت و هفتاد** علل عرچ  
رفع کنور ساری سهیج مراجل هرجل دیاخن ریحان حیران رسیده بیا  
دندنک زنگار نور ویده نور دیده سرلاند **دیت و هفتاد** هرف هر رفع عیا  
سک کس کریں رکن سرک صص عطار عفیق رکنی رکن نکنی نکنی رکنی  
درنک کردن بیین سهی سهی دراعه عاده سریدی بزکان نکنکا  
دکاندار آب انکو **دیت و هفتاد** قوس فوج خدا رف اعوه رایی عاری عبا

عیار عربه کل کاسه کار مقصاص ملام کاف بکان کریان بازعل مویده ک  
باز رکان نشان بیده کل کاری کل کاری **دوست و هشاد و دوف** فرب لبین بیع  
عرب عیسی مبن مبر افزایا سپه زار روملو رویاه پاکنده کامکار ریاض  
پرک سپرک کدیں روز آنایی **دوست و هشاد و سو** رجف خن درج جن  
محجم محجم محجه محجه چکنی ریاعی بیمار کرایس اسپرک چکنی کیان  
میکان بکان بکنوره صحیح الفل **دوست و هشاد و چ** فرد رفت مردم نیجر  
فارج راجف خوار عطاء رجت القلم ملا مسند معلی القاب **دوست و هشاد و پنج**  
فره فره مردم فرا سکه کش سبکار تنه عقیقه هلام سکار آب  
**سایید و دست آش** روف فور رفوت فرق فاره رفاه رفاه کور کسر  
سرک کھسار افزاد پچھا ملقوس **دوست و هشاد و هفت** مامور زرف هنر فرنبه زریع  
کاویس کاویس اکاسیم رسویلی نادیده **دوست و هشاد و هشت** پریوع درج حرف حضر  
محجم محجم خن و خدیه خزان سرکوب خزان خنار کدباطن **دوست و هشاد و نه**  
قطع طرف خن و خن خار حاضر محجم خن و خن درج لدره افزار افزار  
لنجه کر کینده کاپیان سازکار وجید دوران هجانگیر سیاه رنگ درست و قند

دل

رسل فطار اذراط خاطر طفا رعن نم نم هبهم هبهم میور کرسی کری کنک  
ککه فیهاد مفصم مفصم عطا ری عصیت دویکی **دوست و دوف و دیک** ارعن رتما  
منار منار منار رام جمل اورید نفعان اکیر اخطار اطراف اذراط غباری  
کرایس سوداکن اهل هن سلسه جنیان کننه و دوست و دوف و دیک صبر بوس بوس  
فون و فون هنر بینم بمن ارسال فواره سالار اسنان و بادار رعیمدل  
دوست و دوف و دسه هزنه هزنه هزنه طبع صابر اسنان ایجه هزنه فرد زرافه  
مسکوار **دوست و دوف و چار** صدر مرصد فرد دوست عقل مند حروف حروف  
طرفة فطوه میند مردن افورد اسنان مجان مردیج کوکدن نایجل نایل  
محجم محجم **دوست و دوف و پنج** چره فرمده صدار صدارا صادر مردان درهان  
نامه فریاد دظوه کله ارجیف کوکان بنیالنبع **دوست و دوف و شش** صور صور  
رسول فریی منور محروم رکوع رساله رهنما اهرمن مناره بجن ند به  
کوکن نامدار نامدار کنه کار فرج آباد اوونک زیب دوست و دوف و هفت بهم بهم  
برهی میهی نامور مردان مردان که کوکو فرابی صرح کوکار نادره  
ارامنه نامعقول راه غا سیاه کار **دوست و دوف و هشت** صرح حرس صبه باصره

**سیصد و هفت** شاهج رزق رزق شبہ پنهان میب رقبه ربته بفتحه ربته  
کافوز نارون وقار رواق درامن مروان بندامن نزویان آمرزند  
کاماری برآندک شار ملک طاز محمد طاهم **سیصد و هشت** شیخ پوش حرف فرج  
رزاق رزاق رازق از رزق ار رزق شبای باشد اشبه شبها اشبه جوین  
صریح فرجه قراباد بروق فبور برق قرابید قروب شاداب پاداشی در من ادرا  
صبوری فیروزه مخفیین همراهی آرزوهند ارجمند دلسردی و احمد نویس  
**سیصد و نیم** اصطلاح سط شهد دهش شده شیخ جوش قدر طبق فرج ط  
حاش شداد شداد آشوب مخور مصل مدرس صراحی حشای قراجه هد  
سرمهد اشیاه پر امین روزنامه بار و لذوان **سیصد و نیم** شیخ جوش شیخ دوش  
سود عمر منک عمر عم کیکسک منک حاشا اهنا رعن فرش شاهد شهد  
قهقه شاط رسمی میرس ریم میر صریح میسر میسر فیوریق احراف  
برانق قطار طارق فرات مکنی کهنی کین بپوش او باش شب بو آش پن  
تفتن نکری **سیصد و پنجم** استطا هوئیں طپش قاری بیان مقرا عمار عاسی مجش  
شود ایش مرنا نایس بدر تقد کیان نیان اشهاد افطار اطراف سامری

حروف حرف رهن همراهیان حیران صراحت یارکن ارجمند طراب دلمه کنه و ز  
**دویت و نویوونه** صهارج حصار محل فظیل طوف در منه حیران حرف  
حقنان بیار کو **اعدا سیصد** عطق نفق قرق نک کفر نک رسم سرم همی  
هزبیان صوات میور رین بزی صاروح رسیل کوکن لکن صدر مکم مکم  
یکنک کیونک میزم عزود مغزجر مردانه معلومه **سیصد و ششم** هصور آش شا  
لاق فرا ذرا کافر کفار خوار سوا سارم رسایل کلار مرهون ارمی در زیدان  
کیمیا کی مباربان **سیصد و دو** شب خوب ربع بوق بقر قبر پقر بصیر اسماه اما  
سلامی روح فرا در مدن **سیصد و سه** باش شاب پاش خیر چه بران براف  
بارق اقرب باقر قربا را برق دینا اسطراب بیروز بیرون روح افزای چهارد  
ناهول **سیصد و چهار** شد شد قدر قدر اشیخ شیخ سرمهد مدرس مدرسین آقان  
افبا پاشا ناریخ منوچهر جوانزه هزادین **سیصد و پنجم** راش شاد اشند قهر رهتی بش  
شبای صرمیه هرس کهنه اشیخ مدارس سالم طیغون رینان راندن هش  
شه قادر ناجار **سیصد و شصت** و قرق قرق روق ورق شو شاه دین شید تا هش  
محفار رهاف سهور رسم کهون سامه رسوبی رهنای ناردان نامزدی هنچا  
**سیصد و**

شوابی قوچی سندره شاید مجمع سهان بیغان جهان فرد محروسه  
جوش **سید و پیش** شک کش مفر نفر برازین جبیش سرین شوید مردی  
عڑی صک صک قیراط ارقطاط اشطاط سلطان پژوهش دلور شاهدبا  
طیاش مطاییمین ایران پناه **سید و پیش** اشک کاش شاک کاش رعناد  
ارعن فرما شیوه شیوه عاری هرای نارنگ کرمان **سید و پیش** ورد  
پیش کشش نکش غیر خبر خرد پیشید چشیده کاران **سید و پیش** و سه  
بکش چکش شبدیز جوشید بیوش سپهداران شاهزاده پادشاه خرد  
ایران پناه ابو الفرج **سید و پیش** **چار** کش کش کش سرناز عجان جوان  
هرد و حشی دو شید فرام طریقه سندروم حاشیه **سید و پیش**  
سنطور لطور سیبور کشاد نفر شیادیه العراج کارخان حاوی  
**سید و پیش** کوش کوش کوش سوک کاھش شاهک دشک فرام کلسوک  
شیخ مکور دلتب دعایمان دارالملک **سید و پیش** هفت شنک کارش  
پیشیده عزیزی کرامایه **سید و پیش** هشت بکوش بکوش مفرح محن  
عزیزیل دارالامان مزروعه آلمان **سید و پیش** عجون کش کاش مفرط

ستقات **سید و دوازده** پیش پیش شب شب شبی بریق ربی قربی برقی  
شباط اغار اشیا معبر مدرع شمه پادشه بفراط اشاع سخاج اینران  
نارسا بخشی سیبر کاران هزوون مولیانه روزنایجه **سید و پیش** بخش  
سخن زورق مرجع فرمه باشی باشی در شاب دارالعاد ابریق بینج پینیک  
برسان برسان پادشاه نجیب نیزه جبار الاسود ناهوار سیجرار **سید و پیش**  
شید شدی و پش حشو شید قله محسور ندیر فدری هرچیج معراج معراج  
اینچه ساندان سرند نرسد نارنج **سید و پیش** شاهی شادی شیاد شاید  
شوط پوزش خرید ریته و سخاج شهباز شیود رسانده قهقهه میر  
صلعو هرنک اویلاس حبشه **سید و پیش** شاهی شایه شیا شاده  
شیوه سیچ نامه عامه اندراس نویس ستوش شید دیث شوب  
بقدیر موسیر فهار سرایه کمیند کاندار **سید و هفده** چشید شبه  
پیشه بیشه بیشه هریش باشید پاسید ناسور دنناس شوح شیز  
هارسان **سید و پیش** شبوی بولیش ریق حوقن حقر فریج مناع شید  
شید شایده **دوزده** طیش شهید معطر طبق مصیر پیش پیش  
شیر

معظمه بکش بیشتر مفهوم شهیدی سر بر سر آنکه سبک **سید وحی** عین تعبیر شد  
شلشی نظر فرو عسر عربی مصر کیش بیشتر شکه کیش ریگ کشیده کشاده  
مرسل فرموده زنگین نیونک گلکه **سید وحی** شوال لاش اللش اشل ایش  
کشاده شکه کاشه کاشه شکه ناف افغان اسیع صارع عربان  
رعنای مغارب **سید وحی** و **اسعار اسعار اعراض شکب** بیشک لبیش  
پلش موچور اصحاب اصحاب در پیشونه در پیشونه باده کش ایکار ایکار  
**سید وحی**  
**سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی**  
نیز و زکوه **سید وحی**  
کوئنه دلخوار مردانه لوزیده سلیمانیه سلیمانیه سلیمانیه سلیمانیه سلیمانیه  
صورت لاشته سهلا اللش نفور عربی مرسول ملسله دارفنا افزا **سید وحی**  
**سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی**  
**سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی**  
مشو شوم هاشم هشام شامه  
مشداب مشتاب نصیر عربی حرسوم روح الامین رکی الدین علیه السلام  
**سید وحی**  
کنج بیدایج **سید وحی**  
فرجهن خجان حالش دلشداد شعله نذقب کشیده **سید وحی**

**سید وحی** شم قرمی عرف مقر مقر رمق سفر هریز رضی سرف  
تصویر کشک فیض فیض سعین سرایع مصیب مصیب و کی سرکن مصادمه  
هزار **سید وحی**  
فارس فارس سفار افسر هریز افسر هریز هریز هریز هریز هریز هریز هریز هریز  
همهار سر و صمیمی هریز **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی**  
آشام انصار انصار افزایش انصار اسفار اسفار آزادی لواش  
فرمایه ارقام **سید وحی**  
پیش شیخ سک دیده ابابکر دلساک بابکر ختنی بوبکر ختنی مقابله  
فرزانه دلشه **سید وحی**  
فرزانه جاوش شماج شماج سکندری **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی**  
سرفه شام اضرع مقدار صرهن صردان **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی** **سید وحی**  
مشو شوم هاشم هشام شامه  
مشداب مشتاب نصیر عربی حرسوم روح الامین رکی الدین علیه السلام

کاوش اهل هوش سید و پیغمبر ششم مثابه چشم دهرباد صور صبور  
محقق محترم سید و پیغمبر جموق شام مسط مشهد چوش جوش جوش فروزه  
هنوزند حی بیان نامه های ناصبور حرابون سید و پیغمبر مثل قرن فقر قرن  
لیشم شیم میشیم شیم دیلم قری فرنگ کشک خردیں سفری مشاهد  
عکس شاهد هم فردوسین چاموش مقدور فردودن افزوه لصیر اخصار بیع  
عرف فرع اهتمام سید و پیغمبر شان دنا مشنا رافع ارفع عرف عارف عرب  
هرگاه از اینکل افزون کزان قزان قران قران نقار ماش شای مقدون  
قاریاز کوئنهم فردینده رهمون معا سید و پیغمبر نیش پن دینه شین  
آشنا آشنا اذنا پنکل اسکال قبر اقران آقامیر فرونده جوان  
سنک رینه مشب سید و پیغمبر هجتن شجن شجن دینه مشیح حضر شبان  
نشاب بنایش نایب قربان قربان مانند همان اسرار زدن فیروزی بلکش  
شکیابی کشکی جوان افزون سید و پیغمبر و چار شلن دند موشیع حی  
شخم دلکش شدم مشهد صدریں سمند، المانی رینه سید و پیغمبر  
پیغ نفع جنیش داشت دلکشا شنه مساطه شیم هیتم مشاهد فرسوده

گلبل

میرعلی قاتله فرطی خرنک سراجام از ایساب تاجلز آهه سید و پیغمبر  
پیغمبر شیخ سیفورد نیش دش شن شو شانه دشانه مولیش شویم رونق قردن  
مشوی خوشی نقاهه تناهه شادان ناساد اشنان معمور سندا آبدشکل  
سید و پیغمبر هفت موایی بعیدار شن شنبه شفیع دشیش جهشید فاره  
ناقوی سعد اکن سید و پیغمبر هشت بیوش دشیو دشوب شبانه آمیزش زن  
بادانش پاراش ناش شان ایش شاهی چناند محییه هیم سید  
پیغمبر مله دشنه هوش طلاق شفیع نفس شفیع سبطم سپساله  
شادانیم طلک بالکاه غلیم سید و شصت منک مٹک سکم کشم مکش سقو  
صریع عصر دینش شین رفیع عرضه درویی سندود دشند دشاد شاط شط  
شکل کشیل قرن نفیز کوئی عسکری هایشند مذهار قران مادر مجته  
حق عز فرنگی سید و شصت و بیک عصار سمار سلام برگان قران  
شان ناشی رفیعاً فشار رسیمان معموره جبارقان علک جمله سالم الفخر  
لیوم الاربعاء سید و شصت و دویش دشیب دلیش معبر آشیان آشیانی  
شایان آشیان ابو حضر محمد کرم رسول الله مشک سید و شصت و سه

بقراع شکنخ منفی سید و هفتاد و هجده  
 مقد عرب کلبن عرب پیغمبر مطاع صفرد شکاع  
 اشبع شخا نندہ پوش بنی اسرائیل اشبع شکنخ کندش سید و هفتاد و پنج  
 هشتاد رفعه فرعه حرفه دو شینه مسطرون پیش لذان سید و هفتاد و شصت  
 شکنخ بیدمثک عقور قارعه اشمع شبع شمع شول کشکل بیلوه مشکنخ  
 دارالعلم شیان بیلوه ساییمه شادکای سید و هفتاد هفت اونشک شبه شعل  
 اشاعه شبادع کاشاند ساملو سیاوش کامویش سید و هفتاد هشت خوف شکنخ  
 شعوب مشکنخ شباهنگ شبکون بادشمک غبارکیم مهمنه اشکنخ  
 سید و هفتاد و نه شباهنگ مثلاپن بارنازنه عطش اشکنخ سید  
 هشتاد هفت شف علیش فرق رفق رفق مقر مشک صفیر عراق عطائی  
 سکالش شیاطین شیاطین سندروم فرماده فرمون سید و هشتاد هشت  
 شات فرش عیاش شایع عشهه ارسطا طالیس فرقا رفاقت خوار فارق  
 شعبده شبده مکوهشی هوشنگ شبایل شاک عافه ماساف مشام  
 سید و هشتاد و آم القری ارفاق ارفاق افشا شعب عبیری عنین اشعا  
 اسرائیل شایخان کاشان سید و هشتاد سید احمد مول حطب عرب نکی عجم شجاع

شخنه شاف شیان بیثان بتایش شهناز ناشع و شیاد فرجید جمی  
 سید و هشتاد هجده شنید نشید نازش چاشنه نسخه نظره نیشاد سید  
 شست و پیغ شطون اجیاش عصه و قینه سوق سکله جهان شاه سید  
 شست و شیون مشکو کمشو موشک شاهین هیثان شیان شخنی سوس  
 سکلا شادکام سید و هشتاد هفت دو شبندر قرون قرون سوسار قراسو شاه  
 محبوب چارده ساله سبیابی بنم دارالسلام سید و هشتاد هشت سلطنت شب زنده  
 قرپیس باده فوش پالکشی بینوش سید و هشتاد هشتاد شماطیط شنیده کم شده  
 سک کینده نشیط فلیش سید و هفتاد هشتاد هشت عرق عرق فرقع صضر  
 صفر صرف صرف نو شید دو شین مشک میکش کیش عصیر صریع صرعی  
 سریقد نهین کرب قرطاس اندیشه سلطان دشاط سید و هفتاد و بیک  
 شمال خالی شامل صفر اصغر حرف صفار عراق رقاع عمار اربع قارع  
 عشا ساع مژمان میمانک معور به کل رعنای دیمان باز سید و هفتاد و در  
 شبع شب بیچ عبق عقرب کاشان پیش بیکن آسایش پیغین اعشا  
 اسعا آشایی آسمان سید و هشتاد پیه بیثان سویز شباع شلم عقارب  
 بوزک

نفره کوب سید و هشاد و جل دشکی قلندر نادرالانان حکم شاه حکم شاگی  
سید و هشتار پی خفه رفته سیعه علیشه کائیند شده سید و هشتار  
**شش** شاهد شاهه پیش شیوع سوئ هر قم منصره صفوی شمامه عائمه  
سرخون صادره سید و هشتار فاروق بصوفه شواف شویال سولان کثیز  
یکشنبه سید و هشتار یفت و حیدر ختن سبکش علیش آباد سید و هشتار  
فاخر اخشن خاشر فنا سکهیدن حراف طوش هت الصور عطشی سید و  
ضقد صدق ققر رهن فخری صدق مفق شمن فشم شیم فقیر قبیل ریق کناه  
شکل معروف صیری فزین طبیعی علیشی بیش عیب پوش معک دارالسلطنه  
سید و فون ویل قاصر افقر قفار رفاقت شافی شیاف عیاشی شمامه  
مقمار مقارت معادر مارع ضرورت آشود طهار مثاکل سککار نانیان  
سیده بار سید و فون ویل امکاع سبیم برص مثبت سید و فون ویل  
حشفه هناب کجنه مقربان سیده و فون ویل دینش مثدن فاصله سمعن  
مالک رقب سدکیش سیده و فون ویل شکهیدن نشه میمه دشنام  
محمد باق ابوالحسین سیده و فون ویل شفیع معروف شایله عکشه مقریز  
مقرر

منصور مقاننه فرطان ثادمان مراجعه شبنليد هکستان **جهازه صد و هفت**  
مزعف کوشمال کاهکستان **جهازه هشت** فرايis دوسيزكان ستصوب **جهازه هشتم**  
**جهازه نهم** كشف کشن شمس قصیر مرجع مصبع سفر لاط طاق **جهازه هار**  
**جهازه ده** ات کاسف کثاث سکاف شاق قاش جاپيشه دنام سوراف  
رقاصي **جهازه هجده** عغان مصلع مصاعب ناقق عابيش سفابي **جهازه سده**  
**جهازه نده** شبق بتب هېبت کايشغا اغزاين سياكهش دواللش **جهازه نده**  
**جهازه سه** تاب بتا براد پيمان ستصابيب بيتنان **جهازه صد و هار** برب زربت  
ابوار دربر **جهازه شده** مصونون دشمني شميدت هباشك اکويادي معلاع **جهازه صد و هار**  
شقه شحق حيث ته شعله ممهسه ته بتاب جبار ذئبه هون شمند **جهازه هار**  
صد و شش **جهازه هار** کاسنه بوز القلنا عوارج و زين قوشون وشق تاه  
شاهقه شاهق فرهون استندبار قياصره ثاناه شادمان کاسنه **جهازه هار**  
**جهازه هفت** هبت تبه بهه وشاق رصبر برادر مبارك قم ثانهنا  
برادر اوشن **جهازه هفت** جهت قوب توب البت بنيا اهبت بناه تابه

پرورد ابتدا داهب باردار ذعفان می شانه فی الفور **چارصد**<sup>ن</sup> قاب جهان اساز  
 سواره زین حربه با پدر برادر بودبار پوار اهابت ابهات **چارصد**<sup>ن</sup> دشیز  
 در بدر پرورد شفی طار دهات عضر مصروف وند مجت شمع نقرس  
 تبعیج حبیت بمحبت منع صعن **چارصد**<sup>ن</sup> سکالن کاشفی آب بخت هر  
 شناس دوات ملائع شمع اعشر معاشر شایان راهدار غنا مو سوگون طار  
 سرافن **چارصد**<sup>ن</sup> دراز حدت آنای حاجت پرورد تقدیم او ناد ادوان راه  
 احارت رز دار بهوار بقی بیت بیپ شناسا بیخشنیه ابهایح مهر  
 ستم الفار **چارصد**<sup>ن</sup> سینه مقبه قوبه قیمه نایب بیات نایب جهود نایه حاجا  
 می تاهد و جهان رو بیار راهدار **چارصد**<sup>ن</sup> هوت دیت فوجه حجات ایام  
 احتما ریکار امیهاد جانین رو بید میندیش شادابن **چارصد**<sup>ن</sup> دیان ده  
 بنه لقی تقدیه ده ق رجاهت شهیق بجهز هربر پیات برو جره عالیقه  
 فیصریه بادت **چارصد**<sup>ن</sup> شاهزاده تزهد هیات کاینیه سوژی مشغید  
 مصروف صُول مصارفه صویک زارزار پرده دار تزوج بجز سوی  
**چارصد**<sup>ن</sup> پروره تیز بیز نیت اسریکه هیبت بته رهارت

تادیب تایید بدلات زیر مرسیقار اذاحت قطبشاد کشند بذ بیادت نجا و ز  
 تراویح **چارصد**<sup>ن</sup> شیخه زرادت بیع حقی وحدت لقند حیر ریدت بیتو  
 پویت تازی نیاز بناهی در بیاد شجایند چشایندن **چارصد**<sup>ن</sup> لوزه تطبع  
 تقطیع تاجی حبوبات حبات و حیدا العصی رو بیار **چارصد**<sup>ن</sup> پیست بندید تک  
 کت نفس هفته هلهت مشکین عصری طاری بمحبت فقویں نیای اهبا  
 مرتفع مدقق **چارصد**<sup>ن</sup> پیست وک تجدید نظیب ناک کان تیهو هیهات ملاق مقا  
 شای اصیاد نایج ورن **چارصد**<sup>ن</sup> پیست و دو تطبیط طیبات آب حبات نیاد  
 تزاید کت پیک هر زه درا ناخوان تقدیم سمشنه ناییج **چارصد**<sup>ن</sup> پیست  
 لوند می تید کاب کاب کتاب شعبان شعبان پیکار پیکار تقدید اهیاج  
 چنده حیوان شاه طهاب **چارصد**<sup>ن</sup> پیست و **چار** هر هز توجهه نوچن املک کل  
 انتساب **چارصد**<sup>ن</sup> پیست و بینه خنیز هنک تک کت تایید بیان بی شیبان  
**چارصد**<sup>ن</sup> پیست و شیخه زرقوس کت صعم معزوف موصوف تیهید کلم کوش خنیز  
 تزیج بیوحت و شمن کدان **چارصد**<sup>ن</sup> پیست و هفت تزیید زنک کت پیکه جهیمات  
 بجزی **چارصد**<sup>ن</sup> پیست و هشت تزیید زنکات حیاطت کابه شب وصل رکابدار

چارمه ریب و نه هسیند کلت اهیاط نکارو حیا سب وصال هنری اوهه زین  
نووزن سلطانی چارمه ری لتب تل مقصه شنیع عفیش تو طیه چارمه ری  
**بک** آلت لات فنان اشنه شفان فنان کنه بکا بکه شدن داش  
در فان بد کدار چارمه ری و ده اشان آلات ب نفس کنایه بک کتیب  
بیک عنقیب دالملوئین چارمه ری و سپاری ذکره عقین جلت  
جلت جلت کاتی کتاب چارمه ری و پها جالت اجلت دلت ابتدا شدن تاب  
روزگار پیرکو کبرپیر بیرکی کیرپیر لریکو چارمه ری پیچ تله لته کیه جلت  
کدایت تالده فشانه فناشد فرقان البخ شدید العذله چارمه ری شش  
شون تدویت تا هل تاله سند بدلت بدلت اشتاند بزکار کیور کو دی  
چارمه ری و هفت اجیال شنیل تو لا و لات تانی بادرت نفسه لحبت نفت  
نمایت خلیه چارمه ری و هفت ادلات بقول تانیک حلاوت میاده الله بلا  
هر زه کار بار موافق چارمه ری و هفت حالت جمال شاه عباس که راید  
بر زیک حکایت القاب اهیال ایقاو مولای قبتو سامنجه چارمه ری  
هت تم لیت مئی کلک دولت کیتی مسئل نولد نورد فربلاش جاوت بخوان  
صلیم

خانات چارمه ری و دیث عرفانی جیالت امت نام مات اتم نالی شمعه ناوش  
مشاف و لادیت تو والد مشاعل لائی کارکر هرزد کرد چارمه ری و ده لاهه  
ایلات ترکیه بطالات ام الاقیسی ذهودان اسفلانه چارمه ری و ده جیلت مای  
نام بامت بیلات علیه چارمه ری و ده و چارمه ری و ده ناصیلا داش دعشق مدبت  
نامهم تاجیل بخوار دلتنی تلید خردین پی بک چارمه ری و ده هست فم صنه  
محبت فشد مشعله تلی نیک اندیش بخیل مردار دارالبلواد کرد کار کارکر روح  
حلاوت لراحت چارمه ری و ده  
ظاول مرود خصوص مرداره علم شاه شاه سالم محبت چارمه ری و ده و ده  
احمایت حمایت محبدت فرام مونا میندا ولیت تو ایک شاه عالم چارمه ری و ده  
هشت هم شمع حبت بخت مناز نام مهتاب محابت اموات میور  
اهاییت ولایات دولت آناد چارمه ری و ده محمد شکن حالی عشق نده  
موتاب ما هتاب ما هات بخیر داد نمند متاح حام حاتم چارمه ری و ده  
شمع ن سمعت نفشن میت کل کلت محبت مودت میشیق مشق اهیما  
محاجات مقتضی نهیں اعشار خودار مردار چارمه ری و ده و دیث

شافع اشفع شفعاً فلیه نویم نقاش مثاق طامات مرجان **چارصد پیغاه و سه**  
بنت بنی بنت عذاح محدث محدث حدت محمد بن عدیت حجات مختار  
محمد بن امیر ارجح الوجه الکاف صاحب قرآن سام بن عمان **چارصد پیغاه و سه**  
بنت عاصم ماجهت بنات بنات بنان بنان دخورنا تموز طماج زهراء  
موهبت صهوت محجب رتب نار **چارصد پیغاه و سه** محبور قطم تند تند  
جنات جنات نلاح خوبل اصلح صوحه انبات تابان سیفون **چارصد پیغاه و سه**  
**پنج** پنج بخت  
صد پیغاه و سه ماهیت فتوش قوش  
کاوهل مراحت حنابت محابت متدی تهنا **چارصد پیغاه و سه** هج و هج عین  
مریت قوان ننه و کالت اسها اجتناب ماهیات اجتاب بخت بخت بخت بخت  
محبته **چارصد پیغاه و سه** بنت  
بنایت چشم علی محدثی طامات عدید **چارصد پیغاه و سه** حجات ندهن محمد  
لهدمی محابیت رمجر انبیاء امتیاز نده انبادرار **چارصد پیغاه و سه**  
بنی نیت نی کم نیم مکر منفعی مشغی قریل خلک موجودات **چارصد**

شتر

شصت و بیک ست اسماً صفاً نافی شفاف فقاشی کهول شافعی مرارید  
چارصد و شصت و سه لهزت نزهت ننه سبت بست بست مکت هزیت  
اسرار تابدنه منشعب زهربر ناشنی هبانتاب نبروله مباردنه علوه  
چارصد و شصت و سه جت جت جت تابان تابان بنات بنات بنات  
آبین زاهت تابن بقیع کوتال کلاره جت بنات بود زهمه ماچجاج  
چارصد و شصت و سه جل دست سند نندی تدین نندید حلول انتاب نلاح  
هبلک  
بنت ابوزهیم چاره معصوم **چارصد شصت و سه** هست سنه که ساد  
سوار جنیت تجین پاپت دیات دلات بابت هست **چارصد شصت و سه**  
تلیخ استار اسدار اسدار بدت سرور سرگ ناسه هایت برهاپنه  
چارصد شصت و سه دنج اسچاچ بسته چسته توکل بنت تنبیه آبد  
تمیز منشیعه مکابد **چارصد شصت و سه** تکم بوس افسر هکت مکوب  
استوا بفتحه دروس صربه هام ط **چارصد و شصت و سه** تکنید نهدیت  
ندهین بخس توپس ساخت طینت دسته ناحت تاکد امر نکار  
چارصد و هفتاد عشق محابات ملت تک تک تک سی تی نیس دست

مولات بيت الله امير المؤمنين حزبکی چار صد و هشتاد سطر از نعمت  
محالت خواه رعایت سیاست کنایه نباکو امعنا از اخراج وصلانیه اهل  
عاهله نطبین محالت چار صد و هشتاد تغییر شقق احتمام ملاحات  
حاملات محالات احوال طاعت دعوی کنیت نکن هر عشقه ورق  
تبیح اعتقاد تلاطم معصیه چار صد و هشتاد مدلات متداله نامم انت  
ما انت ساکن سنگ قام ماقم هات فوار نایس طاعات اطاعت  
کلالت ماشیت سکار دعوات عذر دسته چونه چار صد و هشتاد و دو امامت  
اقام بیعت اشغال سینه سکات ناسک تاون ایام کابیات نبل  
چار صد و هشتاد و سه ملکی یعنی جفت جفت جفت چفت بافت پیوسه  
کپشان دارلذن دولت آب چار صد و هشتاد و سه اکتساب اسبکا قدر فند  
نقیی اذای ایاث ایاث چار صد و هشتاد و سی سیم فنه هفت دناد  
منهم مختم عزیت سکنه عیادت محاولات مقتول چار صد و هشتاد و شش  
نانه انداد ایاد فوت نایم مشوق کوت سکوت تلوت متول  
فرور کاسته اعیاد نکونی ملاوجات محمات المجنی شاه حضرت چار صد

سرپر کت کت ذی ساده چار صد و هشتاد و سی ایام عنان عاشق نامل ملت  
نام کان نفات کان نکان بقطط بخط ستوه سیات عرعاص ساخت  
تفویه استاده چار صد و هشتاد و کتب بیع بیت لبی اهل نکت تزیه  
سلیمان دین پور عخدس حجتو استبداد حرام روزی اهناس احتساب  
چار صد و هشتاد و هشتاد نک آن ذینچ عتاب نایم محل استبلا  
بسیار زیون نکبات مکانیه چار صد و هشتاد و هشتیا ملجه ملاجت اسجیا  
ندک میلات حکمت تزلیل اعیتا دنبیب استهلا نایل نایرانه  
رسی چار صد و هشتاد و پنج تکه تکه مکفت مکهن هستی عارد مهلت  
لتعیی عمهه با پاسخ الدین استیاج اصلاح سقوط توپسط ستوه  
خلیل بسطین سی اربعی چار صد و هشتاد و هشت عقد بیعت سویت وساطت  
صفوش اعادت کانهت نقول سروری سروری نکون حیوانات  
نمایی فرج لیم چار صد و هشتاد و هفت اهمال ملکه عبته سین عبارت  
استیباب اکناد عزت تزیین الموت رنگن بیدیات چار صد و هشتاد  
عقدر تددید محین محل نیکت خلیل پیوسه بیوست عبادات ایندیع  
مولان

اعظمه  
هفتاد و هشت ترايم و نات فقا نتيل تجديد موهات ذيقه فرار صولان  
چهارصد و شاهزاده تعداد خليل فتح حفته همان باشه نشسته چهار  
صد و هشتاد و نه تابول فتح ماج فلاح اذابه عطیت سکرده تعطاط چهار  
نجوف بخوبیه نفویج چهار صد و نو نی من مت نم ملکت لبت لنت  
بیکم هفته مشش هیت نکم تفصیل تقوید و دیعت هفتاد فاده بیکر کرد  
چهارصد و نویزه نی الت هنایا بات هنات کیاست کاستی مقاش کلاس  
طبیعت مدارمت سرکاری ایاده عالیه فران مطلع چهار صد و نو نی ملیت  
محمدت سبلت امانت ایتمام پلیان اصرار هنلت کالات عبویت چهار  
صد و نویزه نی تنه فتحه صفحه جعفری مردم آزاد چهار صد و نو چهار تغیید  
نقع ندهن فاتحه محظیها بروزب محاسن بحاف دیکی آنایی تنندم  
چهارصد و نویزه نی هفت مناجات هفت نهادت صفحه قلعه چهار صد  
نود و شصت صوت نوشیل سلوت قویی مونت قوین عنون ملکوت یاده نی میں  
منقوش همان حماست متکل مشعرت چهار صد و نویزه نی نزیل بخوبیه ماش  
منبهه فنادی نیزیک بدهان چهار صد و نویزه نی هفت منت حبک

تعطیط مناهت اموات کیتی پاه محنت فرامان مردند محتم چهار صد و  
دویزه ذیرز تعطیط نسلط غریب تخاص پا فرد اوزی ابودی اکبر قید  
سلط شر مرش کفت کفت کفت کفت سمت سمت نکت  
فر رصب علت نفت صنیع نهین عتیع صحبت لکت نکت نکت صرب نکیل علیک  
تبین امتحان پا صدی نی اث تا نش ارش آرش رشا ملالت نکلان ماش  
ستام سمات قزاد قاشق سهولت نکوسه صباحت اهیت نی اکت  
دلبته استا طبل قرماد ناق نال پا صد و نو نی بیث نی اسیله آثا  
تلعب لعبت نسبم ارشا لیله اکتفا طبیعن شلیعن تبیل من شهر  
پا صد و نو نی محتم شیر خبر ابت جث بچ شراب سارب بارش ارش نی  
نیکیم بنایان بنایان مخلل پا صد و نو نی کردت روشن دت قصیدت قصید  
دانکه اندیت سماحت پا صد و نو نی شهر رهش شو دهمیل الشد  
راسد اندش کفته فکه اشعار عدالت اسجاله مستدنه منه  
دون هیت پا صد و نو نی مسبتاب مکثوم نرسیل دست مت فوت فوت وقت  
رویش سوی دفعش ویش شور سبدر در شب نتوت وصیت کویت اد  
شاد

۵۵  
اقیا ارادیش بدروش عالیات مراهت عدل پرورد لبک باز کلپین **باشد و هست**  
جنت جتن شیرخ رشید شجه حادث بیاب بستان بستان بستان  
آیت متابع معابت نجیل صنیل دور بیاش ورزش بیقرار شرف محیم **باشد**  
چهارده نقیب رسیده نقیده دقی شجه احوال حادث جاعت مجاعت تعیین بجا  
جنادن نقد بستان آنساب **باشد و هست** فنه شیوه سعد رسیده شیوه شهر  
شهری متوسط درستان سقیقه اجتماع صحیح محاسن استینما قلوق  
**روزش معشی**  
**باشد شانزه** ضلول حقی قوت ستون قوسن شوی هشیار  
رادیله مستانه دستان منعده توب مهلات مهلات سققوه اطروش  
اعتماد شاهزاده شاهوره بدمت **باشد و هفت** یاروت دقات غربت مو  
ملوحت قوارب ناسوت آستانه دستان قلوات مبادعت مداعت آنلا  
شاه اسماعیل **باشد و هجده** میرزا شیرازه بشیره خارنه حیث محتمل  
محتمل مخل ملارخت ناقوان نقدید صعب سیاده قاب شریح **باشد و هفده**  
حالات خان داده دفعه ملطف حنات دار الفرج حادث چویش  
شراحی بستان تحفیظ **باشد و بیت** شک سک شک رسک دفت

شاهر هریش شاره اسهر بدمعت صور اعدال متأله اندنا نتشبند  
حاجت مدب **باشد و هشت** استیهاد غلت لذه شهیب قوان و صابت سوات  
اشانه انانه متوان سهامات بخاج حرفی آزار ایان مدب **باشد و هشت**  
مواسات مساوات تقوب بلععت عقولت محشم حث توپیع شرح حشر  
حشر ریفع عرض دش بشهه ایقت ایوات ناقوان فادله سلاح **باشد و هشده**  
تلیط استجاد حقو مژط سطر طل قواب طلمت محکمات شایع شایع  
شوراب شوربا شوارب حاق مهاحت مساحت حاست نساح اعزه  
کلامیون **باشد و همه** شیوه زدیش رسیده شیوه سنت نلف دروش  
تین شاطر شرع مکت تکن طافت صبی فشم مانکده شیوه جوازه  
صبی محنت تلنک استفاده قریب **باشد و بیار** مستان کات مستوجب  
نقال تافت المفت مادت بحاث شوره رفعه شیوه شوره شوره شوره  
برآشده هناء شقایق دیناون مکات مباحث میاون اینماط که  
هدفت انشراط کنایت ابولیذر متائل متالم **باشد و دراز** سلطان  
حدث دنت شریزه چیو شیوه برشی ایلاف طبقات آستان اسنات  
القبا

مطت **نست** متن شفق دیویث بیت سین معیت املاک فیل تکین  
 کینت درویش کیفیت شرایط پاپند و پت و پل دوستان آستین سنه  
 نایل تاریخ بات تالیف **اشک** کی شکار شادک ملنام معقوفه موادعه  
 معاودت تعییق مقابله ملایت پاپند و پت و پل مکتب حدیث آشکار سبیت  
 انتقال استین احانت دستینی سیطره طباشیر هوشیار ایلان پاپند  
**پت رسه** تجمع نجم صلات جمعیت محبت نجیب محبیں جنبیت استین  
 باین شکاب آشکار سیل زده استخراج پاپند و پت و **چهار** تیید متده  
 خوست شرایط شرطیه معزز تقویاد اشکار اتفاق پاپند و پت و پیج  
 قشم هفت اعیان دستاس نیله تمهیه سویده شاکر کنیم مفاجات  
 پاپند و پت و پیش مکذاقه آستینه ملوت هفت شکور کش روکن شکو  
 صولت و صلت صلوه استدال ناسووده اعقاری مطاعمه پاپند و پت و  
 تضاهر صلوه وصلات زرکش ریشه عزیت زدیق باقی براقت مو  
 اسپهال و قان علیین پاپند و پت و **هشت** مختلف محبت محبت هنایات ساز  
 شب کور دروکش پیستین بیستون هزار زی ابوالفتح شیرازی پاپند و پت و  
**طبقی**

**هشت** تجمع تینیم سرپوش ساه ابران هنایت  
 شیروان ملک الموت پاپند و پت و شیرین **هشت** شیرین علیه ایلان هنایت  
 محلن نهستان پاپند و پت و شیرین تعییف بیش اور حق شناس نقطه  
 تقطیل تعییف پاپند و **هشتاد** شعر شعر عرض شرع عشر عشر صفت  
 صفت تعییل نهی مثل مفنن سردیش شریک کوشن مقل ناق ملشیں  
 کوشکه متفقین شیرین موهکش هندستان سکل مکلف پاپند و **هشتاد**  
 جل الدین شایع عاشر شاعر شعر شعر اشعر شاعر لئام خاله عال  
 شایی صفات مقالات همان ملاست هستهان بیستان منبع الایجاب نادیش  
 دادشی پاپند و **هفتاد و هشت** بعثت شعب اشعار متفق امثال شیرین  
 مقالات ملاحت متن هم اسخناب اعکاف هنایات امکان شهسوار  
 پاپند و **هفتاد و سه** تجییف باعث عایت تعاقب هناب سپتان بیدان  
 دره ایان شب زنده دار حاصل اقبال پاپند و **هفتاد و هشتاد** مکلفات تقدیم  
 مستعد پادشاه ایران پاپند و **هفتاد و هشت** تعاقب تعاقب دستلاف طیویث  
 رعشه عرضه عرضه پادشاه ایان محبوسات معدیان مداعت مستحب  
 پاپند و **هفتاد و هشت** انصداد حیفوت تقویت سور شروع عشون ملوث

**پاپند و پیاوه** هفت جال جنما نطفت حنات ماحت نشیده بایان  
 شاه کربلا پاپند و **هشت** شی مقل دش تعم نعمت مشک کشم هرث فرض  
 احتمان بین غلص شیم بنیم لکی مفتک استصواب عاطفه ملا  
**پاپند و پت و پیج** ثان تقایق صفات مناعت امداد عایت لوزان  
 کاپر داشت و رعایت شراب کافت کلستان بکاعت چارشنه پاپند  
**شصت و دو** سبکگن سبکت نصفت پریش سریب اسخناب استن  
 سطوح اشات اصیان شادران منی مالک بیشیج بیت القطف پاپند  
**شصت رسه** حدثان بیدان شیرین هامکبار میسخر اذایات دناین  
 شاه ایان پاپند و **هشت** **چهار** بمحفاظ تقدیم بصنعت اسخناد تفعیق تقدیم  
 جت ایله ایتاس اسیقا مندیش شهربانی پاپند و **شصت پنجه** کوشه  
 معانیت تجییف جاستان مشک کش شیرین متعاده موه منوی  
 اسخناب پاپند و **هشت** **هشت** خور شوق سوق سروش سروش شکور  
 کشور شکرد مکارک دریشی رشک ماه استیفاده چارشنه پاپند  
**هفت** **هفتاد** میاصلت معاورت لذشویار شهربانی ثاله شنازی  
 بیدان

با<sup>ن</sup>ضند و<sup>ج</sup>هل طلاقت شرم شمر شمر سفت مفت تلقة مقر عز كُست  
ليث مقل غلم قليم تكين تعين طانت لفنهه بخت استقاده تحليف  
تكيل تقييك باضند و<sup>ج</sup>هل دك مصاحب قامت تائف سثار مثار شاجر  
راصي قمعه ناسيل يات تلاقي سعادت آثم لعات علامت معال نظام  
اسمعطلا باضند و<sup>ج</sup>هل دد تقبيل صشم مشير مبشر اقامه مكان  
ماشرا آراضي مصيب علامات كوهستان اهستان اطلاقات باضند و<sup>ج</sup>هل دد  
قرد قوش پيکاري ماش مشارب دشوار قابلت ملاعيت هلووث سجيت  
تبجيح باضند و<sup>ج</sup>هل دچار مبارات مرشد يژول دل ريشي معنده معدله  
قنه جو معاجت عالذاب تنديف تقييد متصدي تقدم باضند و<sup>ج</sup>هل پنج  
دلستان كُسته شهر مقدنا دناده هفت داهه تحق سفته هم محبت  
صرک زاف حبته دن فران سعدین باضند و<sup>ج</sup>هل دش دوش صاهت سثاره  
اوزستا فهم سفاهاه مسوول باضند و<sup>ج</sup>هل دهه<sup>ه</sup>شت<sup>ه</sup> شوا شاه پساده بکسته  
مشيره مساومت منزل هدایت باضند و<sup>ج</sup>هل دجیص سجيت مثابه عشر آمرزش  
مشروب عنکبوت سخیل علیق تحق باضند و<sup>ج</sup>هل دنه سلطنت استغقول  
فعالت

يوم البت مئون جون حافت تمامن عطق مصاحب باضند و<sup>ج</sup>هل دن<sup>ه</sup> طامن<sup>ه</sup>  
عفت ذر مفت متفهه فيت لعنت لعلم کهن میر مردين لشک مخلف مجت  
تفک کهن منک تفهه باضند و<sup>ج</sup>هل ده<sup>ه</sup> ده<sup>ه</sup> نفات هقات میثار شاهه  
منات مستان مثبور متهیون شا ناشر بیات میقات سلاست صیات  
آئیم معال استقاده کوكبات باضند و<sup>ج</sup>هل ده<sup>ه</sup> ده<sup>ه</sup> کبتهن آناه آناه حدث  
حدث میرشب بیش رم کوهستان معترله منتب تغیب استنا اسبیغا  
باضند و<sup>ج</sup>هل ده<sup>ه</sup> ده<sup>ه</sup> مشید مقدس جت بی عیوب نقابت ابویتم بنان مناسبت  
بر شان ففع باضند و<sup>ج</sup>هل دچار مجازت فدم مقتدى جامعت متفید  
محمد متروع فتح الله انتاق انظاب باضند و<sup>ج</sup>هل پنج<sup>ه</sup> پنجه<sup>ه</sup> شادر تلاع دفعه  
شاهد هداید خرادرین مالات جت اعلاه مروهه<sup>ه</sup> باضند و<sup>ج</sup>هل شرودون  
روشن دنور نقاهت الاستیفاده قوت تقویت نعمت مباحثه منای  
ستانه عالیهت سراب ناب باضند و<sup>ج</sup>هل هفت استهیال نقاؤت قوات شریا  
شناور نواش لخوار موادت سومنات صندوق پوش شمه شاه نامنای  
بااضند و<sup>ج</sup>هل هشت حیفه<sup>ه</sup> بیرون هنایت بیضیت نهستان مت ناز شهرا

موقع وعفت لغوف معمول مفتوت مقابل مسبوق اعتماد معمول مفتوح  
هندستان باشد و هشاده هشت و نواصف اشاعه عاشر آنکه مقادی شاید  
کوئنناک مستلزم باشد و هفتم هشت شخص محظت شیرینان عقوبته  
عاشر لا جنات عدن فرمان وا بقیه قفعه باشد و هشاده هشاده و نه براحت  
منفعت همچند صاحب پرسیاوش تصالح بذنا بوری آن زمان باشد  
**هشاده** شرث فریش مرث فرق شعر سعی شرمه عزیز  
عیق بور پنهان مرمع ریشک رسکن تفتی مفتی دلش بیشتر  
تفابیم تفابیم تلیم مشقین شیرینی توی دست باشد و هشاده ریک  
مقامات اثرت شرخ در ایشان فشار فراق فاقع غایات صافت متناسب سای  
شعایر هشایر شرایع سیستان معاملات باشد و هشاده و در اعلاف اشرف  
اشراف بیشی دعیت اتفاق هشاده انتقال مقامات معاملات اشراف  
باشد و هشاده و سه قلبان عقب زرد بمنار بیشاد و شباب فتح باشد  
هشاده و هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده  
شاه سلطان حسین خانیج باشد و هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده  
همان

لطفن نصلیه کوایشیدن آن اخبار باشد و هشاده هشاده هشاده هشاده  
شیریج لغوبی توصیه و قیمت دیگر توصیه و میمت هشاده هشاده هشاده  
هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده  
اسقیانه شاهزاده باشد و هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده  
محبت تخفیف خشکه دار لافتا باشد و هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده  
مناصحت محضات شاهزاده ابو الفرج روزن بده شعر باشد و هشاده هشاده هشاده  
عنی من لغزیت کشان شاهزاده تبلیغ شیعیان شفیعه اشتهار انسخه  
باشد و هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده  
تفاوت دنیا ریک سبلات بیع شرط شناس جهوده الیمان اسکندر ریک باشد  
دوی و زرف و صوصت منقبت اسنام اتفاق تبلیغ سلطان العاده سلطان العاده  
منقبت استعلال اتفاق معانات باشد و هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده  
ملامت بکی سبز میستان خبیط کلستان باشد و هشاده هشاده هشاده هشاده  
باشد و هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده  
کوئنکنی باشد و هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده هشاده

با<sup>ه</sup> اضداد توفيق توفيق کلام منثور مسوف بکسره  
هزار دین ماه استعداد استفاده با<sup>ه</sup> اضداد توفيق هفت<sup>ه</sup> قضاوت سکه هر هزار کاهش  
سر اسلام با<sup>ه</sup> اضداد توفيق هشت<sup>ه</sup> بمع و شری خفقت جمهور کشور اسلام عفر بکسره  
کیان اصلان کو<sup>ه</sup> دلیل هشتم با<sup>ه</sup> اضداد توفيق نهاد<sup>ه</sup> مثمن شش شرق پسر شکفت<sup>ه</sup>  
عهمت تعلق تهیق مثمن مثمن ششم صفات<sup>ه</sup> لفظ مثمن مثمن و<sup>ه</sup> فتن شش<sup>ه</sup> اضداد هشتم  
نمایار<sup>ه</sup> شاهزاد<sup>ه</sup> سوارکنین تاریخ شاش اخ اشقر و اقصی قراقر<sup>ه</sup>  
عشهه کر منا شیر شش<sup>ه</sup> دو<sup>ه</sup> عقبیت زب و زب<sup>ه</sup> بمع بزرگ شیش اشرف<sup>ه</sup>  
ارشاد انتقام استعمال مقاسات اعمام استبدان متضیب<sup>ه</sup> حد<sup>ه</sup> اضداد<sup>ه</sup>  
<sup>ه</sup> مستحب خاب بمع جا چق جزت جز<sup>ه</sup> نائب<sup>ه</sup> بدوا البق رابت<sup>ه</sup> قاب بباب<sup>ه</sup>  
بنار<sup>ه</sup> در<sup>ه</sup> حجز بنایش کشکی<sup>ه</sup> شش<sup>ه</sup> ده<sup>ه</sup> شاباش حاج خد<sup>ه</sup> خد<sup>ه</sup> نایج<sup>ه</sup>  
جلات<sup>ه</sup> عکار اجرت اجنا<sup>ه</sup> بصیرت<sup>ه</sup> تدقق مقدوس<sup>ه</sup> شش<sup>ه</sup> دیج<sup>ه</sup> خد خدا<sup>ه</sup> خدا<sup>ه</sup> نایار<sup>ه</sup>  
بیچم پرتا<sup>ه</sup> بجز<sup>ه</sup> مقصاد<sup>ه</sup> بخت<sup>ه</sup> لعنت<sup>ه</sup> خاد آخی<sup>ه</sup> تا<sup>ه</sup> پر<sup>ه</sup> کلیات<sup>ه</sup> سعدی<sup>ه</sup> مدد<sup>ه</sup>  
شش<sup>ه</sup> ادارت ارادت اسقنا<sup>ه</sup> خد<sup>ه</sup> روت<sup>ه</sup> تو<sup>ه</sup> روت<sup>ه</sup> هر<sup>ه</sup> شا<sup>ه</sup>  
آتو<sup>ه</sup> بید<sup>ه</sup> بید<sup>ه</sup> تو<sup>ه</sup> قصیعی<sup>ه</sup> مشوی<sup>ه</sup> سب<sup>ه</sup> قدر<sup>ه</sup> شش<sup>ه</sup> دیج<sup>ه</sup> خر<sup>ه</sup> اوخ<sup>ه</sup> داخ<sup>ه</sup> هبیت<sup>ه</sup>

وناق<sup>ه</sup> ولئی<sup>ه</sup> رتبه<sup>ه</sup> رواب<sup>ه</sup> نیاز<sup>ه</sup> هنر<sup>ه</sup> تقدیر<sup>ه</sup> تقدیر<sup>ه</sup> شاش<sup>ه</sup> بادرت<sup>ه</sup> بادرت<sup>ه</sup>  
شش<sup>ه</sup> ده<sup>ه</sup> ابتداد<sup>ه</sup> مخفی<sup>ه</sup> مخفی<sup>ه</sup> کلار<sup>ه</sup> رهی<sup>ه</sup> عفت<sup>ه</sup> پناه<sup>ه</sup> خلاج<sup>ه</sup> ارجمناج<sup>ه</sup>  
پوش<sup>ه</sup> پر<sup>ه</sup> بودت<sup>ه</sup> هبیت<sup>ه</sup> فخر<sup>ه</sup> بمع<sup>ه</sup> خوب<sup>ه</sup> شش<sup>ه</sup> دیج<sup>ه</sup> هبیت<sup>ه</sup> ازارت<sup>ه</sup> خواب<sup>ه</sup>  
خط راهت<sup>ه</sup> باروت<sup>ه</sup> نایار<sup>ه</sup> شش<sup>ه</sup> ده<sup>ه</sup> قسم<sup>ه</sup> خطایخ<sup>ه</sup> نیز<sup>ه</sup> خود<sup>ه</sup> خود<sup>ه</sup> دفع<sup>ه</sup>  
ریت<sup>ه</sup> قلیق<sup>ه</sup> فرزی<sup>ه</sup> شرف<sup>ه</sup> شرف<sup>ه</sup> فرشی<sup>ه</sup> رسی<sup>ه</sup> جان<sup>ه</sup> معشر<sup>ه</sup> صدر<sup>ه</sup> مشر<sup>ه</sup> مرعش<sup>ه</sup>  
صنعت<sup>ه</sup> مخفی<sup>ه</sup> کیف<sup>ه</sup> مخفی<sup>ه</sup> قصیعی<sup>ه</sup> قصیعی<sup>ه</sup> مثل<sup>ه</sup> مخفی<sup>ه</sup> بخت<sup>ه</sup> سمع<sup>ه</sup> سریم<sup>ه</sup> چا<sup>ه</sup> صو<sup>ه</sup>  
شش<sup>ه</sup> دیار<sup>ه</sup> فار<sup>ه</sup> طبع<sup>ه</sup> خط<sup>ه</sup> خود<sup>ه</sup> خود<sup>ه</sup> رایت<sup>ه</sup> خود<sup>ه</sup> فخر<sup>ه</sup> فخر<sup>ه</sup> شو<sup>ه</sup> شو<sup>ه</sup> هائل<sup>ه</sup>  
معشار<sup>ه</sup> معاشر<sup>ه</sup> جبریت<sup>ه</sup> بو<sup>ه</sup> راب<sup>ه</sup> شافع<sup>ه</sup> بیوم<sup>ه</sup> الحساب<sup>ه</sup> تقاضی<sup>ه</sup> نار<sup>ه</sup> سر<sup>ه</sup> مر<sup>ه</sup> هی<sup>ه</sup>  
شهران<sup>ه</sup> ستانی<sup>ه</sup> بیز<sup>ه</sup> احیف<sup>ه</sup> ذفایت<sup>ه</sup> پناه<sup>ه</sup> شش<sup>ه</sup> ده<sup>ه</sup> دوازده<sup>ه</sup> بمع<sup>ه</sup> جس<sup>ه</sup> بدج<sup>ه</sup>  
طبایح<sup>ه</sup> خطاب<sup>ه</sup> خطاب<sup>ه</sup> استمان<sup>ه</sup> دلوق<sup>ه</sup> واریات<sup>ه</sup> نایار<sup>ه</sup> خواه<sup>ه</sup> جولت<sup>ه</sup> بند<sup>ه</sup>  
رایات<sup>ه</sup> هاروت<sup>ه</sup> استعطا<sup>ه</sup> معاشر<sup>ه</sup> معاشر<sup>ه</sup> جاروت<sup>ه</sup> ابوتبل<sup>ه</sup> فردوس<sup>ه</sup> بند<sup>ه</sup> شش<sup>ه</sup>  
شیوه<sup>ه</sup> معافت<sup>ه</sup> تایب<sup>ه</sup> خاب<sup>ه</sup> بخت<sup>ه</sup> تایب<sup>ه</sup> تایب<sup>ه</sup> تایب<sup>ه</sup> تایب<sup>ه</sup> این<sup>ه</sup> این<sup>ه</sup>  
متغایرت<sup>ه</sup> نیز<sup>ه</sup> شهان<sup>ه</sup> ابیشین<sup>ه</sup> رهیت<sup>ه</sup> برهیت<sup>ه</sup> اکم<sup>ه</sup> الکوین<sup>ه</sup> شش<sup>ه</sup> جبار<sup>ه</sup>  
نیز<sup>ه</sup> نیز<sup>ه</sup> سردن<sup>ه</sup> تیار<sup>ه</sup> و تیار<sup>ه</sup> فیار<sup>ه</sup> نایار<sup>ه</sup> خدا<sup>ه</sup> رمعت<sup>ه</sup> خط<sup>ه</sup>

ازاک اکرا ارکا خدیجه ششند و بیت سه مرز نکوش تراک بخارت بخارت  
بخارت کربات تزویر شبان بتراوی خاید منه انگز لوسپروان ششند  
بیت و بیار نظیر خطوط بحارات ارکاب حذک نکار تزویر خبر سمعه  
ئرمندک علم آناب ششند و بیت پیغام طبیعه کهتر کونه ترکه ندارد خاید  
زاویج شاه شهد آناب عالم ششند و بیت مفاضت عیشم هرک کوش  
کواهت کاره هرزیده واحده مفروش نعمت الله ششند و بیت هفت  
فراموش هرک مردم هم خاید به دورخی زن صفت ششند و بیت ده  
هشت کبوتر هرک هرک حریت استقوس کاخ المهاج ششند و بیت ونه  
قليس که هنا بتیغه نباخط طاطی سعادتند طایط دانع البلات  
ششند و بیت شیخ کیش ترک حدوک کدرخ خایدہ طایک کدوت  
نقیصیت نقیصیت مستقل هنتم هنین نقضم حل خیک نعل ششند و بیت  
یک مقالیت حال خاد کاخ تراپک تاریک کیرا کثایش عیزانه شعیر  
لئال ششند و بیت بخل بخل بخل بخل بخل بخل کافوده ترک بکوت تکیه  
پیکش تالار ائمال مستقبل بخودی فوجی باشی ششند و بیت و سه بخت

ششند و بیت و سه حدود طوخ شیش مقاعدت هواجه بیه قیم درایت طهارت  
ههارط تبیح تجیر مصادف ششند و شاه خنی خوی خلب خلب خاید و بیت  
طرافت ندبید مشرع حواهه سانهه سه مساعع متوقع دوان دار ششند و بیت  
رطوبت جیز دورخ رزیت روایت عجید روشناس عجیده تدریج ببره  
سرزش خدیج اهزاز دارالسقا دارالسلطنه اصفهان ششند و بیت شاه الصفو  
حرب ببغاه حقیقت محقیق مبعوث آرخیج حیرت تجیر توید سبیت  
زیارت حشیش مسخن پذیره طبیعه تجیر ترجیح ششند و بیت شاه بنی روز  
تغیر حبیط حفظ خلاط تبیر بخور شاه سخن ابو منیر روشن بیان بنی روز  
ششند و بیت مسقل نظایر ترک ترک کوت مفتش مشرف مشرف  
خاط طایط حطوه حدیف حبید حبای آب جیز کش کش صفت ندیز  
قریشی رویتیت شرکین ششند و بیت کست مستان کاخ خاک تارک تراک  
کوات استلطاق حبید جیزه حبیط طیعه طیعه ترجیح تجیر دخانی و بیه  
لوزیه متأصل دادهواه حصال فقام اسقاطاف ششند و بیت و ببرکت  
تیکت کوتیت سکو بدھی میخود صافات استقلال استقصاصا النصان ا  
اوک

مدارس محارت خامه مشوش فیض روم نادرالعصر دخواه شصد و چهل  
هفت مدربات غیر حرم زخم موخا ماریت تامور مرتبه بختم مباردت  
بایت المقدس صیوه فریش پایی فشردن شصد و چهل هشت میادان تهریز  
رحمت حوت زخم توجه زلینا متعدد متحقق شصد و چهل هشت محابات  
معطر خدمه دخنه که خدایی رجولت شصد و پنجاه منبع نخ خشم خن خطام خنا  
مستقیم خادمه شترک احراز مسروچه محابرت منبع الوجه ختاب آرد  
شصد و پنجاه که افستین خان مطلع محظی خایی خیام خیام مصادحت تا به  
تیمار میثاق شقار دیلاخ غایبین شصد و پنجاه دو انارت جن خاطب  
زخم بخیلی محواه استيقان ارتكاک افسار شصد و پنجاه و مه  
مواردت محیم بخیل زیخ هنآن بخیج هنخ مویخ شراب مریبات شصد  
پنجاه هجده ناخج تدمیر خند خنید ندرت ندرت درتن دهن دنخ دلخک  
منروح مقلعه فردی عصر مشهور زبانه محمد و شصد و پنجاه پنج خادمی تیوه  
جهنه دخان شصد و پنجاه و شیش تیور خون خونه خانه کلوخ بخند ناحدا  
محابرات تواند تیله نیمه نیو شصد و پنجاه و هفت کاسه درویشان موییق

شیخیت پر تال بر افغان راکب موقعات خلی خجل حیال خلاب شصد و سی  
چهار خلد رحل خلد رحال شصد و سی پنج داخل خالد مصادفات خوابکاه  
اریجان شصد و سی و شیش لرگو خول خلو ادھار میفیش امیریت کل قم  
شصد و سی و هفت خاول خالو فراموشی شصد و سی هشت رحلت کبر تمجده بدیک  
برادشاند دشوش بجهل جنوب شصد و سی و نه خلط الملح خلل طلح شرف جهان  
دارالامان کوهان شصد و چهل و میش شمش ششم احفل مشرق مقشر خلاط خم خم  
مح خیل عمر فستق دهل خلود نیل نیک معنی منعف ارخال تکیه دار  
صقول معلق فصلصل شصد و چهل هشت خام مانع خیال خال لاخ اخلاقه هشت  
مرات تماز نامر مثارف مشاش کشاکش سفارش تناصی زیلک تاریک  
ملوکیش قل عالم شصد و چهل و ده مثبت عاصفات بتم انتقام بخیل بلخی  
سبت هفت امارات فلک آستان شصد و چهل و هشت هرات بخیل بیگان خلاب  
بخلی بزم شصد و چهل و پنجاه دم دخیل خلید نزد مرند تدمیر ترمد مرچا  
مبارات زیارتکاه جائیق شصد و چهل و پنج بخصر محبت رهبت خدام دماغ  
خادم سعل دار بت ولزی معتبر سعاد خلوط متعلقه ممشه شصد و چهل و  
مدارس

استدراق تپیر خلول حوف مقرنک استه بستور سورت ساره  
**شصد و هشت** سیوا روستا وارست ایستاده استه لفڑین  
 زیده الکبیر یوسفستان خیز ریوان الشاب **شصد و هشت و نهم** استدار  
 حرفت عصر لختر بخیر من زیده الکابر خذید خانه دار جوان خزان کشان  
 استوار **شصد و هشتاد** هم کده سخط حرارت استهاب بتوین  
 کشته شده قند استباراد استدراج **شصد و هشتاد هشتاد** اخراج اسخار سخی  
 خلک خنک ملع خلم محل سخی خلیل سیرت دستور دستبرو  
 استهار دینک استخان **شصد و هشتاد و یک** عرب استهار ملاح تک  
 ریاست راسته ساره دوستار مقال خون کام نکار بکات شاند  
 نقشیه بولار **شصد و هشتاد و دو** دعیت رعبت لغیر تریغ تریغ عربت **نیم**  
 خلب سیارات استیار خزانیه شاهنشاهیه **شصد و هشتاد و یک** تریغ  
 تریغ رحبت ملاخ روضه بخدرین استجراح عبارت بیارت پیارت  
 زیدست **شصد و هشتاد و چهار** محل مدعلت بریغ خانک تدریین شد  
 تریغ تریغ تریغ اعیان عبارات پاریست **شصد و هشتاد و پنج**

مطبوعه صوریات منواری توران روزانه زنخ زخم خزان مصنوعات **شصد و هشت**  
 پیچاه و شت مخلط خزان خاذن خند متجه عصمت بناه بیروت **شصد و پنجاه و**  
 خنده مخلط خطر بخط خنده دار الفرج فخر توپیه اراد خوان **شصد و هشتاد**  
**شصت** رطان زربنات شفشه خن خل مرست ستر نین نویس رست  
 خود کشمی **شصد و شصت و یک** مکاشن تقوه سما ستار ساز نرسا  
 آسته استه راست خلال کخا خان خینا خای شاهنشه شاهنشاه شیر  
 شنوشه کشن سل منفصلات عنان مهد زاده مرقد ابدی کادره بکی در فیض  
 کاخ **شصد و شصت و دو** قرون بین پرست پرست ستر بیز ادا  
 استار شاهنشاه کامات ملکه هریک **شصد و پیچاه سه** خزانه خود آب  
 راهچان خواهان خیانه شاه شاهان متراکم هریات پرستا بخوبی خیز  
 شعر با غصه **شصد و پیچاه و چهار** درست نرسد سفره حبارت دخن کوش  
 ختابه خباب رفع قدر آسمان آستان استیار ایتیاس اینه ریش سعید  
**شصد و پیچاه و پنج** نداری دستار ارجمند استیاره اسچار وسته رسنه  
 رسنه ترکه مترکه خداوند و خنده درست **شصد و پیچاه و شش** هفت آیه  
**اسناده**

مدخل ارتفاع دستیار دوستدار خدای عاریت روایات ششده هفت  
توییل توییل توییل عربت قویع روعت جول خبید پرسند خاکان  
واصریا شاه شهیدان ششده هفت  
زیر درست ولی المین پادشاه پادشاهان ششده هفت  
پیاسته ششده هفت  
خن خل خن رفت رفت رعبت ممثیل کتر کتر سترک مردت  
منقصت عاقرچا ابلاطل ششده هشتاد هفت  
رافت رفت رفعت رعابت عاریت راعبت سکوت زیر درست مقابی تبرکان  
ششده هشتاد هفت  
ششده هشتاد هفت  
هشتاد هفت  
دیاعیات استکبار ششده هشتاد هفت  
تزاده دفاتر خیله مخلوط دستیار ششده هشتاد هفت  
فقیر فقره رفاقت رفاقت نیک حماله حملکان ششده هشتاد هفت  
سکاه

استکبار خرف قیانکی درستی ششده هشتاد هشت  
پرسنگ عزیز حرف رفت ماہلما ششده هشتاد هفت  
قطعه رز بیفت محبات دادکتر بیارک الله نکندریخان دیدار دست ششده  
لو د خنی خیف سلیخن خنیم تو نم تو شل خاطف نعلین رکت نزخ خان  
حذرم اهزاف ششده و زن و لیک تراسل خالدک خاص اخن سلاح خان  
خام مناخ رسالت خابک خالل رکمات رز ایخ بیانیم ششده و زن و دو  
ملک الشعرا فیلانغا قبیر روضی امکار سرافنان ایلان بیت الحرام استعطا  
ششده و زن و سه صادر قبیر قیزیج عزیزیت حبیب حبیب لیلد رقبه ششده  
لوز و چیار ششده تو بیت تقدیم تو همان نصیه تو صد کیان به دستکی  
ابصار ششده و زن و پیچ خالدین منهر مریعن خبینه صادر استعمال  
زدامن شعفهم رفع القدر خطل ششده هفت  
خاصه خانیه خابیک کابیعنان رفاهیت قیزیم آهن خارمان ششده  
لوز و هفت اهصار عزیز خاص عنان اهل سخا امات داششده و لوز  
حمرت فخریج عزیزیت بخون دیم کاهنین ششده و زن و فظیل حظیط تقریط

طلاجاردان **هفت** هنر رث شت رقت شد هنر هنر مسح خس خل دکت  
نگر کفت کفت مکفت مکفت مکفت مکفت مکفت مکفت مکفت مکفت مکفت  
معزیت نشی قسم شاه مالک رقاب اصولی هنر خیمه **هفت** آتش شنا  
اثر ارث حراث شار تاش شات ناخ رامین خامس سماخ حماس راقن  
خلع خال فرما که نار که نار شفقات آماج خانه دولت سرا خود غا کلا نتر  
**هفت** داد **هفت** ارتقاس امراس اذا پشت پیش پیش شبت آثار ارثا  
اشرار ارثا ارثا ارثا ارثا ارثا ارثا ارثا ارثا ارثا  
**هفت** داد **هفت**  
ربات **هفت** رایخ رضید دست شدقت قدرت چاشه ایدا صند  
ستقدم اشات مساج **هفت** **هفت** قرقه هرادست ملارست هست هست  
سلیخ جذب ذباب داشت دنار جنه بختاب شتاب خداوند فرهش  
احدا **هفت** دشی لور لور روت لور لور لور لور لور لور  
مشاره صستو **هفت**  
نشبه فارث زیست اشتما شوات لیلم الدار دوا **هفت** **هفت** **هفت** **هفت** **هفت** **هفت** **هفت**  
ذهب

ذاهب شنده شاهت  
پروریش مردویں ماک درون **هفت**  
شارت حراث شعر طغیل شغله شارش ارشاد ارشاد ارشاد ارشاد ارشاد  
**هفت**  
جلبیه احذا شهادت هشادت هشادت هشادت هشادت هشادت هشادت هشادت هشادت هشادت  
پیخوان که نیز بچه پیچ هم بزم عمان **هفت** **هفت** **هفت** **هفت** **هفت** **هفت** **هفت** **هفت** **هفت**  
خلاف مراجعت عاریت ناسخ خراس سناخ ورثه شنوت آشی آشی ذالم تو  
منیاق جاذبه خاسی آشی بان رسان منوره نرگان مکل کنا **هفت** **هفت** **هفت** **هفت** **هفت**  
ذیب ایدا پیش پیش تقریب شهادت معنی براغات عاریت زخداک رسان  
ناریت **هفت**  
منهشه ام اکتاب بخشنود حست سل هست ابد رجه اقد مراعیت تقدیر حست  
زیش زیش بات مستدیه **هفت**  
نادرست تریخین **هفت**  
خوشی هیئت معاهد شدیار ارشاد حواسه و قیرت لوقبر

هفتمد و هفده استهار استهان و ثابت پیش بشنی هفت پک درسته  
تقطیع فنه آن اس سده خانه زشی هفتمد و هفده عاله ربته تویخ محظی عزیز  
لشانه شدید خندیدن رنج زدن زندگان شهد زدن زندگان عادل خداب  
هفتمد و هفده حسنده ذرا بای ذیجا نظری تعقیب طلاقی هارستان  
رسدده شوره زاده هفتمد و پیش طیار تسبیح کشت کشت کشت خصل دیج  
عنق توپک هستعلیق لقیر سرک سخنی ناج شاه هفتمد و پیش کلر  
خاک خاک خانه سخنار دلا آند کاشت تاشنک شهید و مکرات  
خانه پرستنده چاه زخدا هفتمد و پیش و کذب اکواث اکثار اکثرا احوال  
اسکنیم سخنی متعصب نارابی طایفه دریخ هفتمد و پیش و سه کار کار دیگو  
پرداستان شراب جلوه خدیونانه هفتمد و پیش و حبیله توییش توییش  
منزه عزیز سند هفتمد و پیش کشته کشته هشک هشک توییه مراد  
طیله توییش ملد البخار هفتمد و پیش خاری شوک کشت کشت کشت کاشت  
کشت خنوف خلاصه خالصه دعوت ذیجه شهید و مکاره هفتمد  
هفت کوارث دیرستان آتشی دعو اشناه تقطیع خدیونان در دریخ  
هفده

هفتمد و هفده تسبیح مالینهای حزن بینه هزارستان شاهدی عزاف  
تو اکوان دیشی و ان عادل هفتمد و هفده محابیه آب کوئی هشت ایمه هفتمد و هفده  
نفع تعریح خلق خلق خم نفرت تقریت سریت عربت فخر حسین کشی کشی  
محلدوں متین آنکه دل میرفت هفتمد و هفده دال خلق صاحب  
حاصم شکایت دنکه آنکه نالش نالش شانل فناخ صادرت رسنک  
معلمت برخان ننا فر دعا سه هفتمد و هفده بصرت بدل احلاق کان سخا  
مرسلات اعدام اسینار خدیو جانان هفتمد و هفده بادل دنیا تسبیح  
محترفه منظمه مسابت شکریه بلند رتبه هفتمد و هفده همای  
کیانه مرقبه رفعت نیزه متقدم سروسته رشد سور کیم افزید هفتمد و هفده  
هشتاد رهیل کوئی چشت کورستان مصادرت استیاع هفتمد و هفده  
خلقت سخنی کو خیل الله مصادرت داخل بدهن خلوبند هفتمد و هفده  
بدله معاصرت روشنان ملک ملک رتبه شکریه کورستان استیاعه هفتمد  
سی و هفت نعل ذوب برخان شند باره هفتمد و هفده سفناهی تغیه  
شلاحت برکستان میقاح محاصرت املک رتبه دست کویان هفتمد و هفده

سهرت دم عمر مثست شم تقریز دل فنج خنف قریب ذرف صوت خلق شاهزاده  
خدوی‌جهانیان محنتی حنفی شیرکی شعیر **هفت** ناصو حارست عمار  
ماز فراست سوارت خلائق ذهوله ذله شام ثامت اهستان رسوه کی  
**هفت** هفت و **جبل** و **رس** اهله مرتبت رفع الشان عاشادار اشاد اغار  
هفت و **جبل** و **رس** بنت الکم هذاب مقابیت هفتارب مرابت هربات خیل  
**هفت** و **جبل** و **رس** مقصده، اهلیت رسول هشت اول جذام **هفت** و **جبل** و **رس**  
هدم نوشت خیرت غر شعشه دمه منکو درهایت منکو هشت سر  
**هفت** و **جبل** و **رش** استزالد خوف ماه گفت موئی شهامت عرق بیدمشک  
غلبیدی **هفت** و **جبل** و **رش** شبیه شامت مذهب اهتمش باشند  
پادشاه روزگار **هفت** و **جبل** و **رش** مذاهب هشت مواشات هشتاده مثابات  
پیغام **هفت** و **جبل** و **رش** مسهد مسند حارق طالبیشت محمد مجان  
**هفت** و **جبل** و **رش** امتحاش اهتمام ذکر ذی مذی رفعت رفع قفع مشت مشت  
قسر مسخن هشتاده **هفت** و **جبل** و **رش** محذوب مادی اذن این مثار خان  
خانق عرفت میراث استظراف ذات مخالف تعارف رافت رفاع شاگرد  
دلم

نشاگل منسان **هفت** و **جبل** و **رش** بون اذان ذنب ذکر بنشت ناشا خان **چه**  
استرسال استعضا ارتفاع اعراف انتزاع اعتفار نقاوات **هفت** و **جبل** و **رش**  
برائی محترفه ذواجه بدمعذهب کی رعنی تعجب بخشم غنیم ذناب شقایق **چه**  
**هفت** و **جبل** و **رش** ناجذ خندق خیان ارم ابناش شابان **هفت** و **جبل** و **رش**  
هفت رنگ ذهن ذمیه دوخط مملوک مریمیه نوش داشتن عبل للغب **هفت** و **جبل**  
**چه** شفناهند نویت دوست قریق نور موزی خانقه منروح  
مدبوع سلوك نادات کشورکی **هفت** و **جبل** و **رش** اذهان فروعات  
مدبھی رنج و محنت زیوان لیزان تغیر خانقاهم افق نادش ذی مجده **چه**  
متواری محجم آتش بیان **هفت** و **جبل** و **رش** دلوب دلوب دلوب دلوب متن ملک  
بیت اللداحام حشقة **هفت** و **جبل** و **رش** پیشان ابناشند محاذی ذوبان  
مائیت ناخشن آسمان رتبه **هفت** و **جبل** و **رش** مضمون عزیز و قیی و تعییت  
عفریت محلی ملخی شت شت سوت دسته حین طهورت بلطف  
بوستان ام **هفت** و **جبل** و **رش** اذن ناسطات خادخ کاشت شکات نهادش  
مکنار نویسته سرشار هنورنک موزیه داشکر فهیات سکلان **هفت** و **جبل**

شقد و ده استقار استقا استقا افسدار اعصار حاتم بند نارستان  
خانه خانه لاپوت قریش شاه نامه در وسی عاشایی هفده و شصت سه اتنزنه  
نارستان استبرق زبان هفده و شصت جمله شوشت البال شمنه عادل  
نارستان نارستان هفده و شصت ذهین شسته بست اندار هنیث  
قصور العین سخن دان شاهنشاه زبله هفده و شصت و شش استقدار خوش  
منکوت تغییل فیضی کاشت فیرون فرسنگ هذیان سزادقات هفده  
شست و هفت موشک بست درم خواهی پر کرده شهر لور ماه هفده و شصت  
هشت میوه بست هبستان میوانی هفده و شصت و شیطنت ماشست  
تنیط شاهنشاه زین بر رک قربانی هفده و هشاده مذل ذلیل خیف  
هرهت لرف منع کشت کشت کشت کشت حض توصیع ضرع کلکت  
نکیش مشک هفده و هشاده حض داع ملاز عنار ساین شادیت  
نکاشت اکشت اکشت مسارت قیار اشم میشان داشکی منع  
استهاد هفده و هشاده استخار اشغال اماعت اماعت عذب کند اعما  
امزام هفده و هشاده سه عذاب دفعه بناعت جمع سخن پن هفده و هشاده  
چنان

شجاعت سراستان شاهنشاه هایران هفده و هشاده خانه نه تاسکند خداوند  
هفده و هشاده خصوف عنور شایسته کیمرث رعوت خاصمه و شعث  
هفت کاشت دستان سرا هفده و هشاده مثاوات سروستان اذاعه توئیال  
هفده و هشاده هشت مبدول دستان سر شراب رو حات هفده و هشاده  
زید المظايف لخیش هفت رصد سر بستان جموع سر رسیده اثنین  
عنان بنت امیر محفل آتش هفده و هشاده هفت دستان رفت تعیش لشی نیتم  
هفت فرق رفعت لقص سخت منصر تعریف مهر هفده و هشاده ولیک  
ذعام مقامرت عاقیش نغارق شمامت عاشی طاقت رفاقت ملاشی  
هفده و هشاده اشانت اشقا افخار ارتفاق امیران ارفت حاشات  
نگارستان امیران تشیب هفده و هشاده کشیان کشان بات مصر  
بهم مت سر اب عیق تبعیع هفده و هشاده و نه الکری شبکایان خدایان  
هفده و هشاده پیغمه تعریفه متند مادر سلیمان هفده و هشاده شش  
توییش اهل نشت خرس خرق حضانه آشته سر بر شاه هفده  
هشاده هفت ذوق هفت جمله ذوق هفده و هشاده هشت لقشی کاسه پشت

حذف محتمم حبت جایکاه اندکشوا انگرستان هفتاد و نه  
 دیقعده هفتاد و نه تقریب تقریب بخت ذمیم مریم معروف دنیم مقاله  
 تعیش هفتاد و نه زیل سکلات ذمیم تقاریب فقار از قاصد عصالت  
<sup>هفتاد و نه</sup> مسلکات مثابت مذبب استیا افساخ اخنان شاهزاده خاله  
 ارتقا سبزه هنتم مهانه اند هفتاد و نه تسبیح خداوندان زین اسرار  
 بنات میری محل باف هفتاد و نه زیل هفت جوش صرمه دفتر عاقب کار  
 هفتاد و نه <sup>آتش</sup> آتش نرم سفیده زمیره مناشد کثیان جلما  
 داد از شب تهایی هفتاد و نه پیش مفروج منور مومن دشیت هفتاد  
 و نه و هفتادیم المیں الدلخشم ملک شہشت اذن الی هفتاد و نه و هفت  
 مبنیه تسبیح تسبیح هفتاد و نه هفتاد و نه مقتول بیت الموار ذوالجنان مثا  
 هفتاد بدل سوک آسمان روبه خوش بودیا هفتاد و نه عن دشیم رخ خر  
 تفضیل شکفت شکفت شکفت شکفت هفتاد و نه خار آخر سهاد سهاد  
 سکات لخاست نافٹ نافٹ منوده ذوالجلال مصارعه معصران هفتاد و نه  
 صب جبر بخش بخرا منب بخرا خارا از اخ اشغال ارشاد اکشن  
 اشکان

اشکان اسقف اسقف اسپهان اسپهان ایم شپه <sup>هشتاد و نه</sup> چرخ خرج چرخ  
 چرخ بخار بخار خراب خراب هفتاد خرد خرد خرد خواجه خارج خارج خواجه  
 اچار خار خار الموصی کشان ششاد هشتاد و نه صاد اعجاج  
 باخبر لیله التدر سعفنه شفته شفته کهنه خوار خاره هشتاد و نه سبند  
 ذوق صوفت ادخار خوار خوار خاره خود شکافن و شکافن هشتاد و نه  
 ذوق هصب صجاج خوبه خوز خوار خوار خاره آخور شفافت هاره  
 هشتاد و نه <sup>آتش</sup> آتش هنف خوابه پامه بخیر خوار خاره نظار صبح توب  
 هشتاد و نه خوده خوده خدره خدره خدره خوده خوده خوده خوده خوده خوده  
 آنقدر تابوت جاهض حرارت در طی ضهد هشتاد و نه خیر خوب خاطر  
 خاطر خارج خوبی فلد متفق تهیت مشتعل شست نست اصداد  
 شکنکه حاکم رسوه کی هشتاد و نه اخبار مصارعه مقابله ضبط صبا خاره ایز  
 خربط داین دناین صباح شاه ولایت معاد مث مال هشتاد و نه ایز  
 و صن حبیب خبیر ضابط استغفار استیاق معنی اچار ایها امتناع  
 خاهر کامرانیان خوزه کیهی بزرگ اکیند امتعاش خواه کامران

ترتیب ضرایج متفہه لفظیه هنگ هکه هشتم و پنجم مثافت خواه  
مذکوم مخصوص هشتم و پنجم و هشت ید بینا امام هست خوب دیوار شیخان  
شیریه هشتم و پنجم هشتم حکم صراحت مخاطب راه خدابده هشتم  
کلش توحید آستان شایی دیوان خاتمه هشتم و پنجم  
پنجم حل دان ذئب شکن کمزوقت هشتم و پنجم و زنان نایک  
شنادت نافذ نفاذ شناخت صالح حقان کشیان هشتم و پنجم و پنجم  
خافقات اکیتا افزایش تکب افاذ تکب هشتم و پنجم دیوان خاتمه هشتم  
خیابی آستان شایی هشتم و پنجم خاک در بیهوده محدث حکم خواجه خود  
هشتم و پنجم خصل صراحت رعایت بیست و هشتم هشتم و پنجم  
توکت خالدار خواه هشتم و پنجم تلاوت مقصودات رزکه هشتم  
سی هشتم خصل محنت خدمال هشتم و پنجم طلاقی بیانیه خجالخ هشتم  
سی و پنجم شرمن ملت خرم خرم مرخ خرم مفت مشق متفهون مستنصر  
من ذک شرمنی ساها نام حکم دریی دک شرمن هشتم و پنجم خاکین  
خان خار خار خار خار نظام مدنی مثنیات خاریت بیان هشتم و پنجم و دو  
تجهیز خارب متحر اهنا تائوله استغالم مکاشفات استغالم هشتم و پنجم و دو  
سی

محج نناخت بیلت عیام هشتمه چهل و پنجمه آتش هم خارج صند  
مدنه هشتمه چهل و پنجه همه مدرخ هم صند نهاد هشتاد هشتمه  
چهل و شصت شمسوار وقت ما درخ موند مورخ موز عوت قلبت تکریت  
لارم هشتمه چهل و هفت ما هزار مضر عاولت کاسه آثین کشور کاهش  
چهل و هشت همپاره حضن عزم آباد تجلیت ذعایع حضن بیلو صفحه حمیض  
کبارالله هشتمه چهل و پنجمه حاضر محاصله ماجه هر حجج ماه فرماں لاره  
حذیره داده هشتمه چهل و پنجمه مرض ذق حاصا مریچ جیز عزیزی تخفیف شیر  
حبن هشتمه چهل و پنجمه ایک ما حی شفاقت ناخر صان ناضر غافل هاضه ادم  
شیرشام حاره هشتمه چهل و پنجمه ایک دینه صبن نسب اتفاقی ادم هزار شیر  
هشتمه چهل و پنجمه خبر بنات خاب چخ دوم هشتمه چهل و آثین لماس  
حروس نشد هزار نم بنات عدایلهم هشتمه چهل و هیم رخه عمر ط  
حرب طی حیوه حزاده هه حواسن دلالات مخوبلات هشتمه چهل و پنجمه  
حیانه مخواز هامن ناهمن نکانی توکلت چخ دلایل هشتمه چهل و هیم  
اهاصن مضریط سیار و ناضر هزاریم هشتمه چهل و پنجمه هیم  
لارم هشتمه چهل و پنجمه حزاده هشتمه چهل و پنجمه هیم

فتح قبرور آدم هزاره هشتمه چهل و پنجمه خوان مخاض نباح ناصح شراب ارش  
هشتمه چهل و پنجمه سرخ حرب خسی رغیب خودون خریم شفیف  
هشتمه چهل و شصت که اهیں ساریت نوائی راسخه خارس خارس داچه ک  
خریده هشتمه چهل و شصت راحدار اضباع استکثار میخواه هشت پنجمین آنکه  
اصله لعت بیرون هشتمه چهل و شصت سیستان چخیں مکالیت سطاب بستاره دار  
چیخ دویم کلانتر امالک هشتمه چهل و شصت دیگری تدبیت خوبیه خوده دان اپنها  
مکاتبات فضیده هشتمه چهل و شصت سیگاره قیمت هنیف سخوه طبیعت دسته ایان  
با ز داشتن هشتمه چهل و شصت هر دویس رسوخ خور خسرو سودی استبداد  
خنجری روی عانه عرش کیمی ذباب العین هشتمه چهل و شصت و تزیین تزینه  
اسحاب سریاخ خل بر خزینه ذوالکلن طیجانه صواب هشتمه چهل و شصت  
خیز دار تختیت طیخ مفعک خانه دار لوله مسیه هشتمه چهل و شصت ساخت ایان  
روان خواه روی هزون پیچه هشتمه چهل و شصت هیم صلیل مثل استخاره سرخ  
حتک هرچ ڈیف خراطین مثل هشتمه چهل و هفتمه تائب خارک  
ضاک خوده بین هشتمه چهل و شصت هشتمه چهل و پنجمه ضع فتح اللام استباخت اعضا



میغایا باب **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
آشناز ایثار درشت حذف دخنی اینات باتالقش شجران هضمه پیچ  
دانه ریشه توشه سخن شاخ شهرت شره خونه حرامیدن **هضمه** **هضمه**  
سخن خوش و خوش طارش زلشه صبردلت دولت بربت نصوبت است  
بیان الیت خیریه مایه تقویت رسوت ذریعه مدھبناه مذهبناه **هضمه**  
قبنه بوشه شنبه ایثار ارهاش استهامت شاروت مرجوک سپرمه  
سپرمه **هضمه** **هضمه** هفت پرکار حذر تویج تویج ثبت درشت **هاظه**  
**هاظه** **هاظه** آذربایجان آذربو خوش طریت خشاب جیظ طارش دیگات خر  
ثواب **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
استناح استناح خودش تسبیق ضین سطارات **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
خونه خزان خزان شاد تریه زریشت اسماط هوفد تاریش قنای  
افضل فاضل فضلا **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
ظی جلاحد خدث قصیب میخ استنشاق افندان پلظ المقات بتیر جنیت  
لتبیج شجیر نباتات غافیه متابعت حلشت نباشیو مفعح **هضمه** **هضمه**

لطف

خطوب خوش احمداث حادثات تابستان استنات پدری جانیه خرسند  
خدیش **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
شیخی خوشی سخن سخن خور ضغول موظع تقویت توییش درساخه تویی  
محبند بدختی رویین خم زرد هست **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
تخت ناید خرامیدن آهن **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
معهمی خادنار خوشها جشیدنای خرموجاه **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
هضمه **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
هر چند دلیت سرخن قنیل کنر ذکر ذکر خنک کنیه توکن شرکت  
مقر خوشید تراشیده **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
مقابر خنایل شرکت کنترار خوش آوار رستاک **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
مواضعه معاوضه مخمنه البنت داور کلار بخت اردی طبیت شاه معدالت  
خانگ عجمطاب سک تکب خنف **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
چرخ دویین **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
هضمه **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**  
هضمه **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه** **هضمه**



عذر دنیاع ذرع ثمال ثمال ثمالات اکثر خاشع و ضئیله حداهه دنیاع  
 پذیرنده که هند و هفت دست بعثت بخایده اشال آذین ارهاش خراهام  
 خراهام باشیده هند و هفتاده جط مالجئ خروزین همنه و هفتاده  
 هفتاده جاس استحاث ابعاث خداجان آتش پارسی خشنه پیش هند و هفتاده  
 پیش استباح خلیه مظله خلیم فیل بمقعد بد سکال بکل در خیل آنبل  
 نه هند و هفتاده و هفده طامع فتناعه خشع فعل الله هند و هفتاده  
 هشت  
 ذراع توافع راعطا سیاره آذکون خوشاب و اعطیه هند و هفتاده  
 هبته هنتم عثت آبد سخاپنه شاهناده بنداه هند و هفتاده  
 خوشب آلو پادشاه هفتاده هفتاده هفتاده هفتاده هفتاده  
 عثت خف عذر بمحضن تیل خروم آیین هند و هفتاده خاش خنا  
 هم آلو کینان شلت اکثری صربی المقام ظاف هند و هشتاد و ده  
 سایریش اشرفات افراس از ای اسقات هند و هشتاده تعقیبه  
 هند و هشتاده بنت المیت خرمغان پناه هند و هشتاده هفتاده  
 جمعاً ملحوظ آصف بینا شاخ کون هند و هشتاده پیش هشتاده

ناخش خامیشی هند و هجا هشت بندون هخت او راشن خان اصهاهات  
 خوشزه هند و هجا هشت صنایاری رم شاه سخن طرفیک شهر منقد هفتاده  
 هشت و نفع هشت لفیض قم الکاذبین کلم سرث صعنی ظلل مژرك  
 کیثی کور خشود خشود شخون ندیز مکدر کدم هند و هشتاده هشتاده  
 شیخان ظلل کاظم بینطا مشارکت حبابیش مجنده هند و هشتاده هشتاده  
 اسخاس اظلل خشوانه افیاض خانه هند و هشتاده هشتاده هشتاده هشتاده  
 قمه ضوحا خوشون شدزاده دلایل هند و هشتاده هشتاده هشتاده  
 هند و هشتاده پیش اهنجان خخه سرشه ضعیفه بسطهون بالقصوب  
 کوه میث تاب کلار بخت هند و هشتاده هشتاده استقادت مذاکوه مذکور  
 شهنشاده قبار خل الله ظلیل هند و هشتاده هشتاده آذین هر اجهه قبر حریر  
 هند و هشتاده هشتاده هشتاده آهنو خش آذیاچان ادیوبهشت  
 هند و هشتاده هشتاده هشتاده هشتاده هشتاده هشتاده هشتاده  
 هند و هشتاده هشتاده هشتاده هشتاده هشتاده هشتاده هشتاده  
 شرخ خوشیار شاه جشید و قار هند و هشتاده هشتاده هشتاده هشتاده  
 مطال خلام ظالم اعظم عذار غمرا

فرشته داریعه آذربایجان **هضد و هشاد و هشتاد** هزار شاهزاده طوف فروظ حشم آبود رسوله  
بختیدک **هضد و هشاد و هشتاد و هفت** ذولرف افزائش فراغی هوش طبع ماهه عزیز مکان  
هزند و هشاد و هشتاد و هشت خطل حفظ مستفتح بفرائش شربت لین **هضد و هشاد و هشتاد**  
حافظ حناظ حاضل دارالارثا دارپیل ببلیل سخوچون **هضد و هشتاد و هشت** سخوچیدن  
ذریف شربت فیض فلم قصیف شخص سلطنتی صنعت منتش نسله شکر  
**هضد و هشتاد و هشت** نظام ناظم ساخت سخاکیت مصنوعت بیت الالکوتت علما  
اشت طاع **هضد و هشتاد و هشت** استقالات اشخاص استقال ساحرگذاب **هضد**  
لوزون سه حفظ ام الفضایل و تلاعیت آثار طلت **هضد و هشتاد و هشت**  
النسیاعضا حافظه بختیدک **هضد و هشتاد و هشت** آتشی آبورز فرمیته شاه دارکش  
لهضد و هشتاد و هشت طلاقنه منظم شخصی عشیره غیاس هادر رخان هرچیز  
خلدین **هضد و هشتاد و هشت** سنتکین هوار فنیتای قلم و طایفین ذوقیقات دادکما  
خری طبعی قاره ام **هضد و هشتاد و هشت** حينظ ما بخت شهربار کامکار **هضد**  
لوزون سه دفع المهمات شائع محشر رسول خدا علیم جمیشاد اسکندر رقان  
قطایت علی علیا **کهکشان** قرت ذرق ضر ورق تخریز فرشت فلیم اخلاقان قاصی  
بنین

خلیط تخلیط کن اغ حتن شرک هزاروپت و تخلیط خدمه ششاطین جماعت مجازات  
**هزاروپت** منظم علی کذا خد کی هزاروپت در فرج زدن منوی خلت ثلث عیک  
 قزوینیای هزاروپت و ریک منظم ثروت ثالث لاغ الخ علا آفل خاشهب  
 مستقلات کارپیش سکستان هزاروپت تلخ غلب بغل بلخ الاغ اگان  
 الناش ان کت قیتاً توکلت علی الله هزاروپت و سه غلب بلخ بالغ بعال  
 غالباً غلب بالغ بحال عیک محبت کویع غلچ هزاروپت و سه احتمال دخت  
 اولیه دمل غذای ارجحات مخصوص هزاروپت و سه غله عله طلاق اخراج ته طبل  
 کدر ایند هزاروپت و شش منظم بلند لفون علی خلوت فعل خالدات  
 شیرینیک هزاروپت و هفت آکوی علی عزل لغز علیه غلبه کشوریات  
 چیخ بقولی هزاروپت و هشت خلوبت علیه بالنه طلاق غزال بالغ لفون  
 اولغ هزاروپت و هشت عیاله غلط خلط حافظت هزاروپت و هشت مضر  
 مریض رفعیم رفع ختم نتیجه تخلیل تلخی هزاروپت و هشت رفعیا  
 رحم مارسن نلایت دوافعل داعیل الغاظ عالی هوله بلده اعیل لغون خاتمه  
 دولتیه امداد هزاروپت و هشت حل الدنیاع ارهاص امراض بلخ بعلی لغزه اخنا

تاقده سربیش بخت هزاروپت غایب عیاب بایعی غزو عازه صراط افضل  
 احتباط انبساط دابیع هزاروپت و هشت جنی البقاع اغاره حضور صریح ذیقدار  
 ببغده بزرع عبد چرخ دوار هزاروپت و هشت عظو عزیز برقعه خسیار کلنا  
**هزاروپت** معذدر مشهستان عنیله راصیه دشیش مظلوم سربیش لوریه  
 خداشاس لوزیق دشیش پدخت عینی بیون هزاروپت و هشت اعزاط حشاد اویخت  
 عینیه مکانتیش زلیخ هزاروپت و هشت عناہب بخت آنیع عاری عزیه عزیه  
 توچیج چرخ دایر هزاروپت و هشت خلاط تخلیقات صابطه پار اینچ طجزیه ضیطر  
**هزاروپت** عیاز عویله عابط طاغی علیم میطل احتباط خلیفات شیخی هزاروپت  
**هزاروپت** دکل هزاروپت کرمان مل عظله باقی مشارف ائمیت عروسان خلد  
 خرمالم هزاروپت و هشت استتفاق اویخته جنک افاظ از کاضع عینی شیرین  
 صابطه هار هزاروپت و هشت صارک عیک غایبی شهریشی هزاروپت و هشت هجری  
 طل محمدود جامع نصل هزاروپت و هشت کاحد طاعنه کوه خروج چرخ میا  
**هزاروپت و هشت** عنیشت خرکد عیک غرما بازیش هزاروپت و هشت  
 کون غزک بکاخت خشنی اصل هزاروپت و هشت ترکتاز شاهین ذهن افتاب  
 خلیط

**هزاروپت و هشت** د هنرمه مقوه غیر فد آمیخته انداخت بخوت ترخ کفاله غانه  
 شرب قند خواهشندیم عزیک هزاروپت و هشت و تقریز غنی رضوانه فی خست  
 طاقون ظالک نینهخنا پنه بیدمان صیرآخوند امی خسز زیارت شاد بخت هزاروپت  
 و هشت عیخه چنه عازی محسیه خیانت بیخ اندیاع بخانه هزاروپت  
 و هشت و چنانه عذرده عظام هزاروپت و هشت صرس عینی مستثنی خست  
 بخت عنود طفان دوچنین اینجع تدھن اعندہ دیوانه حافظ که هزاروپت  
**هزاروپت** خلات ساخت خاست بخار جانات اندرخت انداخته  
 هزاروپت و هشت و هشت ساغ مفاک ساخت هزاروپت و هشت امراس سخن اینیا اعلال جو بیغ  
 شاه کشودیکی همراهی پار شاههم اقتدار عینی سبب بیعنی بیعنی دستاخ  
 تیخا هزاروپت و هشت و بعیان سانع عزلک اعفل ایام اشوف کایان هزاروپت  
 شست و چندینی اسیاع وال الله ترچ الدبور حشر و شر هزاروپت و هشت و بیخ  
 عنی و د خشته سرهزه ندوخته نیارت حین شهید صحت و عافیت هزاروپت و هشت و  
 چیزیں سون غلاله اعنه ساخته حاسته سوخت بیعنی صحت سختانه  
 رضاوه سرخ روچخ وارون خداشاس مظلوم هزاروپت و هشت و هشت

حالات احتمال تخلیل بخیل مغرب خاوله موقب مرتب جنیکر جنیکر هزاروپت  
**چهل و سه** صرب صباره عیج بخیل بعام راعی چچ ملق هزاروپت و هشت  
 متاجرت صدمت خدمت دفع عد معد تدبیل دیلی هزاروپت و هشت خانه افاده  
 دملغ دعا علیه بزغاله خدمات هزاروپت و هشت مشود تخلیل بزغاله یعنی لوری  
 غالیه بدل خشن هنک سرمه شمار هزاروپت و هشت غرمه متواتر عی ابد  
 مولاقت آمرفت و کل شریعت چون لا چوره هزاروپت و هشت عاز موادرات  
 لفون لعائمه مضریب زیفک عم ایاد هزاروپت و هشت تخلیط مضریت تخلیط  
 غبطل تلطیع حشاد غلیز مردان اغان هزاروپت و هشت رضم صیوی مرضین معظم  
 مطام صیون غلچیج ختن میعیه هزاروپت و هشت دنیا بیان آمیخت کلاغ  
 دامونه مضطرب جلدونه آخن امیزونه هزاروپت و هشت غرمه میعنی بیم سیم  
 بیخن پنخت آمیخته دلخواه هزاروپت و هشت بیخ پغله بیام معايب غلید  
 بناغ بلقاک ملماج هزاروپت و هشت عند انتخاب خلابار جناع اینما ایناع  
 غلیزان شیخ سعیدی محمدی الشعرا این المیقنت حقام این هزاروپت و هشت  
 خنه مرضیه مرضیه غنه جاناع نظام دین بیاضنون بیخه و بیخه رها تخلیل  
 هزاروپت

نوافع عادین سعادت حیات سویغ سرخوار سرخاره سکات مومنه هزاره هشت  
 سویغ اوستاخ سپوخت هنگت جمیسه دینار زعنونه هزاره هشت  
 عجیب دستخط بدل حشنه زمزمه هزاره هفت دلکه  
 کیخت طفیان محفل عرض ضرع نتیم عرض عربت مثک اسدہ سینج  
 هزاره هشتاد و پنجم صانع عارض علام مختار طائیان هشتم سوچه ایزج  
 کاغ هرخت هزاره هفتاد و پنجم مبلغ بلغم جواسته اعلام ازاع ارضاع  
 استئاق باع سین شهریروان شیرادرمان شتوس هزاره هشتاد  
 مبلغ عزوفی غلیچ غلیچ هزاره هفتاد و پنجم مبلغ عزوفی غلیچ  
 هزاره هفتاد و پنجم عرفه عزوفه یعنیه جامد عزک کداخنی عذابین خلاود  
 هزاره هفتاد و پنجم تو سینج عرض هریک معول مشویت نفرک مظلومین ایزج  
 هزاره هفتاد و پنجم بازخواست نفرک منی کالم هلاک بعدادی هزاره هفتاد  
 صالعه ملعوب عینا هده شرافت کعبه بیداد هفت کور هزاره هفتاد و نه  
 ان اندیعی خبر عرض عظیم خلایکنجه ناظمی قال کابیانه هزاره هشتاد  
 جامعل عف غل فخری رفع خت خت خت مخیز ضریح رضیع عریق مصیر  
 هزاره

مراض خلافت شه هلات هزاره صد و ساد هزاره احتاذ اهلان دفسور نیایان  
 حبیت نظام الملك پی خاشر هزاره صد و سیزده شاه خاور دزخ شاب غلیچ  
 هزاره صد و پانز وادغله حبیت اسبغان دغفل ندیش هنجیات سخت جان آنچا  
 هزاره صد و پانز و نواعیها ظهیر شیرخدا کاعنده بعنیه طلیب هزاره صد  
 شاهزاده عنوس عقول معاونه مع بچکان شند کافی مکدره باشقت دیبار هزاره  
 صدر همه ده طلام للعید تزهیب تزدیب غریب امیر جنیه الا ای الله یعنی  
 ام الدیمان هزاره صد و هشت و اداری و ماطحیها بیم الشیثا کنیت استخوان  
 سپوختن دشیهات ذوالفتار هزاره صد و هشت و ساقی کوشیلی وی الله بارده  
 مضرعه ذرا ریح رضایی حکمیت کاشی کفته خوب قابی لداع هزاره صد و  
 مکننده روضه مدینه حصلت تخلص کنیت تکنر علکین فخین هر شید  
 هر شید حکیم هزاره صد و پیت که حنات تکاش نخات حناف حارکش صالح  
 غلام حستونه سین شناس خرسان هزاره صد و پیت و در غلامان مولای  
 غیب حید حستونه دخاسته بعلمای هزاره صد و پیت مولایان شهیدی حاره  
 هزاره صد و پیت و پیت خیزستان سین دخت سنه بیف حب معشویت هزاره

اصلاح عرصکاه دادهان مفاده علین تقریز خلادیکا هزاره و پیت صور  
 میغان غلیون غلیون حملع عوایص اموقت خواجه کایانه تصویرات فریبت  
 هزاره و پیت مفین پیغول هزاره و پیت عمنه مفنده آهزیسالار اپوزن  
 هزاره صد صلاحیت شادر صینع متنی عین تقریزین رخش هریش  
 حلفت لفیت هزاره صد و پیت ذات تاثر خیران خادعت فناک خارش حراس  
 شارخ خاصیت هزاره صد و پیت عزیز بیابان حب عین پیش غلیکن هفت در زخم  
 کشورهندوستان هزاره صد و سیعیانش بر شما مهمه اوران غلظیدن هزاره صد  
 حتم اینجا صدیع دند اجناد عقی خواری هزاره صد و پیت اور خشی ظهر دلو سوخته  
 هزاره صد و هشت حوت طاهر اطهر روت هریش حریش حریش مغلول  
 غوس هزاره صد و هفت اسماعیل تصویرات حضویات باع ذکر کلیه هنیت  
 هزاره صد و هشت عینیت هنیت ارعن دسا کوشواره عریش عینیه کی هزاره صد و  
 آبیخی کلعنده آتش پرور باع مینو هزاره صد و ده خریش مخلع غلت مخت  
 مخلف غنودن عرض نتیج غلامازیکا ولدک بی هزاره صدر بیاره اهداد  
 لاغف تنازعیت هنیت حاستن حاستم دخوار تائیر طلیور غافل علاق علاق  
 لخچ

عبادی زنیو رخ غفیله رهکار هزار صد پشت<sup>ش</sup> صلاغه معنی حکوش  
 طبیعت، ترس و بیه<sup>ه</sup> لار صد پشت<sup>ش</sup> سخن که بخش شرکیه راهکار هزار  
 صد پشت<sup>ه</sup> نمودند کتاب منه عم ایکن<sup>ه</sup> لار صد پشت<sup>ه</sup> شکر جواب  
 هزار صد و سی<sup>ه</sup> حلق خایست مضمون فحیم مخفی تحفه نجف مخفی تغییر ختن  
 دلت دلت معلم والسنع والور صمع<sup>ه</sup> لار صد و سیک<sup>ه</sup> عینیک غلامین لدا  
 فنان عارضین صدق نفس فتحات خفثان نفعان صامع حاکمی هزار صد و سی<sup>ه</sup>  
 در<sup>ه</sup> افغان تبدیل اقام اعلاء احصام تکذیب فاسجوانی دارهم جائیز  
 مذهب شیعه نظام عالم<sup>ه</sup> لار صد و سی<sup>ه</sup> استخارات که بخش خالب دلت  
 شکربرز بالذلت<sup>ه</sup> لار صد و سی<sup>ه</sup> اصریح<sup>ه</sup> بجز انجات جاردن خانه  
 ابتدا<sup>ه</sup> لار صد و سی<sup>ه</sup> حن<sup>ه</sup> اصفهان ارعی اسد بالذلت اجنب<sup>ه</sup> لار صد  
 سی<sup>ه</sup> و شش صفحه علوی خبروت خوش لطین<sup>ه</sup> لار صد و سی<sup>ه</sup> هفت<sup>ه</sup> مساعی العرش  
 مادر مسان غزکنده شهربان<sup>ه</sup> لار صد و سی<sup>ه</sup> هشت<sup>ه</sup> هر زلت عم ایکنی<sup>ه</sup> ایکنی<sup>ه</sup>  
 هزار صد و سی<sup>ه</sup> و عربچرخ<sup>ه</sup> من ایکن<sup>ه</sup> فاعل و با انصار جمل ایکن<sup>ه</sup> شواه  
 خال شیراز<sup>ه</sup> لار صد و سی<sup>ه</sup> غرق خلیق تختین عن قبیح شیون شیون<sup>ه</sup> خادم افغان  
 بلان

هزار صد و هفتاد<sup>ه</sup> هفتاد مخاصمت نقوت مغلق معارضین فضل و هنر  
 هزار صد و هفتاد و دو<sup>ه</sup> استخراج اذاعت استخلاف مبدل جنین احصام  
 هزار صد و هفتاد رس<sup>ه</sup> بالک ظرف زین ش شهر شوال المکم بلع العلي<sup>ه</sup> هزار  
 صدر هفتاد و همان<sup>ه</sup> هفت در هفت فضای ربانی سه رسانید<sup>ه</sup> اراد<sup>ه</sup> جمع میان<sup>ه</sup>  
 هزار صد و هفتاد ربع<sup>ه</sup> نماده خاتم آتم<sup>ه</sup> لار صد و هفتاد<sup>ه</sup> خیل نلاده قبور  
 هر شید<sup>ه</sup> لاه<sup>ه</sup> هزار صد و هفتاد<sup>ه</sup> فارعن<sup>ه</sup> مخلوقات طاعت خواص قرم طالب  
 هزار صد و هفتاد<sup>ه</sup> عذوبت نکت<sup>ه</sup> بمال سونا سع جوب صفت خوب<sup>ه</sup> هزار<sup>ه</sup>  
 هفتاد رس<sup>ه</sup> جمی<sup>ه</sup> مکان حب صفات<sup>ه</sup> جناب شریون<sup>ه</sup> لار صد<sup>ه</sup> هشتاد شفت<sup>ه</sup> تقوی<sup>ه</sup>  
 طوف<sup>ه</sup> ظرف مذمت ثابت و سیار<sup>ه</sup> هزار صد و هفتاد<sup>ه</sup> حضامت معلم الله خنگ<sup>ه</sup>  
 ندمید<sup>ه</sup> فرجاش سین<sup>ه</sup> ذات علامی<sup>ه</sup> هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup> درود قادر ذللن<sup>ه</sup> فخار  
 تعذیب<sup>ه</sup> احصام شیخ<sup>ه</sup> ماد خواه جناد<sup>ه</sup> هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup> فارعن<sup>ه</sup> خطی<sup>ه</sup>  
 هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup> عالم العیب<sup>ه</sup> مجیع صفات<sup>ه</sup> انتاب کفت<sup>ه</sup> انتاب کفت<sup>ه</sup> نیشید<sup>ه</sup>  
 هزار صد و هشتاد و پیج<sup>ه</sup> هدفت<sup>ه</sup> روحه ام انجیاث صدارت دسکا<sup>ه</sup> هزار صد  
 هشتاد شی<sup>ه</sup> ظروف<sup>ه</sup> تقویه<sup>ه</sup> سفقت شاه<sup>ه</sup> هو امن<sup>ه</sup> العیم<sup>ه</sup> هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup>

فرضی رحمت<sup>ه</sup> فصنما ریکاری دارین محبت خاندان<sup>ه</sup> لار صد و هفتاد<sup>ه</sup> هفت<sup>ه</sup> ناظر  
 خوشان مویتنا صواعین خدایار شما<sup>ه</sup> لار صد و هفتاد<sup>ه</sup> هشت<sup>ه</sup> هشتم<sup>ه</sup> سرمهان  
 هزار صد و هفتاد رس<sup>ه</sup> روشنده روایت خلد هفت امام موسی کاظم<sup>ه</sup> هلاک<sup>ه</sup> مخدع<sup>ه</sup> هندا<sup>ه</sup>  
 شاعر<sup>ه</sup> کتسیح<sup>ه</sup> هفتیات اربعه<sup>ه</sup> هزار صد و هشت<sup>ه</sup> نظی<sup>ه</sup> تذلل<sup>ه</sup> مخلص<sup>ه</sup> بخشن<sup>ه</sup> فرج<sup>ه</sup>  
 خارنیم شاه شرع شیوه<sup>ه</sup> هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup> هشت<sup>ه</sup> عاصی<sup>ه</sup> عنای<sup>ه</sup> مخالت<sup>ه</sup> لریات  
 مکاریت<sup>ه</sup> سلطان هفت کشور<sup>ه</sup> هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup> و بذین شاهنامه سریش  
 تدبیب<sup>ه</sup> خراصیمه<sup>ه</sup> هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup> در<sup>ه</sup> هشنه<sup>ه</sup> شفه<sup>ه</sup> الاسلام آکتشید<sup>ه</sup>  
 در<sup>ه</sup> هشت<sup>ه</sup> کوب بلاد<sup>ه</sup> هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup> و منی<sup>ه</sup> التحا بالفقا<sup>ه</sup> کنون<sup>ه</sup> و میعنی<sup>ه</sup> صنایع<sup>ه</sup>  
 خدایار شما<sup>ه</sup> هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup> عصر<sup>ه</sup> خلیف<sup>ه</sup> اسجعات<sup>ه</sup> نظی<sup>ه</sup> سریش<sup>ه</sup> هزار صد  
 شصت<sup>ه</sup> و شصتو<sup>ه</sup> الصیر<sup>ه</sup> فتح<sup>ه</sup> النج<sup>ه</sup> اعراف<sup>ه</sup> اهل<sup>ه</sup> کنکول آن<sup>ه</sup> ناید<sup>ه</sup>  
 هزار صد و شصتو<sup>ه</sup> باغ<sup>ه</sup> ندیم<sup>ه</sup> ذات الله علوم<sup>ه</sup> ریاضی<sup>ه</sup> دفعی<sup>ه</sup> و زیست<sup>ه</sup> خلا<sup>ه</sup>  
 شیوه<sup>ه</sup> دینار<sup>ه</sup> هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup> هشتاد<sup>ه</sup> رفاقت<sup>ه</sup> اتفاق<sup>ه</sup> آن<sup>ه</sup> مبهت<sup>ه</sup> خیلیون<sup>ه</sup> و زخمی<sup>ه</sup>  
 هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup> علی پیشای<sup>ه</sup> حلق<sup>ه</sup> طبری<sup>ه</sup> دش<sup>ه</sup> عدو<sup>ه</sup> اصال<sup>ه</sup> بوم<sup>ه</sup> دیان<sup>ه</sup> المفر<sup>ه</sup>  
 هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup> اذربیجن<sup>ه</sup> خسین<sup>ه</sup> تخفیف<sup>ه</sup> مغلق<sup>ه</sup> عیش<sup>ه</sup> خیل<sup>ه</sup> ام<sup>ه</sup> سطها<sup>ه</sup>  
 هزار صد و هشتاد<sup>ه</sup>

اذن تو به سوون یخنی و کنمه ذات اینست هنالات فاسد محظوظ علیه الرقة ذاکر حبای  
 هزار صد هشتاد شت لغت خدا بسید برکت و نعمت طمام حبیت هزار صد هشتاد  
 کفنه اینجهم چرخ سرگون طریقت عشق هزار صد هشتاد مکانی طاریف منظر نزیم  
 فرج بختی محنت تحسیس قصیش هزار صد و نود و نیم ماظر طایف خلیل الدین  
 مخلستان هزار صد و نود و نیم صفائی هفت کشید دولت خاقان خان دکوه دین  
 هزار صد و نود و نیم طریقچه خلیلستان هزار صد و نود و نیم چرخ شعبدہ باز  
 حبیت اهل بیت رسول حزم شد حدمت سلطان هزار صد و نود و نیم نجع بخت  
 اسد احمد الغائب مشیت کرد کار پادشاه خلائق هالم قاضیهاجر رشوت کریم  
 کثوت کند هزار صد و نود و نیم ماظر طایف ساید خوشید سپاه شاهزادی  
 تقریون زیارت عاشورا حضورت هزار صد و نیم هفت محمد حامی اینما مادر  
 حدای بینی هزار صد و نود و نیم فرج ریحان رجیت ایم فریست چه بیرونی  
 جت هشتم خدای بینی هزار صد و نود و نیم کوکرهشان غلام حبین خلیل الدین  
 اند کایل ابرار لعنی علیین هزار دویت صدر غرغ نفع رخت ترج رخت سدر  
 شئین بنی هصلت سقیفه هزار دویت و نیک رناث ناریخ اخترا  
 خلار

زین حجا صاحب در حراب در افتدادان با	تید مرکش چون حراب در صاحب اندند
۱۲۱۶	۱۲۱۴
عبد کل رضنان اذ همد کل علما	آه ازان نصلو هلامه ایام که بود
۱۲۱۶	۱۲۱۶
هیکی کو هر علم است نحسن و نصفنا	این مصائب که آن بمحاجی کرم پا
۱۲۱۶	۱۲۱۶
ملک دین راست امامیه او راه نا	اهل حق راست فلاحیه او علم بیان
۱۲۱۶	۱۲۱۶
که بعام سند انان که هرامیان اثنا	بانزی شیخ مقامع بود وضع المفع
۱۲۱۶	۱۲۱۶
تائیی قطع مقال آمده آینین فریما	نان اور آمده فتح جامع حکم
۱۲۱۶	۱۲۱۶
سده در دهان بین قطع مصال اعدا	شده به عالم انان کش کال اجا
۱۲۱۶	۱۲۱۶
عقل تحصیل کنند اذ همه بروجه	هست از ادکت چند هویر اک عقول
۱۲۱۶	۱۲۱۶
سری ایوان بشارت ایازین ملکتی	معده و بیعت و ماه رجبان بخیصوا
۱۲۱۶	۱۲۱۶
بات دایم عبان محمد دین ماما	رمت علامه دین سبیح حجج
۱۲۱۶	۱۲۱۶
بان علم امکنیت رایوان بست	شد چیز وی جانب ایوان بقا ااطلیت
۱۲۱۶	۱۲۱۶
بلک مکر مصع این مخدہ کو اهیت	از پی بحل آن بادشه بنم علوم
۱۲۱۶	۱۲۱۶
هزار دویت و هشتاد اهتایی ضنهب تو ایچ نیورناف	هزار دویت آن بادشه بنم علوم
۱۲۱۷	۱۲۱۷
خان دفت مریت شعار قطعه بجهت مدرسه شاهجهاد در قسم	۱۲۱۷
	۱۲۱۷

ضنا و قله اضطرار هزار دویت و دوا	ملهور صاحب ثابت شده و خونج تجیب
عیوب برب غلب اعیار اهیت برداخته لقطعه الامر هزار دویت و دوا	غیره بزیم
بر خوردار بختیار بختیار عزیز عزیز رغاب رغاب پاک منذر خضری بش خیچ هزار	دید و چهار
دویت و دوا دریغ غدر آب عزمه نقدید تنبیه اینیاض عزیز ندیج خضری	۱۲۱۶
حدائق بقیع دهد برویت بینیم هزار دویت باز	حدائق بقیع دهد برویت بینیم هزار دویت باز
غیره رجیته رد مظلوم در رومنه صفت رسم دستان عزیزی هزار دویت و دوا	ان من شیعه لاکیم دریعا هیبت
اصحاب الارام فی خالد و نین نیزهون محمد عذار حبی خوب عزیز برقه مزدی	غیره رجیته رد مظلوم در رومنه صفت رسم دستان عزیزی هزار دویت و دوا
ملکا زخم کردت احمد دین از دنیا	زین بگاه کردت احمد دین از دنیا
زین بگاه کردت احمد دین از دنیا	زین بگاه کردت احمد دین از دنیا
طلب حجاج محمد علی آن محنون علم	کوچیب علایلو و حبیب ضفلا
زینده و راحد و راه بیان باز	کدکه جویدر بود فرید و ریکتا
علم علم و سپه دریغ و قرار	قلم علم و سعاد علی و کنون سخنا
انکه علم انتی داشت بدرین باید	انکه دین بنوی داشت باوز قهبا
	باقمکی

بر کوشنه سمارسد از دی صدای علم	اکن دران زمبلکوش آید شن صدا	بغز و زب و زینت دهگاهی سرای علم	سلطان غند مفتح شاه آلان کوز
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
در او قرین بود با جایت دعای علم	در او مکین بود بیادت فتنه عقل	کو رای وی کفته بلندی هوای علم	دارای مادرای هم آینی کی دشان
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
کو نزهاد ران چو بالخشن جایم	چون زب حب و اپن تلیم اهلین	تاب غلک بلند طرحای لای اعلم	جیشید زرد کار کار محکم کی شده
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
بر بای شد ز لطف شدمین بنای	ناطق صفا و حسن راین مقعد داد گفت	کو حقن و بعد اوست شکوه هنای اعلم	سلطان چونکین ان شیران سید
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
هر بیت آن چهل دلن از قنای اعلم	هر هصرحی از این پی اقام او کو اه	قدرو کال و زینت دارچ و صفا ی اعلم	شاه ز من خذ بوران آن کزو بود
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
هر کس که از پان شو ش از عای	با این صفا و شعر یار کند پان	اصان فرج طب چن دلکشای اعلم	خر ملوك و زب همان آنکه دیره ز
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
دانشواران واقف وزیر از عای	بعز و رود اندشد بر لطف و نطق من	اذ امروی پیات بکو دون ندای اعلم	از نعم افتخار تزلیز مجسم جمل
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
تا بار علم و مد ک علم و بقای اعلم	باد ابقای دولت اقبال شد بهر	انحد او قزو و تون شمسایه اعلم	عقل و مقال او شده هنی غایی جو
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
کو وی بلند آمد کاخ و سری اعلم	در عهد پار شاه هم اقبال هم دشان	تابان بمحب رای وی آمد لقا ی اعلم	روشن بمحب رای وی آمد شکوه جاه
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
کو دید استوار و صوره بنای اعلم	سلطان خمید تخلی شاه آن کو	آمد بای رحمت وی رهای اعلم	آمد صفا ی مکوت وی عصای عدل
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
باد ادوی بیات بکی اولی اعلم	باد ادوی بیات بعالمستون دین	آباد شد ز محبت اوین بلے علم	بنیاد شد ز عاطفت اوقام امن
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
کو زای وی کفته بلندی هر چا	لطف همان و زیر همان میز اشیع	کو زی رسید بده بکی توای اعلم	شدن اعطای شاه بقی مدرسی بنا
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
کو بجز از است بینیج عای اعلم	غزرنمان و حید ز من زبده مهان	آید رون بمحب حب صدای اعلم	بادیب مدرسی و ز همچو سنج و
۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷	۱۲۱۷
		کنکو	اکن

صدر فلک نخشم ملک احقر آمده  
 ۱۲۱۷  
 اذار ج ماه و حصر در خل سر برآمده  
 ۱۲۱۸  
 کو قدر بای سپه بین هشتر آمده  
 ۱۲۱۹  
 شجاع بد هر چنانکی دیگر آمده  
 ۱۲۲۰  
 آشی به از تا و بیه اذ کو ت آمده  
 ۱۲۲۱  
 کن محن از جه رو رضان بخواهد  
 ۱۲۲۲  
 عقل طبل قاصر حشم اضر آمده  
 ۱۲۲۳  
 مسکن کبنت موسی بن حضر آمده  
 ۱۲۲۴  
 بودی شفاذ ناطه و خدید آمده  
 ۱۲۲۵  
 از قدر صدق حور و برجی چا کو آمده  
 ۱۲۲۶  
 باطلان مذهب حق یار آمده  
 ۱۲۲۷  
 کفاه و حصر رای نکوش اوزر آمده  
 ۱۲۲۸  
 نامن حمیت از پیره و مادر آمده  
 ۱۲۲۹  
 کن خود حق بخلید سل محتر آمده  
 ۱۲۳۰  
 ۱۲۳۱

این خدمرا اچ ایچ کیما ارتقای آن هم  
 ۱۲۳۱  
 وین قبه راست حای نبا کیپایه ش  
 ۱۲۳۲  
 وین قبه رینه دخاخانه خلنده خدن  
 ۱۲۳۳  
 وین قبه رینه زهیں نفت خلیه  
 ۱۲۳۴  
 وین بخن به رضی خاتم خلیک  
 ۱۲۳۵  
 ارزلسو الکرم و کفتم هر بکو  
 ۱۲۳۶  
 دل در عجب کفت کائیک در لین سل  
 ۱۲۳۷  
 هبتو بود خشن و علو از جهان دران  
 ۱۲۳۸  
 زهار غافن خدید بخت موسی آنک  
 ۱۲۳۹  
 معصومه کدر و ره ایوان اقدش  
 ۱۲۴۰  
 شهر اداد که در مسلوب شن اعطا  
 ۱۲۴۱  
 مخد ومه مکنیه آن بخ اوج دین  
 ۱۲۴۲  
 حبد آمده رسی جو وحدت اش بیول  
 ۱۲۴۳  
 بک خبار بینی شرف کل کاینات  
 ۱۲۴۴

آذیک برای عنت و آن بلک برای علم  
 ۱۲۴۵  
 کز آن سوی سپه روان شد صدای علم  
 ۱۲۴۶  
 شد در جهان تعالیان بهمنای علم  
 ۱۲۴۷  
 جسته جاده ران کردان باد جای علم  
 ۱۲۴۸  
 آمد بینیان آصف ناق سری علم  
 ۱۲۴۹  
 هربیت آن پو علم دوان از قیای علم  
 ۱۲۵۰  
 کن بعد شاد بجات سیا و بقای علم  
 ۱۲۵۱  
 هزار دو دیت و هبده محبت خاندان بقی خواب راحت نفتح تفتحی المفات شاه  
 ۱۲۵۲  
 اثنا بیت افریدن تغییض قصیده بجهت زرانه و کند معصومه این قصیده  
 ۱۲۵۳  
 سلطان قصیده محجزه است سلام الله الرحمن الرحيم باسم موجود کیم شص و بیت  
 ۱۲۵۴  
 پیصد و بیت و حجا و صلح  
 ۱۲۵۵  
 ابن مدد کلین ایت بزیور برآمده  
 ۱۲۵۶  
 یا کوک بابت سعد و منور برآمده  
 ۱۲۵۷  
 یانز حق کبره ایشاد برآمده  
 ۱۲۵۸  
 انقره

شهبان و بک هم برو هم شهپر آمده  
 ۱۲۵۹  
 اوینک و ملک را لفک سر برآمده  
 ۱۲۶۰  
 کزا و کال و قدر هرس کشور آمده  
 ۱۲۶۱  
 هرشاه بوده بنده فرمابن برآمده  
 ۱۲۶۲  
 کرای و رای و سخن و اسکن آمده  
 ۱۲۶۳  
 از طرف روم زای او قیصو آمده  
 ۱۲۶۴  
 نو شیروان زود در ران از سلامه  
 ۱۲۶۵  
 هر بنده صد ملکش و صد سخن آمده  
 ۱۲۶۶  
 هم آن سبز ران ز عطاسه بور آمده  
 ۱۲۶۷  
 تا مدل شاه صاحب دم و برآمده  
 ۱۲۶۸  
 آهولیس حارسین شیر ز آمده  
 ۱۲۶۹  
 از الجیش هژون سپه و لشکر آمده  
 ۱۲۷۰  
 سینا بچک کا پیه و کاه از در آمده  
 ۱۲۷۱  
 مصل از بای شاه هی افسر آمده  
 ۱۲۷۲

آن باد شاه کن اثر عدل و داد و  
 ۱۲۷۳  
 آن هنرمن زین کباب و ج فدم اور  
 ۱۲۷۴  
 کشور کشاپی عالم و زین ملوك  
 ۱۲۷۵  
 خواندی هی که نزد دیکن بنده سر ایش  
 ۱۲۷۶  
 عبد و مطلع و بنده و خطا بشن ز  
 ۱۲۷۷  
 خان برای بندکی او زملک چیز  
 ۱۲۷۸  
 اند بی بود بدر در بار عدل وی  
 ۱۲۷۹  
 دی راه از بنده بود کشکه و شان  
 ۱۲۸۰  
 هم آن بدار و ران نیز آمده کفیل  
 ۱۲۸۱  
 تامن شاه آمده دار عملک و دین  
 ۱۲۸۲  
 تیهو طلبی و مودن باز جی شده  
 ۱۲۸۳  
 از عالمش بیون صفت میدان خوکاه  
 ۱۲۸۴  
 روح و حمام آن شد در میان بکا و بوب  
 ۱۲۸۵  
 اخیم سپاه ماه رکاب و دلک خیا م  
 ۱۲۸۶

در روز بیک صفت و نام آر آمده  
 ۱۲۸۷  
 موکای عاصیان و شه محت آمده  
 ۱۲۸۸  
 دین داور در حرم حل و رهی پرور  
 ۱۲۸۹  
 عکس زیور اوست بدنی بی آمده  
 ۱۲۹۰  
 احسان و عدل و مجد و سخا بی آمده  
 ۱۲۹۱  
 نه مثل جد عالی آن صفت و نامه  
 ۱۲۹۲  
 بزر ایزین بخ و کرم ره بی آمده  
 ۱۲۹۳  
 پشت فلک بجهه او و جنی بآرد  
 ۱۲۹۴  
 حاجت هر ایله بوده از این در آمد  
 ۱۲۹۵  
 و نعرش بزمین پی بکدیک آمده  
 ۱۲۹۶  
 فوج ملک رشیف دادم کس و پ  
 ۱۲۹۷  
 بکان بخ های زایران اوست  
 ۱۲۹۸  
 گرم بد لخطاب کاین مه چنی  
 ۱۲۹۹  
 که از لطف مخفیل یار و آمده  
 ۱۳۰۰  
 سلطان ملک و کلین حار ز برآمده  
 ۱۳۰۱  
 آن کزا و  
 ۱۳۰۲

تام اصف آمده و احمد آمده  
۱۲۱۸  
از مشق احمد ذهن اصف آمده  
۱۲۱۸

تام زکی آمده و لاله در بنان  
۱۲۱۸  
چه مولای شد روی عدوی شاه  
۱۲۱۸

وابی و لاکر آن کان اهانت بخوا  
۱۲۱۹  
و لکر اشیدن بیدر در عالم از عن  
۱۲۱۹  
در زمین از یعنی ایشان در دیریه کلا  
۱۲۱۹  
معدن حسن و عطا آن سایه لطف خد  
۱۲۱۹  
در ره اسلام و راه لطف این پلادنیا  
۱۲۱۹  
حاجه ایان در گلک باشد را بدان  
۱۲۱۹  
از صفا و زندگی هر کی که برویه  
۱۲۱۹  
اسخایی ولی و لا شده این پلادنیا  
۱۲۱۹  
آن بوده ایشان آن دک اذانها  
۱۲۱۹  
در لش چاوید و غریبه های قصای  
۱۲۱۹  
**هزار رویت در زده** شیخ دشاب چرخ مشعبه خوفده سیز نیمایی

بخار الطاف و بجان بیدامان الشخان  
۱۲۱۸  
اکن باشد همچو جبد در دهراز طبله  
۱۲۱۸  
در زمین انطم او بادن بدم لوزی  
۱۲۱۸  
سایه لطف خدا آن منبع اعطاق من  
۱۲۱۸  
که از ایان طرف خدا آنی و لکه زاد  
۱۲۱۸  
آن فرشش از آب جان و رایسبی  
۱۲۱۸  
قصه کوتاه چون میان پلشان والج  
۱۲۱۸  
قطعه اور دناتل از لال طبع و گفت  
۱۲۱۸  
هر یکی مصراج این تقطعه بای مان  
۱۲۱۸  
بادن اکنی ایان دلی دهش  
۱۲۱۸  
**هزار رویت در زده** شیخ دشاب چرخ مشعبه خوفده سیز نیمایی

شمشیر بزم و مخلب و میدان و طبله  
۱۲۱۸  
از حصار بینم و لی آمده صیبا  
۱۲۱۸  
هر روز نهنجا کان داور زمان  
۱۲۱۸  
در بخود و برج عطاطم و بید فشن  
۱۲۱۸  
دو ران حمال و مجلس دی راجه بیرون  
۱۲۱۸  
نه به زوجی بزین طلک بوده است  
۱۲۱۸  
اب قده زین بزین مشهد و لاتارید  
۱۲۱۸  
چون فتحه بین و زین بزرد اد هم  
۱۲۱۸  
کو آن دهان نکن بر ایان شکل آمده  
۱۲۱۸  
کو مین آن بد مر من جوه آمده را  
۱۲۱۸  
ماشد حسن رویی بتاک دلب آمده  
۱۲۱۸  
هر بیت آن در ماه بیکی بیک آمده  
۱۲۱۸  
هر بیک عیان چو ماہ بای دنرا آمد  
۱۲۱۸  
پداد عای شاه عطا ایشان آمد  
۱۲۱۸  
ناظم بکر عاکبر ایات طبع و معقل  
۱۲۱۸  
تم

شانزده مرصع همه زیارت چون که  
۱۲۲۰

فرسال این بنا هستند بیک بیک کو  
۱۲۲۰

ماه برج ملک داشت که در برج عطا  
۱۲۲۰  
آید ایان بند دو اصف بن بجنا  
۱۲۲۰  
جاه او بان در این عالی بناشد ایشان  
۱۲۲۰  
داد این میون بیان از دین و عصای  
۱۲۲۰  
بسنے لطف از این ناعبد ایان  
۱۲۲۰  
لمسیال این بنا هستند بیک بیک  
۱۲۲۰

بین ایجاد همان فهم و اوصاف ایک  
۱۲۲۰  
اصف با خل و اذن ایک از قدر و کمال  
۱۲۲۰  
بودی سایع راین میون سراسار  
۱۲۲۰  
میر ایعبد الله آن خزندگه رایی ایاد  
۱۲۲۰  
رزار الطاف و معنای ایان پی سالش قم  
۱۲۲۰  
بیک مصراج این تقطعه چون ای شاهد  
۱۲۲۰

پاده قفل در روضه رضوان این  
۱۲۲۰  
قفل در کنجه شاهد ناطق  
۱۲۲۰

قفل در کنجه ایا ایشان  
۱۲۲۰  
شد و قلت و باریخ رق زدن ای  
۱۲۲۰

هین کلید کفتشن دام آین ایت  
کلید قلاد روضه شده دین ایت  
چو دقت شدی تا وچ ز در نم ناطق  
۱۲۲۰

کلید کفتشن دام آین ایت  
کلید کج سعادت بیان ایت  
جاده این مکن باندیش و دیش  
۱۲۲۰

تفل در روضه حسین این علیست  
۱۲۱۹  
شد و قلت و باریخ رق زدن ای  
۱۲۱۹

زهی کلید کفتاح کت تکین ایت  
چو و قلت کت باریخ زدن رق ناطق  
کلید قلت در کنچ علیها این ایت  
هزار رویت **تفا** لی شام غایقیل  
مشکل کرخ ملطف مجده هفتمان  
بیک بیان بیک ناید المدح کافان  
قدره اهلی روت محمد ایان بقیان  
انک باشد در ایاعت زیده اهلی زمان  
کوپی طاعت شویند اصحاب دین بقیان  
ناکند مکن در ایان حجان با مومن  
نمایی و چه آن بادان بزای هر چیان  
شد مقام اهل تحریر شد مقام اهل  
چون نیسی ایان دامد حنین بنا کت  
ندر قم ناطق بیان این بنا ایک صدق  
۱۲۲۰

هزار دریت و پیش رویک **ظلو** بیل قاضی بحق شفیع روز محشر شکننار کاغ  
لار در دیت و پیش رویک **مخنید** مت آثاران **هزار** بیکانه استخفاف بحال افاط  
صریح مقدس درخت طوبای داور هفت کشور **هزار دریت پیش رویک** **الذکر** **العنین**  
غاز غصنه شاه حمزه اذکر عزیب فیضه تمام تاریخ است

اینجیریکانه و فی منهای علم	از خبر جود و هشت آمد فناه
۱۲۲۳	۱۲۲۳
از اسم وی فروند تر فرع سمای علم	از رسیم وی مهور تر سایی طو
۱۲۲۳	۱۲۲۳
آمادا ز وسالت وی شد سرای علم	بنیاد از اهات وی خند خام هشم
۱۲۲۳	۱۲۲۳
باشد بیان مکوت وی ولای علم	باشد بیان مرحمت وی باهاط
۱۲۲۳	۱۲۲۳
از هشت رواج خزوده بهای علم	از دو لش دواج خوده های نک
۱۲۲۳	۱۲۲۳
از ماه حسن او شده تابان لقای علم	از راه می اوشده و بیان طای نک
۱۲۲۳	۱۲۲۳
از لطف بی پسندید و لان شای علم	از حکم بی بلند بکانه لاقی فعل
۱۲۲۳	۱۲۲۳
ایجاد از مروت دی شمع عطای علم	بر ابد از جت برش و شد وای جور
۱۲۲۳	۱۲۲۳
رو شاد آب شنچ دلکای علم	زور بی باب شد وی خان طریج
۱۲۲۳	۱۲۲۳
اسم دکال دی شنه نزهت فرای علم	رسم و مطلع دی شده بجهای جم
۱۲۲۳	۱۲۲۳
فرودس باز مدرسہ از جای علم	آین آن محظله کاشان سپا هزاد
۱۲۲۳	۱۲۲۳
ارباب علم راهه در سرهای علم	ب شبه مدربی کفتانه رای آن
۱۲۲۳	۱۲۲۳
تا طالبان کنند خشیم پایی علم	شمار عطا و هفت آن مدربی پای
۱۲۲۳	۱۲۲۳
بهر چون ان تدبیه دیوران سرای علم	قصی صراحت علم زهت بنا نمود
۱۲۲۳	۱۲۲۳

از سو شاه ده بنا شد بنای علم	از دیگری زنی زنی ای و سرای علم
۱۲۲۳	۱۲۲۳
نین ملک بفتح علی شاه عادل آن	ق عدل دی بده برشاد بعای علم
۱۲۲۳	۱۲۲۳
قا آن عالم آنکه سده زاه هتم آن	لاجع رسوم ملت بربا لایی علم
۱۲۲۳	۱۲۲۳
دار اعطیت که بیمه مسکن دی	محکم حکم و بار برشند بسایی علم
۱۲۲۳	۱۲۲۳
شا بهی بکرد و هست زرق بجالا و شی	وقوف طالب کشود دین و علای علم
۱۲۲۳	۱۲۲۳
چ بانک که هست ملام اهل علم را	سبیع دعای شوک اومد عای علم
۱۲۲۳	۱۲۲۳
طريقای شاهی آن شاه داد کار	هردم رسیده بی احباب دعای علم
۱۲۲۳	۱۲۲۳
اذعن حق شناسی آن شاه داد کر	بیکان ده رشدند اشنای علم
۱۲۲۳	۱۲۲۳
چخون های هشت آن داور شیان	کشید بال دریه حاب هایی علم
۱۲۲۳	۱۲۲۳
(آخر)	

هزار دریت بیت روحان احر عظیم شفیع و عزیمت تو پیغی خوبین خیار نازه  
شیفت هر قوید **هزار دریت پیش پیش** اجراعیم و قضی بینم بالوسط للغات  
خانچه بیت در خانه شاه جهان نعمت خداوه دلخواهی هزار دریت و پیش پیش  
فرصیه بیکانه حنچ هر دو دهه اجراعیم بید رین که ارضی دریخ و آن دریخ  
ذاکر اباعبد الله الحسین بستان بیت خدا هکار ارشما میون منم دیشانه دهه  
انه هکیه و بیکار از این محسن

انجور روز کار خانه ای بوزیان	۱۲۲۴
انه هکیه و بیکار از این محسن	۱۲۲۴
انزور و جبله بازی دوران فشنه	۱۲۲۴
خرمین و حیدر زمان بند و مرن	۱۲۲۴
قدرت قید الکری اصحاب الملف	۱۲۲۴
اسوس نالد رفت رامی زالجی	۱۲۲۴
رو هش کشوده از این قید بیک	۱۲۲۴
احراب از این ملات کبرای دل شک	۱۲۲۴
از رده حالت و هم رونبه سند	۱۲۲۴
در پیش جد های و اهد سند شد	۱۲۲۴

جعد  
در خوان چهود ادھم از اصلای علم  
در آن زمین بکهه علم الکبر در ده  
بر لامکان شود زمکنیت عطا چند  
چون هر شب دیای شاهی احباب ای علم  
ناطق که زکد بای مسخه داده  
کلم کمال اولم اند هجان حلبی  
کود مدد طلبی علی بر جان کد  
از لطف و اذکار مهمنای دین  
دیدم صفا بسیط شر احبابی علم  
شعر چون بکه زد ای زین همچو  
بیز و رود ایش اند بیطی من  
مصلح هر کدام رساله بناشان  
تادر میانه صرف دیده بای مکن  
لایق بود بدولت لفقالشندیده  
هزار دریت

اکد ریعیش انصافاً آمد حجان رایی هم  
۱۲۷

از کمال عالی او دنکا شد رایی عالم  
۱۲۷

جلوه دید از افسر تارک ولایتی علم  
۱۲۷

کود طبع عالی و قی در حمان اشتایی  
۱۲۷

شد بدلدا و از از ارشاد بعله اولایی  
۱۲۷

فرمیجیان زوی دسط ملت رسایع علم  
۱۲۷

باشد اهل هم رایی دسترس وای علم  
۱۲۷

حصیران تابان بیرون از الطاف و سیکام  
۱۲۷

ارمنی بد در برابر بایل ای رایی عالم  
۱۲۷

مشینان باجاون و بادل میکنند اذنی  
۱۲۷

ان علم صورت و عی مده معنا یک علم  
۱۲۷

هم بور کربای خیز هم بور جویای هم  
۱۲۷

ب دست جمله ایم بان آتم باید هم  
۱۲۷

اینچنان بکشود از قبوله عکای  
۱۲۷

الله طبع من مطبعة مدارج افرازی جان  
۱۲۲۷

از جای اش که اوصاف شدیده مصلح  
۱۲۲۶

پایه دیدار که هر چند در آینه شمع  
۱۲۲۵

کودست مطلع بود در جهان افزایی  
۱۲۲۴

مشتی فرج افزای اوضاع فرج افزایی بین  
۱۲۲۳

ادوچ عی آید زنی در رفت عالم بین  
۱۲۲۲

چون که در بار اعلم آمد زنی تدریس رواج  
۱۲۲۱

ناهنجا با احمد ططف و جوه احمد دعیان  
۱۲۲۰

کنی شدیدار اوصاف طبع ای رای ای مصلح  
۱۲۱۹

ان پی اوصاف ایوب ابدیان قضایا  
۱۲۱۸

از رسوم هفت رجب آمده اشایی نیک  
۱۲۱۷

هم بند خامی عده و هم بود حامی قصیل  
۱۲۱۶

علم او بر سنت کاه درس چون بهادر با  
شدن علی اند و ده انتظیل ای در رهای  
جمل  
۱۲۱۵

سیچان چورت آن بمحض فنا	اهنگ خلد کو چد بن عالم کن
۱۲۲۶	۱۲۲۴
ناطق که ریگل سبدی سخنی دارد و گفت	در خلد با چین و در میل حسن
۱۲۲۴	۱۲۲۶
ماه محتم و در دیعنی نیم سوی خلد	شنداد با چین علی میرزا صن
۱۲۲۶	۱۲۲۴
هر روز بی چارا پ سال هفت از	بن صمد بیک پ بعد میکنیست
۱۲۲۶	۱۲۲۶
حسیند بجهات قبیح صدین	ماری خلد کو بین دهن حسین
۱۲۲۶	۱۲۲۶
هزار و هشت بیت و هشت	آن بیک هر چند قدر العلم بیک خدا مصبا کنی جوی
هزار کا هدایت شلفت مقصوم نجف العالیب حواره افاظ ای بوقندیل	باقی ای
دور دار ای کز رو شیاه افرا رای علم	انگان لطفش تو در های عالم ای اعلم
۱۲۲۷	۱۲۲۷
بلد اهل جان تخلیع شاه آنکه روی	صیکند پی سه استعلو را قوای علم
۱۲۲۷	۱۲۲۷
محمد دار ای کز رو شدم افرا رای علم	آنکه شدن الطاف و همه عالمی ای اعلم
۱۲۲۷	۱۲۲۷
هم یکین تختی ای احمد ای ایام	کو کلید لطفش تو بکش و مدد کن
۱۲۲۷	۱۲۲۷
در زمان شاه تاجاران آنکه ای ایام	مید دلمنه چه چینده ای فرمای اعلم
۱۲۲۷	۱۲۲۷
انگه رای او نویه نوچان آی ای عرف	والکه روی آن بود موهک فرسای اعلم
۱۲۲۷	۱۲۲۷

٦

از هرایی زنیب و داب حلوه عذرایی علم  
 ۱۲۲۶  
 مدریس استان با محل سعدی پادایی علم  
 ۱۲۲۷  
 تاکد باریط اهل علم را اهدایی علم  
 ۱۲۲۸  
 جای احسان جای ترقان جای طاعت  
 ۱۲۲۹  
 آنکه دران جای کرد از غلشنده و لذتی علم  
 ۱۲۳۰  
 در سه میل سکون و دست از هرایی علم  
 ۱۲۳۱  
 مید هد هر روز و شاهنگ در اوایی علم  
 ۱۲۳۲  
 خنکو زیرده هر گز دینه بینایی علم  
 ۱۲۳۳  
 کوپیا بود او استادش و اقتنی بینایی علم  
 ۱۲۳۴  
 کسوی ناز احسان او کندمه بالایی علم  
 ۱۲۳۵  
 خبره کی آدمیکی شارخی که هر زایی علم  
 ۱۲۳۶  
 هشت صور اع و ایک لوح لعلایی علم  
 ۱۲۳۷  
 دارالاصلان شدید بیانی اعلم بیچال بیانی عصر  
 ۱۲۳۸  
 عقر عادل در الدال اجهج حسنایی علم  
 ۱۲۳۹

از درین مده بگشته والدجه و امنه  
۱۲۲۶ باشد آن در سرگی بان درین بان در جلد  
۱۲۲۷ کوداین بدر سر محکم مکان هلاسید  
۱۲۲۸ جای ایمان جای عربان جای حکم جای ایمان قتل  
۱۲۲۹ اکبران که راه نهاد شدجیا پنسم  
۱۲۳۰ سکنیه ایکبر بهم چهیده او را استاد  
۱۲۳۱ اکبر مکوید دران آهنگ تکیر عاز  
۱۲۳۲ نهضاده زین بنای حقیقت درین  
۱۲۳۳ شنبنا و اهل حلم و علی ان را واقع شدند  
۱۲۳۴ دارالاحسانی میباشد که بنای از ل  
۱۲۳۵ باشکوه از بس اسان سان پنجاه بیت  
۱۲۳۶ هت یک صلح ایک و که برای ای زینب  
۱۲۳۷ خرسال این بنای طوفان طلقی روز رقم  
۱۲۳۸ تاکند مشاکل اینه زور رضایی عد ل  
۱۲۳۹

از لب حاجیت چهیدا و کند ایجاد طف	در زمان این شاه با عدل درین کاره	وزنک در پاش چو دشنه یکند اصای علم
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
زیور در باید متعال آن الله حان	نبده او که حضرت آنکه الزلف و کا	آمده زینت مکلار طرب افزایی علم
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
نا بر لطف عام ری اندرستینج	چشمها	آنکه سورت دیلز اعماق وی معنای علم
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
درستنج مسجدی که دیده از سعیش نا	۱۲۲۷	امهیین راصکند همان زان غایی علم
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
مسجدی خردی که دیده از سعیش نا	۱۲۲۷	وامده هر چیز چارچویک در ریای علم
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
مسجدی خودی آن جای شکان چایم	آنکه سعیش	مسجدی بازیب تراز مسجدی اخلاصی علم
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
مسجدی بازیب تراز مسجدی اخلاصی علم	آنکه سعیش	شد بناینی ادین باخت العملی علم
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
مسجدی بازیب تراز مسجدی اخلاصی علم	آنکه سعیش	آمده هر قطه ازان یک دز در ریای علم
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
مسجدی چون سینه داده بست چکام	آن صاف و لکش بنی کویی از من و معا	مسجدی چون سینه داده بست چکام
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
حبلک از رب عوان واله شیدای علم	۱۲۲۷	مسجدی چون سینه داده بست چکام
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
حبلک از رب عوان واله شیدای علم	۱۲۲۷	این بود صنعتان در مددان بود رسای علم
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
حبلک از رب عوان واله شیدای علم	۱۲۲۷	آن شده محبت کام واب شده سهای علم
۱۲۲۷	۱۲۲۷	۱۲۲۷
باقع آمده در فتنک طبل قسم	۱۲۲۷	اندیز

حای حیدری عز در جای فضل و جای علم  
۱۲۲۷

کل رادر عده ای کل انجیل آمد شبان  
۱۲۲۷  
سینکن دوزد ره هان عز کار زان  
۱۲۲۷  
طبیعت ایمان بعلم صد هر ره زمان  
۱۲۲۷  
شدز رویی مدری سی واقع علی ای ره لان  
۱۲۲۷  
نا مش آمد در عطاء عدل و آینه ای ای  
۱۲۲۷  
شاه بار اوج غر و جاه امان اندھا  
۱۲۲۷  
قیام عبود هفت عالی اعلی مکان  
۱۲۲۷  
آنکه ز الطاف از آن آمدید و لش قیام  
۱۲۲۷  
شدم مخاطل ایل ایل ایل ایل ایل ایل  
۱۲۲۷  
چون که باشد در عدالت زندگان کل جهان  
۹  
مسجدی پیغمبر و رسول کعبه مشهور  
۱۲۲۷  
محمدی کامد صفا با او فرزند بر از جهان  
۱۲۲۷  
و هم چه عده اهل بیت علی دان کام  
۱۲۲۷  
ناده داده ایل بیرون و مل متعان  
۱۲۲۷

کل رادر عده ای کل انجیل آمد رفیق  
۱۲۲۷  
تاد عالم سهم او زد کام قطاع طریق  
۱۲۲۷  
در زمان ایچین سما که کذان اند هرین  
۱۲۲۷  
حمد که تایید را می اراد و متعان  
۱۲۲۷  
عده ایلا حضر ایکانه و مسلو  
۱۲۲۷  
سبح جود سخوار مالک برو عطا  
۱۲۲۷  
اسوان عن قوشک ولی و لا معاً م  
۱۲۲۷  
آنکه اعطاف الدامد بخت هم دشی  
۱۲۲۷  
تاجمل ایل ایل والی شیاز زیب و جلال  
۱۲۲۷  
چون که باشد در عدالت هادی اهل میر  
۱۲۲۷  
از برای حسن طامت مسجدی بیدار که د  
۱۲۲۷  
مسجدی کامد علی او نکوت از حرم  
۱۲۲۷  
و هم چه عده اهل بیت علی دان کامیار  
۱۲۲۷  
دارالاصلان شدزاد اصلان وا حا مش هن  
۱۲۲۷

باشد ایل سلطان سلاطین زنان  
۱۲۲۷  
وقریب های دی خانه با اینی فرمان  
۱۲۲۷  
دارن آینی جان ایچن هشت جاده ای  
۱۲۲۷  
نایب دولت بست مهدی صاحب مان  
۱۲۲۷  
آنکه ایشان صفا آمد غمیم ای دل  
۱۲۲۷  
ولانکه ای لطف کرم آمد که خدش کان  
۱۲۲۷  
وان عطا بپرورد عطا گئی که ای الطاف حق  
۱۲۲۷  
صاہب حجود سخا و هم ایل بعد و ای د  
۱۲۲۷  
اسوان جاه کاند رفیق اعطای وی  
۱۲۲۷  
آمد ای عن ایل ای لطف و مرتبت هم قران  
۱۲۲۷  
آمد ای عصی علی ایل حجود و حفت هم قران  
۱۲۲۷  
امده ایل ایل بیفت هجری زانی عیات  
۱۲۲۷  
وان بیاد عدل آمد بیش از نینین روان  
۱۲۲۷  
بکر

خان سیمان خرد بندجاه چخ و بزوره نم هزار دویت و می  
شاه میا خز کاه غربال بلغا هزار دویت و می هجر  
من لا خیز فیبه هزار دویت پیش تخت صدر و دُر التلم دِر غال هزار دویت و می هجر  
غزال در فرع کو آه از بیکه هزار دویت و می هجر  
هزار دویت و می هجر بعنود بطور سایه و لایه مدنون نظام ایوز هزار دویت و می هجر  
ذل المخلق ای عقول طغل چوغز حبسته مقال هزار دویت و می هجر  
رغم غر غرم تزلیق تغییف هزار دویت پیش هجر غر غرم علام ایع مغار مارع  
خنوار رحمات هزار دویت و می هجر غرب ایلقار دیختن ای ای داع ایتم ایخان هزار  
دویت و می هجر نی شاه منکان دیختن هر غاب مغارب طرابع خرج هزار دویت و می هجر  
چهار دیغ غر در غم در غم داغ ایم چخان خارج هزار دویت و می هجر مل علیه مل علیه  
خدرا ده هیئت هزار دویت و می هجر غافره مل علیه معابر هزار دویت و می هجر هشت  
روشیه بکوه و اصیلا غریله هر غنیز ایستن مصنایع هزار دویت و می هجر هشت  
میوب ای ایه خیزی بایصیون ایتاب و جو سلطنت هزار دویت و می هجر هشت  
مضجعات دغد دای سوچن جشم حبسته مقام هزار دویت پیش ریخ ریخ تیخو ریخه میخ

زیبین کاخ کو رو لطف و زوجن کلام  
۱۲۲۷  
بان آمده به از بیخ دلبر لا له  
۱۲۲۷  
بات از عین ایل زیب جان طلاق  
۱۲۲۷  
پی ایل قلعه و موصع دکر کریسا  
۱۲۲۷  
دیکش آمده ایل کاخ جود ایمان حرم  
۱۲۲۷  
حیل ای ایات که کو بید و دیری صفرید بد  
۱۲۲۷  
کریا ایل دینه و دکشند زیان  
۱۲۲۷  
زیشنه ایل بیب آمده ایل زل ایل  
۱۲۲۷  
مرده ای زنده که آی للافن ذکر  
۱۲۲۷  
این مکان بادو شهاد سکون باد مر  
۱۲۲۷  
هزار دویت و می هجر در خلد بالا کخن آسود ای ایخن میخیچ جیع کالات خیم ایام  
۱۲۲۷  
ماره حقن حکت دو الفقار علی هزار دویت و می هجر ضناحت ضناحت مفتاح  
هزار دویت و می هجر کجیت تخفی خیبدون فرج هزار دویت و می هجر بیل  
۱۲۲۷  
لاغر ایل آدر کش صالت درخت طوب شهد بمحض هیل لسین هزار دویت و می هجر

- مدرسي خداوندان مسجد بنان احسان که  
 ۱۲۲۷  
 اندرهاین مدرسه کز بیان اهل علم اقام  
 ۱۲۲۷  
 چون رسمی باشی و از امداد حنفی دینار کشت  
 ۱۲۲۷  
 پهلوان بنای طرفه ناطق ز درست  
 ۱۲۲۷  
 با تأثیر اپی سال بنا این چند بیت  
 ۱۲۲۷  
 هر سی هزار سکونتی ریس اذانت  
 ۱۲۲۷  
 هرسال این بنای استدیل در یک کوه  
 ۱۲۲۷  
 دلاشوار این کله سه اور مسماطی کله  
 ۱۲۲۷
- در زمان شاه محمد سلطان کسری مجلس  
 در زمان شاه محمد سلطان کسری اعلام  
 ۱۲۲۷  
 شه محل این سبیعه عدل آین  
 ۱۲۲۷  
 سید جم سیور راهب کرد و مسند  
 ۱۲۲۷  
 چه نکن فتحی شاه که با پایه عدل  
 ۱۲۲۷  
 ملک داد کو رسرو در کاه ذهن قات  
 ۱۲۲۷
- انجاندار حجا کنکر شده و مالک در  
 ۱۲۳۷  
 کر شده دهد بور شعبان آبادان  
 ۱۲۲۷  
 در ادب

- هدایت ادب سخا آمده تا آن زمین  
 ۱۲۲۷  
 از پی طاعت وی اهل سما کده دعا  
 ۱۲۲۷  
 آمد از از مقامات ای اقبال بچکت  
 ۱۲۲۷  
 در حال آنده وی زیب خوشی ز من  
 ۱۲۲۷  
 ز خل اندده او خوش ملاطین همان  
 ۱۲۲۷  
 دور این شاه سکونتی کی بینا د  
 ۱۲۲۷  
 پادشاهزاده محمد تقی آن عالم عدل  
 ۱۲۲۷  
 که بدل و بدل اشمه بود در درون  
 ۱۲۲۷  
 که بود آن که بی پاک را صلب خانه  
 ۱۲۲۷  
 وانکه در ده بدلش شردو مردی  
 ۱۲۲۷  
 در صفحه بود خان آن صد بجی  
 ۱۲۲۷  
 هر چیزی عطا احیل دعائی از دل  
 ۱۲۲۷  
 آن کل کلش بود آن شه اور نک عطا  
 ۱۲۲۷  
 باشی دولت او که بی وقار بنا عی  
 ۱۲۲۷  
 حرم آرایی بنا بی که ماست دش  
 ۱۲۲۷  
 ارم آن رسانی که بنای ز علو  
 ۱۲۲۷

معموق و قبن هزار و دویت شسته زیان استخاره و اینها واقعیت تجربه هزار و دویت  
**هشت** عزیزان خواستار تبارک شانه الله اکبر هزار و دویت شصت هشت  
 دعا اما علیکم بجهنمه هزار و دویت و هفتاد نصیل نخیر خوبی سراغون  
 هزار و دویت و هفتاد که بلطف تعالیم شیخ اسلام نفای هزار و دویت و هفتاد  
 سریع انسان اختراع معرفه هزار و دویت هشتاد تضییع صبات خله حیات  
 پسر رضار رب المعلم آنکه لایل الطالب هزار و دویت هشتاد که اظفه مند جلیعه  
**هشتاد و هشت** هشتاد که خدا نیزی و اعلان کیم الی چشمون هزار و دویت و هشتاد  
 اعتصاد اسحاق رهول عزیله قصیع و صیعت معرفتین هزار و دویت و  
 هفتاد رفاه رضاعت و سخن ایلک الابان هزار و دویت و هشتاد  
 نویں اگرین مثل اصحاب احمد و ولی عین و فاطمه ام روزانه هشتاد  
 هشتاد و هشت هفتاد که عظیم کشی اعیانی هزار و دویت و هشتاد تاج صفوی عزیز  
 عزیز که بجهنمه تضییع هزار و دویت و هشتاد مامن رهنه ماضل خاکه مخان  
 تغایر خمارت رفاه غافر غفار ناسع نانع اخراج عزیز هزار و دویت و  
**هشتاد و هشت** مستوی المخلص اخراج اعیان از افراد افتخار احقر حزاده

هزار و دویت و بیجا و دیک کافم لر سب و قصون و خان عزیزان ارغن نقاد خواری  
 ولاست بخارا هزار و دویت و بیجا و دیک معرفت ایلقاری و افغان خور هزار و دویت و هشتاد  
 غیر ششیج قلاغزی بر لئناس رعطل منع آن هزار و دویت و بیجا و دیک  
 نصیل هیغان عنجار نماروع هزار و دویت و بیجا و دیک چلغان هفت بیامبر  
**هشت** هزار و دویت و بیجا و دیک تجزون روضن صهناش شنیانه هزار و دویت و بیجا و دیک  
 شانه اذاریش چند چند ارغن برداختن صلوان کیم هزار و دویت  
**بیجا و دهشت** رزاغن از غنایم ایوان خش پوش برآهیت شاه مهدیت پر  
 هزار و دویت و بیجا و دیک نفروج جهون عزیزه هزار و دویت و بیجا و دیک عزیز میزرت  
 و بجهنمه در عین ابوالظرف علیک نظریه مایسته و باسته هزار و دویت و هشتاد  
**کیم** عزیز عارس ساعت سراغ اسغز عزیزان هنارت سخاخ صلات  
 خلاج مخان هزار و دویت و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
 شصت و سه تیغیه بمعزنه راغبین غایبین هزار و دویت و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
 سریع دهن عزیزه محضت غندید استانب هزار و دویت و هشتاد و هشتاد  
 هارد و ماروت تجهیزه خدارس نخن هزار و دویت و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
 صوره

هزار و سیصد و هشتاد صدامت اخذ آتشی ق راش غذا ذرات هزار و سیصد و هشتاد  
 تقاضا شعب غلش احذا و اولک هم المانی اقبال خاری هزار و سیصد و هشتاد  
 عزیز بپرمان اسبیع بازخ مسخر ج هزار و سیصد و هشتاد و لائکن بن لائکن  
 کل هم دهم بسیطی ثابتات هزار و سیصد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
 غشه شده هزار و سیصد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
 هزار و سیصد و هشتاد  
 سارفع شوغا هزار و سیصد و هشتاد نادیم مسخرجه ببل باغ ادم هزار و سیصد و هشتاد  
 غلش خدا اند شراب خود مت و مواب شه بخارا پا عزیز هزار و سیصد و هشتاد  
 ذیم قلیعه خشت عزیز سیرخ دریت تنبیت تفضل مسخر عینی عزیز و عزل  
 هزار و سیصد و هشتاد  
 داریات تضییع استفاده اسماش مسنه ایشان مدن رهانه هزار و سیصد و هشتاد  
**سیزده** غارش ریک الدنی بانک منع خاقان ثانی هزار و سیصد و هشتاد  
 سارفعه صناعت چهاری هزار و سیصد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
 سیصد و هشتاد و هشتاد

**حباب**  
 اضطراف افاقت هزار و دویت هشتاد اضطراف تضییع صحبیت علیه دم لیبر  
**چهار**  
 آذربک هزار و دویت و هشتاد و متوجه عذاب در رفته شفاعتم هزار و سیصد و هشتاد  
**پنج**  
 آنها بایخیل شدید عزیزه هزار و دویت و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
 تضییع تعیین فراخه فروخت هزار و دویت هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
**هشت**  
 هزار و دویت و هشتاد  
 بازیع خطوط هزار و دویت و هشتاد  
 تضییع تغیر تغییر مخوبیت کلخ هزار و دویت و هشتاد و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
 ضامن صغار صغار صغار مردان غرائب سود هزار و دویت و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
 اصغر  
 دویت و هشتاد  
 مرشد و فقیر هزار و دویت و هشتاد  
 هیچی بعیت والیه تجهونه تقویین حنانه هزار و دویت و هشتاد و هشتاد و هشتاد  
 مریزن خلوت سر هزار و دویت و هشتاد  
**هزار و دویت** عجائب و سمات مرفقا عطایت الاحیاء عنای ترجیع و  
**هزار و دویت** عجائب و سمات مرفقا عطایت الاحیاء عنای ترجیع و

شاهزاده اعظم والعادیات صبحاً هزار سید و سقی حرب شدن بقیه هزار سید کار  
 شش خذول خروجن مراجعت آنچه آسان نکوت خزو ماک از قب آمد  
 هزار سید و سرمه هفت از وطن لغزن مناه کشور عدالت شاه شوشکار  
 هزار سید و سرمه هشت فتوی فیاضیاً عصیان جسته سیر به وطن هزار سید  
 سویه فنه نادخ هزار سید پیغمور تخلیخ نائلی دفترخانه حافظان  
 سیح و تعالیٰ غایث کون هزار سید چهل و پنجم دلیرک ابیاده به اعدا جذابش  
الصلی  
 غامش شام خود علما هزار سید چهل و شاعره اشکار ران اشیان  
 هزار سید و چهل و سه جباری شفیع المذهبین خلیل و خیز شاه کشورستان  
 هزار سید و چهل و پنج و شکوه الله الیه ترجون خروشید رسید هزار سید پنجه  
 ان آلهه بیاده تیری صیر عصده الدعله شاه معجم فوت هزار سید چهل و شش  
 شنوم ترجون هفت جوان فاریجین هزار سید چهل و هفت ماهده نند در طلاق  
 هشت ششم هزار سید و چهل و هشت ذک اکللت العزیزاً کریم هزار سید چهل و نه  
 اهل لیبرتی به لایوت بیده الخیر موغلت خلیش و اعظماً شاه هزار سید و چهار  
 میخت تتفق تتفق متفق عازی غافر شناخت صورت شاهزاده هزار سید  
 شاهزاده ایضاً متفق متفق شاهزاده هزار سید و چهل و پنجم  
 هزار سید عزیزی متراض معارضت هزار سید و سیمیث اشودنخ خذول خزو  
 هزار سید و زده فن شفیع مواینه فاسعد باش تصمیع و فیجع قادن شاه زده  
 شکنارند محمد هزار سید و سیمیث تفصیل فیک مقد مریز بانک تفیق متفق  
 شطیفه داد هزار سید و سیمیث متفاخر مفاخرت نخاط کوهر غلطان عکار اخوان  
 طایفع طرابیه یا من اخدا محیل بمحضن هزار سید و سیمیث مضاف کوکاره  
 دستارخانه ولاعنیم اجمعین لدعن باینه هزار سید و سیمیث و شیخیج عنده ال  
 هزار سید و سیمیث خان اصحاب المذهب فارغ بالی پادشاه هفت کوش هزار سید  
 پیغمور فتح طله فتح طله بمعنی هزار سید و سیمیث و مامتنا منهوب مفزع  
 هزار سید و سیمیث و هفت عیشک معارضت فیاث طالعده خلیه خوارد  
 وزار سید و سیمیث هشت منجزات راس العزله خوشید چهر داصله رب رصبا  
 شیخ الاسلام خدابن هزار سید و سیمیث خسنه سل خلیعی هزار سید و سیمیث  
 شغل مصغر منضمن و ضعف الكتاب هزار سید و سیمیث مضاف  
 رفاقت عفران شانل شغال هزار سید و سیمیث و در اقطا ولاپسانیا منهوب  
 هزار سید و سیمیث منع چن دین رخیز هزار سید و سیمیث همانند استیبان  
 شاهزاده ایضاً

هزار سید و سیمیث هفتاد و سیمیث طلسم شلم نظایل تخفیج آذر برین هزار سید و هفتاد  
 طلات نظام مسائل غلامش عطات هزار سید و هفتاد خاشعت افتخار  
 دوالحمد والثنا سراج الرضا اتعاظه هزار سید و هفتاد و خاشعات افتخار  
 کر کرامه جهان و عیون هزار سید و هفتاد و خاشعات ایضاً منظمه خلف ایضاً وهم روقد  
 مربکه شفیع راه هزار سید و هفتاد و هم آماده قبر و عماکار امذنین مشعل غریب  
 هزار سید و هفتاد و شیخ خارق عادت خذول مشغول ستایش هزار سید  
 هفتاد غارشک فرشک او بیسیع ما هاعن هزار سید و هفتاد و شیخ  
 ت الهازدا تبینه بینیک طهانا که هزار سید و هفتاد و هم ذرا القوة الدين هزار  
 سید و هفتاد شیخ تکیط طلسم قدری خذول هزار سید و هفتاد و هم غفاره الله له  
 خذلات عم خزند هزار سید و هفتاد و هم اذ اذ استذکار خوشیز جمع بیرونیه  
 هزار سید و هفتاد و هم کشی هاکلا لا تجده دالمک و الیه تجهیز خرویون  
 تکر ایما الله کبره هزار سید و هفتاد و هم سخاون پیشه تکن کون هزار سید  
 هفتاد پیش خذلات و هو المغنو الودود هزار سید و هفتاد و هم تکریزیه طلاق زیر  
 بنم از وطن هزار سید و هفتاد و هم فاعش بالغ شد و فرق صاحب هزار سید

بیجا و دیگر علی اینه بابت الفاق مواخذه افتخار استصولخ هزار سید  
 بیجا و دیگر باع خود رس اهیار ملکات هزار سید و بیجا و شویش  
 کل آن ارادتان لیطق هزار سید و بیجا و عقده عظیم المقدار اینس الغزیا قاصی احاجیه  
 هزار سید و بیجا و شاه معلم حشوت شویت غدر سه هزار سید و بیجا و  
 نذرات لا الہ الا الله العلی العلیم و ایامهم فتح ایریا هشت زین آنچه ازه شویش  
 هزار سید و بیجا و هشت نادیا مظلمه الیا ب دی احتجاج کا ظلین مریخ زندخوان  
 هزار سید و بیجا و هشت اش پوچن هزار سید و هشت و لیق ضعیت مندی و لانه بندی  
 هزار سید و هشت و هشت عزشنه غیان لخچ جا و بیان مندک من شه ماحلق هزار  
 سید و هشت و هشت و هشت ایلات استقاضا اسنا ر هزار سید و هشت و هشت و باشاده  
 صخوبین علم عنیه هزار سید و هشت  
 هزار سید و هشت  
 هزار سید و هشت و هشت طلاغه نام فغور خویش هزار سید و هشت و هشت و هشت  
 خواجه ناشان غاریقون حست جیع خجاله هزار سید و هشت و هشت و هشت و هشت  
 هشت و هم باد لعنت نیاندان حین معمور شدن دار الفوج تم بیم هورین ای  
 هزار سید

امدادن بادشاهه فریاد هزارچار صد شش و نفع عنت غیر قصور صورت ظلوك  
هزئیت هزارچار صد هشت دیاغت روضات ساقی باخیان هزارچار صد و هشت  
حرب خاتمه الحقین پلیقش قاذرات دخیل کوبه هزارچار صد و هشت  
حرب هزارچار صد و هشت متعن علت فعلم نظر نفع معدن احتصار  
مقدار تریخ هزارچار صد و هزاره اذیت سعن دختریز جقوت راجت تقاضا  
عایت عنط هزارچار صد و هزاره استفاض ارتیاط غنی من العالمین قصیر  
تفیخ خیب عنت تغیب هزارچار صد و هزاره خاص خاص تیزیخ محمل العذاب  
هزارچیل صد و هزاره ایتاب رخاه حیث ایتاب هزارچار صد و هزاره  
هزارچار صد شاهزاده پیغمراحت تدوین نویس طاعت و عذر هم صادر  
هزارچار صد شاهزاده پیغمراحت تدوین نویس طاعت و عذر هم صادر  
حلات الشیطان خیاد هزارچار صد و هزاره اصحاب ایتمهم احادیث  
نمیزین تغییه هزارچار صد و هزاره تغییه هزارچار صد و هزاره  
چار صد پیشیک تاکن کذاشت تعویه و اصبع ما و که عزیز هزارچار صد و  
کندشت ارتكاف ضریحه خود خاستین هزارچار صد پیشیک دشنه زین زین  
هزئیت لک در عراق کریم که ایل عراق بهزارچار صد پیشیک اوقیان الفرات دانسته بیک

هزارچار صد و هشت محفظ جنیل اذفال جنیل محبون هزارچار صد و هشت  
هزارچار صد و هشت حافظ احتفاظ صدقیق عروسان باغ  
دوستان امان هزارچار صد و هشت مفاضعه مفاضعه مفاضعه مفاضعه  
سید و نور و دل استفاض انتظام و اغتشیل لما جعلنا امن الکار و عرب از ابا  
هزارچار صد و هشت ماله نفاض فرشکان مقاب هزارچار صد و هشت  
حذشکته سرویخ است هزارچار صد و هزاره ملهم احباب ذوالمریض الحید هزاره  
سید و نور و دل استفاض مفاضعه ایتاب ایتاب بالله توکیف هزارچار صد و هزاره  
هزئیت هر شامن غلبه هر که حضرت علیم ربک سوط عذاب هزارچار صد و هزاره  
هشت محظیانا ولاتصلوهن هزارچار صد و هزاره جاع الورد والطلبات خل کده  
شمعنده هزارچار صد و هشت شاعنده غیر محظی حضرت تم کوپن هزارچار صد و هزاره  
شناخت دستاخن تاغ لا قنطره ایتمه ایتاب هزارچار صد و هزاره شمعل علیم  
هزیت دهرب نبوص مخرب کاینات ایتمه ایتاب هزارچار صد و هزاره  
سنه فتح فتح حجت خناب تغایر صبارت هزارچار صد  
اعزاز تعب ایتاب جتنا هزارچار صد و هشت جنبت تغایر تغایر  
امدادن

چهل و سه ایتال مراضات تبلیغ تغییب محبت اختم فاعلنا هزارچار صد و  
چهل و سه شیخ عبد العاله بکلیه فیضه لبناهیم صنارت تبلیغ والخواهیل  
فاذهیت هزارچار صد و هزاره تغیل مخفلون خسار آرد نعمت هزارچار صد و هزاره  
علیه تغیل و ایصالیه سیوت ایاثالیت هزارچار صد و هزاره  
عن سیاره و بیغناه ایغرا هزارچار صد و هزاره  
عشد الدلوه والدین امصول هزارچار صد و هزاره  
هزوار محض هزارچار صد و هزاره حیلته العین هیيات هیيات مانع مدنون  
نمیغت تغایل تلک ایات الكتاب المبنی هزارچار صد و هزاره  
مرتضی تغییف تغییف هزارچار صد و هزاره ظاعات تاخن خاتمه مشکل کنایه طلاق  
هزارچار صد و هزاره المیانه ندیک افساح بهم خودن حماله دویں دستین شده  
هزارچار مردم برسد هزارچار صد و هزاره و سه تغییغ معایت مفییات تغایر تغییغ  
لیلیت خاطنه الیوم بیغشون هزارچار صد و هزاره  
ای تاقی بشار من طین هزارچار صد و هزاره و سه ایتاب هزارچار صد و هزاره  
مرتضیوی باع جنت و اقیمه القلاوة و دشلمونین هزارچار صد و هزاره

هزارچار صد و هشت و پیغ تلک ایات الكتاب المکرم والارجه عشیا حواب شد ایغان  
هزارچار صد و هشت تکاه دخربکه هزارچار صد و هشت معاشرعن بیان  
اللهم اغفرلی هزارچار صد و هشت ایات النذیینی خدا چیده هزارچار صد  
پیغ و نه ایلک مفعل الجمین ولا طام الام منسلین محافظت هزارچار صد  
سنه حصل لعت غلت تغیل مفطم هزارچار صد و هزاره که ظافت لعنه  
غلات باغ سیارشان هزارچار صد و هزاره دلاغات بلعث غلت خلایه تبریز  
لعت خرابی زیاد هزارچار صد و هزاره سووف بیگول عنیا بلاغت خاقان  
هزارچار صد و هزاره شعبان العظم ایصال و لتبیین سیل الجمین هزارچار  
صه بیخ حنر ریشه حمیظه شاه کوران مقتب هزارچار صد و هزاره  
اخراجات حنر و شیرین هزارچار صد و هزاره هفت قزل اف قولیه علی الله ملاطفه  
و ماعلیها الدالیلین هزارچار صد و هزاره هفت حمزیک دلیسا میور هزار  
چار صد رسی و نه ولا ملارجه هجوج بلجیت و دیخون دایله لارجه هزار  
چار صد و هزاره هفتم مفخم مفعخ عنت تغییف لذیذ مفت وان کافر امیقی ایغدان  
هزارچار صد و هزاره هفت حامت معا اعمت صخما تارض مرضنا هزارچار  
چهارده و

پارشاد اعلام دیگر معاشق بمحورت **زاروچهار** هم دودب تعلط **زاروچهار**  
**چهار** شست که هشت **زاروچهار** صد و **شت** شتل نضیر غیم غنت غنی  
 فارج کل مفوم **زاروچهار** صد و **شت** هم المیلن ستان **زاروچهار** دیگر و **غایل**  
 فنایل اساعت **زاروچهار** صد و **شت** آند کان و **حنه** و مقننا هریشید عالم آن **زاروچهار**  
**شت** و **چهار** استقرار سایقات در یخن و بیقه و ده زنک ذوالجلاله الکا  
**زاروچهار** صد و **شت** پنج قله اوالهان بر طرف شدن مشکن حسن و کیان آستان  
 نمیشیت دهنده اموی و غینه **زاروچهار** صد و **شت** استهاد انسنه شاه فوج  
 منهن شدن هنارج لعین **زاروچهار** صد و **شت** سوغات لامین و لافیه منفع  
 پیغ زن خدیو کشور کشا **زاروچهار** صد و **شت** استغرا درخت سدر خلیل زر  
**زاروچهار** صد و **شت** و ش باقیه شهاب ثابت کانت هم جان الفردوس نیلا **زاروچهار**  
 صد و **شت** خوف خانه نقره نفع سینه کشتن **زاروچهار** صد و **شت** ریک  
 ذرین درخت قنابع حزانت رضاعت خاص که اشتی **زاروچهار** صد و **شت** رو  
 استیقاظ مقتل استدار اعتماد اعزام ارضاع **زاروچهار** صد و **شت** ریک  
 آن هر ازدی و قرآن جین مقابلت میگفت بلکاشن **زاروچهار** صد و **شت** ریک

**زاروچهار** صد و **شت** واسع العفرة محیمه شافت شاه کشور **زاروچهار**  
**زاروچهار** افتتاب و قدحاب من ازتری خالن اخلاق **زاروچهار** صد و **شت** استغا  
 پارشاد هریشید کلاه **زاروچهار** صد و **شت** هریزیدون فر آذون اشد العذاب  
**زاروچهار** صد و **شت** ولايت حق اهیه زین عفو و لیس به طعام الام منبع دلخواه  
**زاروچهار** صد و **شت** خفت بیوت پارشاد عدالت کرت آنستهون <sup>۷</sup> فاعلیلیانه  
**زاروچهار** صد و **شت** حزت محمد پیغمبر مقصوم عنیت قیم غثت قشیل تشیت  
**زاروچهار** صد و **شت** غاش غنا ذخادر حرف و خطر **زاروچهار** صد و **شت** درود  
 ائمه اس دامستعله دعا ایشی احتراش طبیعت **زاروچهار** صد و **شت**  
 شفارب ذات الرفع تثاب بفات الله کان حیما غفورا خاریت چوشت **زاروچهار**  
 باقیه **زاروچهار** بایته الغور ذوالکبریه والملکوت **زاروچهار** صد و **شت** پیغم  
**زاروچهار** صد و **شت** نثاره غزت و نفع توسعه هریشتر شرخ سبج **زاروچهار**  
 چفت شعیبه حنیشه ولاقطع هم آناد کهوزا شادع عزادش مرثیا الله  
**زاروچهار** صد و **شت** بشور شب غاره هنرها سکن دروار **زاروچهار** صد و **شت**  
 فذریه هادعا اصاصها فاتحهم شهاب ثابت بظلت باشه **زاروچهار** صد و **شت**

جبار  
 هزاروچهار صد و **شت** وان الله لا ينسى اهل المرضيں فیهن چرات حسان حربنا  
 هزاروچهار صد و **شت** آنلا ينسى اهل المصلحت غوری می خپی خپی خپی هزارو  
 هزاروچهار صد و **شت** حرب کدوی شکوه غاردنک منزیک اخترشیاره هزارو  
 هزاروچهار صد و **شت** مفاقت هریشید چهار کال هزاروچهار صد و **شت** باخون  
 هزاروچهار صد و **شت** بیلوبندیا صربت خفن هزاروچهار صد و **شت**  
 هزاروچهار صد و **شت** بیلوبندیا صربت خفن هزاروچهار صد و **شت**  
 چهارم شهادت هزاروچهار صد و **شت** هزاروچهار صد و **شت** اخراج اذاد اعما  
 والهیا ذات البرج اسکندر و لالرین خطا خالصا هزاروچهار صد و **شت** بیک و دیک  
 غلبان میاغت ویران شوشت هزاروچهار صد و **شت** بیک و دیک ریبت اسداد لشیت شیت  
 اسرائیلی هزاروچهار صد و **شت** بیک و دیک هریشادن پادشاه هندیا بن هریشید عالم کرد  
 هزاروچهار صد و **شت** بیک و دیک هریزید ارجاع هریزید عالم کرد هزاروچهار صد و **شت**  
 بیک و دیک هریزید ارجاع هریزید عالم کرد هزاروچهار صد و **شت** بیک و دیک  
 هزاروچهار صد و **شت** بیک و دیک هریزید ارجاع هریزید عالم کرد هزاروچهار صد و **شت**  
 بیک و دیک هریزید ارجاع هریزید عالم کرد هزاروچهار صد و **شت** بیک و دیک  
 هزاروچهار صد و **شت** بیک و دیک هریزید ارجاع هریزید عالم کرد هزاروچهار صد و **شت**  
 بیک و دیک هریزید ارجاع هریزید عالم کرد هزاروچهار صد و **شت** بیک و دیک

غثت میتھیعنی غلت تشیت معریض متعین **زاروچهار** صد و **شت** غیاث  
 میتھیعنی هر اضفت تغایل ذهاب آنستی **زاروچهار** صد و **شت** دوازده کشته شد پادشاه  
 کیم عالم و املاک المیل والهیار استغنا اصلیام **زاروچهار** صد و **شت** سیره جیفات  
 شرکاب **زاروچهار** صد و **شت** میتھیعنی باعستان چیخ ایهور **زاروچهار** صد و **شت** بیک  
 معوجه ذیجه اولیک استدنا لم عذابا الیما لد فاحچ منانه تک ریسم **زاروچهار** صد و **شت**  
 ش زده داعستان میوث عینو شمه غباد و مدش اوندیا ایهور **زاروچهار** صد و **شت**  
 مردن شایخ عرب الرعن طال العرش سوی **زاروچهار** صد و **شت** حضرت علی قیداللهی  
 هر آنها خمامت **زاروچهار** صد و **شت** ولنک اهدی الامر اط مستیم عزیزیه **زاروچهار**  
 باقیه **زاروچهار** صد و **شت** شرک تفضل تلیت صغار عکار شرکام **زاروچهار** صد و **شت**  
 پست و دیک کا شعر نظام ملکت **زاروچهار** صد و **شت** در جهه اند علی الحلق جمیعنی  
 باع دهستان **زاروچهار** صد و **شت** والهی جیما اقلمون ندیارالبشر شاه مرد  
**زاروچهار** صد و **شت** همچار تاقیم سنت الارابی شیروان و شماخی **زاروچهار** صد و **شت**  
 بیک و دیک **زاروچهار** ایما فریدان عزیزی **زاروچهار** صد و **شت** همچار تاقیم سنت  
 شاه مغلن **زاروچهار** صد و **شت** رجت کوئن زدم مصرا **زاروچهار** صد و **شت** دوشن

للذين يهدون اثنيات باغ وستان **دار** **با** **تصد** **و** **ست** **و** **سر** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك**  
 عث مفتش مقتل سفل رون كن **دار** **با** **تصد** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك**  
**س** **و** **ر** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك**  
 بخلاف شراب تاج مرغ سوك **دار** **با** **تصد** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** لاهذا سخوا آتابه كافرون مقد  
**دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك**  
 افع حاجي يارب خوان ضاجيان **دار** **با** **تصد** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك**  
 جست طبیت **دار** **با** **تصد** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** هلم راقم هي بگو وعشما صغير وكبير **دار** **با** **تصد**  
**س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك**  
**ج** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك**  
 هفت طاون خفچ جناح **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك**  
**ج** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك**  
**ج** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك**  
 انه كان للذين عفوا عنور حرم شركه آبادان خاهدش  
 برقادون امام حین ناعت **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك**  
 سخوان

دل غذا اليم  
**دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** تقار غارت خدا اخز عشاش خراز  
**دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** قال من بحال الطام زهريم اضا ضرعت غربت بخت خارهار  
**دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** يوم نديمه هون آبخز لندجه القول على الکیم فهم لايو منور  
**دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** معجزات امام رضا خواجه خاط خدم هجزات الرتعاب  
 اعتاب **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** هو الذي ارسل رسول بالهدى ودين الحق منظمه  
 آناب اوج خلافت وکان امن المقربين **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** روش خبر تظاهر خروج  
 هضانی تحت **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** تعاور تداعی صوصا تحت زریمه است که  
 رمعارج ملهم ایلهون **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** لبزیم الملاق عزوب شمس حضن **دار** **با** **تصد** **و** **ج**  
 واپشار رضوان الله تقدیه هنث العلیم **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** تقدیت عربت غیرت غیرت  
 فذا اقریه لانا قور و بیث همان رجا لاکتیر **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** خزو ملایل خدم  
 تخدیه رستادن هند بایران **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** تیب تغیب رغبت شافتان  
 اخترشنس خبر خبر **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** تغاره اهیارات دماخلش این  
 والاسن الایبدوت **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** بیضا این این  
 ایثار بخش خربلاک هنجه **دار** **با** **تصد** **و** **ج** **و** **س** **و** **ل** **ذا** **ب** **تصد** **و** **ك** هصین سلطان خوشید مقدا  
 هزار

شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> بِمَاءِ آدَهِ رِبَّكَنْبَانَ تَظَاهَرُونَ اسْتَقْرَاسُ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>أَنَا عَلَيْهَا</sup>  
فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> وَلَا يَطْلُونَ فَتَبَلا لَا يَمْعَوْنَ فِيهَا لَعْنَ الْأَسْلَامِ فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup>  
الْأَنَمِ اغْزَنَ دُلُو الْدِيَنَا سَاهَ مَرْجَتْ شَعَادَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> وَمَنْ شَبَّ آدَنَ لِعَلْمِكَنْكَوْنَ  
حَزَرِ كَيْ قَوْزِي فَوْزِي <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> سَاعِيْشِ اسْقَلَيَارَ فَاضِنْمَهِ بَيْتِ الْعَالَمِينَ بَادِشَاهَ اسْتَهَا  
أَنَا لِنْسِعَ أَهْمِنَ احْنَ عَلَادَ فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> حَزَرِ جَهِيدَ مَقْدَارَ فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup>  
دَلِيزِيْشِيْدَهُمْ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> مُسْتَعْنِيْضِيْمِيْنِ مِنْ الْمَهَارَاتِ رِدَقَ فَارِي بِالصَّدْرِ  
شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> حَزَرِ جَهِيدَهُمْ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> وَرَوْدَهُ مُنْتَاجَ الْعَيْبِ ثُمَّ آيَنَا مُوسِيَ الْكَابَ  
فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> هَشِيْتَةِ الْأَفَاقِ لِشَكِيدَتْ بَادِشَاهَ ايرَانَ بَهْنَدَ شَرِيشَتْ  
فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> رِبَنَا اغْفَرِي لَاهِنَاعَنِيْلَهُ وَلَا هِمْ عَنْهَا يَنْفُونَ فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup>  
شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> عَالِمِ بَدَاتِ الصَّدَرِ فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> خَلِيفَكَ بَارِكَاهَ فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup>  
شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> حَجَسَتِ طَلَعَتِ سَاعِنَيَيِ <sup>رَبِّي</sup> فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> رَوَانَ شَدَتِ حَوَنَ دَرِزِيْنَ  
شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> مِنْ ذَكِيَادَنَشِي <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> مَهِيْمَهِ سَخَارَتِ صَحَّجَخَ عَنَيْتَ فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup>  
شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> عَلَى الْآَرَبِ يَنْظَرَتِ تَطَافَ طَنَاسَلَامَ بَدِيسَ حَرِيَ حَاقَ فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> كَيْ  
شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> طَلَافَ غَاثَتَ حَذَرَاتَ عَرِيْعَمَ شَفَاعَتِ خَلَقَ فَارِي بِالصَّدْرِ شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup> وَرَوْدَهُ  
شَعْتُ <sup>رَبِّي</sup>

اَعْصَاصِيْ حَزَرِ شِيدَجَيْمَاتَابَ عَدِرَوَاهَ اَطْفَارَ اَحْتَاطَ خَشْعَلَنَكَوْنَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ  
شَتَارِدَهُسَهُ رِبَنِيْعَقَيْبَ اَسْكَنَرَدَارِمَيْنَتَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ  
شَتَارِدَهُسَهُ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ كَنْتَبَ قَلْمَ قَمْ نَوْجَ وَالْأَهْرَابَ فَعِيمَ مَعْنَى مِنْ كُلِّ اَمَّةِ شِيدَاهَ  
بَالْتَّنِيْكَتْ تَزَبَانَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ وَالْمَلَاقَاتَ مَتَاعَ بِالْمَرْوَفَ دَعْوَنَالِيْلَيْكَصَفَا  
شَارِدَهُسَهُ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ وَكَانَ اَهْنَدَعْقَوْنَعْفَرَانَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ دَبَهْنَدَسَقَرَ مَلَادَ  
شَارِدَهُسَهُ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ قَلَ لَاسْتَلَكَ عَلَيْهَا الْأَلْمَوْهَةَ فِي الْعَيْبِ هَرَخَ كَلَارَ كَالَّ  
رَوْدَهُ بَيْزَدَهُ رِنَكَ حَزَرِ شِيدَسَهُ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ طَرَفَتِ تَطَفِيْرَ مَقْنَطَرَهُنْيَشَ  
عَرِيْشَتِلَمَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ وَفَتَحَ النَّيَاءَ فَنَاتَ اِبَرَاهِيْمَتَ سَلِيْمانَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ  
شَتَارِدَهُسَهُ لَزَوَوَهُ دَهُ اَسْتَعْلَاقَ اَسْتَصْمَاعَ ثَلَثَتِ شَهَرَ وَمَا كَانَ اَمْكَ بِعِنَا <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ  
شَتَارِدَهُسَهُ لَزَوَوَهُ دَهُ اَلْقَلَامِيَافَتَزَكَ اَزْهَنَدَسَتَانَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ  
شَعْرِ جَهِيدَهُزَمَنَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ وَلَكِنَنَ اَنَّ اَلْتَاغَبَنَ حَزَرِ جَهِيدَهُلَكَتَابَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ  
لَوَرَدَشَشُ وَأَنَّمَ اَغْزِنَيَهُمَادَهُ اَهْنَمَاصَمَاطَسَتِبِمَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ حَرَفَتَ غَرَبَانَشَ  
مَعْشَقَ شَكَنَنَكَتَارَ وَاسِعَ عَرِيْسَمَعَ <sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ حَالَى الْمَحَمَّبَنَ حَزَرِ بَلَكَ  
<sup>رَبِّي</sup> بِالصَّدْرِ شَتَارِدَهُسَهُ حَزَرِ كَيْقَوْزِيْرَوْزَهُ خَافِقَيْمَوْزَهُ خَافِقَيْمَالْصَلَوَهَ دَلَقَ الْكَوَهَ <sup>رَبِّي</sup> لَشَصَهُ  
شَعْبَهُ الْصَلَوَهَ

فاذاهو خصم مبين عبته که بی دار و شد و سکه شده کرد و دستکاه مشیش کشید  
دار و شد و سکه شد  
دخت روز کار دار و شد و سکه شد  
مشتر مفتخر تمتع خصم ان الله کان بما تعلیون جبار دار و شد و سکه شد و سکه شد  
حکام عزات عزامت دار و شد و سکه شد  
کشت برکت دار و شد و سکه شد  
فرخاری عبته کجی دار و شد و سکه شد  
لورث من عبار نام کان تیبا مفتشر دار و شد و سکه شد و سکه شد و سکه شد و سکه شد  
دار و شد و سکه شد  
غایر تاریخی دیگر از عربان اغوان متفق تر فار و شد و سکه شد و سکه شد و سکه شد  
قال فائکون النظیر دار و شد و سکه شد  
غالب شدن بن بوس دار و شد و سکه شد  
شتر خاقان لذوقوا العذاب حزم و حم حشت دار و شد و سکه شد و سکه شد و سکه شد  
الله

مِنْ فَسْحَةِ الْأَنْبِيَّ

نتائج افکار احمد در تاوی عد کلیات

تفاخيص صاصن دستور اعظم هزار شصدهشتاد و ده اتفاق اعتراف روضته بجهات  
آمدن فریکان جانب معلمه شخیزه زدن ایران هزار شصدهشتاد رس  
ظاهر شد رجال با فوجی ملاحد کشته شدن شیطان با کوهه ذوق غم غم که بکاره  
بانک دایرا منسحوابن صاف حزنه خادی اخراجات چراخ و حدائیت  
حضرت صالح از نمان آمد دانای عین خدا همت الكتاب محکم در رهاب  
۱۶۸۳ ۱۶۸۲ ۱۶۸۲ ۱۶۸۲

ناظر انجیجع این الفاظ  
که بود هر چیز دری ناگفت بخ سالان باید تا میش شام منزه و  
آنقدر رحنا کوئم کو کو حواس ملها آشت ام اما لارچ عالی دل کش قدری حق عالی  
دست قدرت باستز کنم از دلم که بوناماردي رفت از دینم عنایت از طی باع جانان اکل ملاده گفت  
این چند که می باطنطق این کاران ما مایه کوه هاد سفت  
کنندانه کوکی می شد که چشم کوچیده ایوانه سفت  
هر کوکیدیدی بین دهنده دهنده بدبخت باید کشت خیرتار بخ سالاغاز عیز الفاظ اغشان گفت  
بدر تار بخ سال اما مش باخ ز آدم بکسب و سفت که میش من جواه لاما این نسخه الحکیم گفت  
۱۲۲۷ ۱۲۲۸



— 1 —  
— 2 —  
— 3 —  
— 4 —  
— 5 —  
— 6 —  
— 7 —  
— 8 —  
— 9 —  
— 10 —  
— 11 —  
— 12 —  
— 13 —  
— 14 —  
— 15 —  
— 16 —  
— 17 —  
— 18 —  
— 19 —  
— 20 —